

بزهکاری پدیده ای اجتماعی و دارای بستر اجتماعی است هر چند که عوامل زیستی، روانی، جغرافیایی، در نحوه شکل گیری و بروز نوع بزه، نقش بسیار مهمی ایفا می کند. تبیین مسائله براساس عامل محیط اجتماعی تجدید نگرش حوزه جامعه شناسی و روانشناسی اجتماعی است. خصوصاً نحوه عملکرد کوچکترین و مهمترین نهاد اجتماعی یعنی نهاد خانواده که نقش مهمی را در همکاری و متجانس کردن رفتارهای هنجاری افراد با محیط اجتماع بر عهده دارد. در تحقیق حاضر به بررسی نقش خانواده به عنوان عامل در کاهش بزهکاری می پردازیم. هر چه افراد خانواده در روابط خود بتوانند به نفع مشترک رسند برای رسیدن به نفع مشترک سازش بیرونی دو جانبی داشته باشند و همچنین نسبت به یکدیگر احساس تعلق داشته باشند اینگونه تحقیقات ضرورت می یابند تا کجروبهای اصلاح و بازپروری بزهکاران هموار گردند.

تحقیق حاضر مشتمل بر ۵ فصل است در فصل اول به مقدمه و اهمیت تحقیق و بیان مسائله و تعاریف پرداخته شده در فصل دوم پیشینه و ادبیات و چارچوب خود موضوع و در فصل سوم روش تحقیق و نظریه ها و پاسخ به سوالات در فصل چهارم تجزیه و تحلیل یافته های تحقیق و تحقیقات انجام شده در رابطه با موضوع در فصل پنجم نتیجه گیری و پیشنهادات پرداخته شده است.

## مقدمه :

تربيت انسان کاري است دشوار و وقت گير و نتایج آن نيز دير آشکار می شود. ملاک « خوب و بد » بودن آدمي به چگونگي و نحوه تربيت وي بستگي دارد. اگر شرایطی مناسب برای تربيت فراهم آيد انسان به سمت بي نهايت سير می کند و اگر در اين امر غفلت شود، چه بسا که آدمي از حد پست ترين موجودات زمین نير فروت رو د.

آدمي موجودی بالقوه می باشد و رد آغاز زندگی اش ماده خامی بييش نيسست. زمان، نوع و تربيت و آمادگي فرد ، سه مقوله اي می باشد که در زندگي آدمي و تحقق سفر به بي نهايت نقش بازي می کنند. ارزش تربيت انسان و زيانی که براثر نبود و يا ضعف آن دامنگير فرد و جامعه می شود.

زمانی مشخص می شود که ما به خاطر نبود تربيت و هدایت صحیح از هدف تعیین شده دور بمانیم و ارزیابی کمی و کیفی رشد و تکامل دشوار شود. تربيت محصول مراقبتی دائمي است که از نشو و نمای انسان در روند رشد وی به عمل می آيد. تربيت عمل عمدي فردی است که رشد را در فردی که قادر آن است ولی قابلیت لازم را دارد تسهیل و تسريع می کند تربيت، سعی در سازمان دادن تاثیر گذاشتن دارد تاثیری که تکامل را سرعت می بخشد.

( انسان از جمله بزرگترین و معجزات خلقت به شمار می رود و نوزان آدمي به همه قابلیت خود از نوزاد هر موجود زنده اي ناتوان تر و از رشدی كندتر برخودار می باشد.)

انسان کیفیت و خمیزه انسانی خویش را از خانواده و اجتماعی در قالب هاي تربیتی که از همان اوan کودکی به وي دیکته می شود می گیرد.

ضرورت تربیت بدان حد است که انسان قادر تربیت بسیار مشکل می تواند در اجتماع زندگی طبیعی و موفقی داشته باشد. اگر انسان را موجودی متعالی و دارای استعداد در کمال بدانیم او لازم دارد تا این حرکت به سوی تکامل را ادامه دهد و توفیقی در کار ندهد.

کودک به دنیا می آید، در حالیکه مانند لوحی سفید عاری از آگاهی می باشد. چگونگی تربیت موجب حک شدن نحوه عمل و عکس العملهای منطقی در جنبه های گوناگون در وی می شود. و به طور کلی می توان گفت: آنچه که در باور کردن استعدادها موثر و نقش تعیین کننده و ریشه ای دارد، تربیت صحیح و اصولی می باشد تربیت انسان کاری مستمر و پر ارزش می باشد ارزش و اعتبار هر کس به چگونگی تربیتش بستگی عمیقی دارد. اگر تربیت به صورتی مناسب و اصولی صورت گیرد ، انسان به درجه ای والا صعود می کند. و اگر در این امر غفلت شود ضلالت و پیشی از همراه خواهد داشت.

ارزش تربیت انسان و زیانهای فقدان آن دامنگیر فرد و جامعه به معنای اخص کلمه خواهد شد در راه تربیت هر یک از والدین نقش های بیشماری را بر عهده دارند در این میان نقش تربیتی پدر بسیار مهم است. (نجاتی ، ۱، ۷۱)

اهمیت موضوع :

### نقش خانواده :

هر یک دختر و پسر از سن سه سالگی که متوجه جنسیت در خور میشود و پس از آن، بویژه در دوره دبستان باید بتدریج با نقش ویژه خود بعنوان دختر یا پسر آشنا شود و این کار تا مرحله بلوغ به تعویق نیفتد یعنی پسر باید بیاموزد که چه ویژگیهایی را باید دارا باشد که یک پسر باشد و یک دختر چه خصوصیاتی را باید داشته باشد تا یک دختر باشد. نقش پدر و مادر از این جهت بسیار مهم است.

پسر در خانواده پدر را از جهت خصوصیات مردانه الگوی خویش قرار می دهد و با او همانند سازی می کند و دختر مادر را را الگو قرار می دهد. کار دختر در این زمینه آسانتر از پسر است زیرا پسر که در دوره خردسالی بیشتر تحت تاثیر مادر و وابسته به اوست در مرحله های بعد باید الگوی خود را تغییر دهد و با پدر همانندسازی کند؛ حال آنکه دختر نیازی به این تغییر الگو ندارد.

از اینجا می توان دریافت که کار پدر در ارتباط با پسر حساستر است و او باید نقشی فعال را در جهت آموزش نقش ویژه خود دچار مشکل می شوند. به همین ترتیب اگر پدر یا مادر نتوانند نقش خود را به درستی ایفا کنند و الگوی صحیح و مناسبی برای فرزندان خود باشند بی تردید دشواریهای فراوان برای فرزندان آنها پیش خواهد آمد. (سدات، ۸۲، ۷۲)

نگاه به منکرات و مفاسد اجتماعی بویژه از زاویه خرد و فرهنگها موضوعی است که این تحقیق به دنبال آن است مقوله ای که علی رغم اهمیت، کمتر مورد مذاقه و بررسی علمی و کارشناسانه قرار گرفته است (امین صارمی، ۳۲)

نقش مادرها در تربیت و پرورش فرزندان هزاران بار موثرتر از پدرهاست. وظیفه و مسئولیت مادران بسیار مهمتر و سنجین تر از پدرهاست. همیشه فرزندان خوب و صالح در خانواده ای تربیت می شوند که مادری مسؤول و وظیفه شناس و آگاه به دادن عشق واقعی به فرزندانش در آن باشد. (مهديخالو، ۲۶، ۸۲).

از آنجایی که امروزه تحقیقات به عنوان وسیله ای جهت رسیدن به اهداف و برنامه ریزی های مختلف در جامعه بشری درکلیه رشته ها می باشد. لذا جهت بررسی و استفاده درست در برنامه ریزی اوقات فراغت برای دانش آموزان مقطع راهنمایی پسر در ناحیه ۶ آموزش و پرورش نیز این ضرورت مشهود بوده است چرا که عصر حاضر عصر توجه به اوقات فراغت است.

و در این راستا اقتصاد دانان از اوقات فراغت جهت بالا بردن راندمان اقتصادی بهره گرفته تا به سود بیشتری نائل گردند و جامعه شناسان و علمای اجتماعی نیز با بهینه کردن اوقات فراغت آن را عاملی برای جلوگیری از انحرافات و آسیبهای اجتماعی می دانند و رشد و شکوفایی بعد پرورشی را در اوقات فراغت بهتر می دانند. پسی گذران درست اوقات فراغت تضمین کننده سلامت و بهداشت روان است. خلاقیتها و نوآوریهای جوانان و نوجوانان در ایام فراغت شکل می گیرد زیرا ذهن انسان در اوقات فراغت فعالیتی موظف ندارد و با نشاط و فارغ البال، اندیشه می کند. براساس نظریان و عقاید صاحبنظران این شرایط مهمترین زمان برای آزاد شدن نیروهای درونی و بروز استعدادهای ذاتی افراد است.

اگر استعداد را یک خصوصیت ذاتی بدانیم شکوفایی این خصوصیت و وضعیت، با فراهم نمودن زمینه های مناسب عمدتاً در ایام تحصیل و اوقات فراغت شناسایی شده، رشد یافته و جهت پیدا می کند. اما از آنجایی که در زمان تحصیل و

اوقات رسمی مدرسه همواره چهارچوب محدود و معینی برای فعالیتهای دانش آموزان وجود دارد لذا آنها در اوقات فراغت خود مانور پیدا کرده، و تمایلات خویش را برای فعالیتهای گوناگون و دلخواه ابراز می دارند، چرا که برنامه های کلاسیک رسمی و قرار دادن تنها کنجکاوی ذهنی و تمایلات دانش پژوهی جوانان را ارضاء می کند. و به دیگران تمایلات و احتیاجات جسمی و روانی آنها نمی پردازد. (دشتی، ۷۸، ۷)

تکیه و پافشاری بر این عوامل و عفیلت از دیگر برنامه ها موجب بوجود آمدن افراد تک بعدی و گریزان از اجتماع می شود. در حالیکه مشارکت در فعالیتهای مختلف فوق برنامه مدرسه حس همکاری و مسئولیت پذیری و رهبری و اعتماد به نفس را در دانش آموزان تقویت می کند.

از ضرورتهای دیگر اجرای تحقیق می توان نقش گذران اوقات فراغت و بزهکاری دانش آموزان را نام برد که تاثیری مستقیم دارد. در تحقیقات انجام شده توسط حسن احمدی و نیک چهرمحسنی نشان می دهد که  $\frac{52}{4}$  درصد دانش آموزان بزهکار اوقات فراغت خود را به بطالت گذرانده اند. در صورتی که این رقم برای گروه مقایسه  $\frac{5}{8}$  درصد بوده است.

بنابراین با  $99\%$  درصد اطمینان می توان نتیجه گرفت که چگونه گذراندن اوقات فراغت با بزهکاری دانش آموزان در به انحراف کشیده شدن آنان تاثیر دارد. (دشتی، ۷۸، ۹)

خانواده به عنوان یکی از مهمترین منابع حمایت اجتماعی مورد توجه و عنایت روان شناسان و جامعه شناسان و رهبران جوامع بشری قرار گرفته است. آنها ایمان دارند که برای اصلاح جامعه و بهبود روابط افراد لا جرم باید به تحکیم خانواده و اصلاح آن پرداخت. به عنوان نمونه آدلر حمایت خانواده را برای تحقق

بعدی و رضایت بخش تمام مسائلی که فرد در زندگی با آنها مواجه می شود اعم از جنبه های حرفه ای ، ارتباط عاطفی، ضروری می داند. (قندهاریزاده، ۷۸، ۴)

### (اهمیت موضوع )

اهمیت خانواده :

خانواده یکی از عوامل موثر و اساسی در رفتار فرد می باشد کودک از بدو تولد خصوصیاتی را از والدین خود به ارث می برند و زمینه های رشدش را فراهم می آید. نفوذ والدین در کودکان، تنها جنبه های ارشی و وراثتی ندارد، بلکه در آشنایی کودک به زندگی اجتماعی و فرهنگ پذیری وی، خانواده و والدین نقش موثری را بر عهده دارند. موقعیتهای مختلف خانواده و وضعیت معیشتی افکار، باورها، آداب و رسوم ، آرمانها ، آرزوها و نحوه تربیت خانواده در چگونگی بروز رفتار در کودکان تاثیر زیربنایی دارد.

خانواده ها در زمینه های مختلف اجتماعی، تربیتی ، اقتصادی و.... با یکدیگر اختلاف دارند، ساختار و شکل خانواده ها، نحوه ارتباط اعضاء هر خانواده با یکدیگر و جامعه ای که خانواده در آن زندگی می کند در بیشتر موارد همسانی ندارد. براین اساس رفتار و تاثیر خانواده ها در افراد گوناگون است.

خانواده را می توان کلاس اول تربیت و پرورش کودک دانست. کودک مبانی اولیه زندگی را در آنجا فرا می گیرد و خود و در امور را از آنها می آموزد. زندگی خانوادگی مقدمه ای برای ورود به زندگی اجتماعی و قبول مسئولیت عمومی است. خانواده ای که در آن آرامش وجود دارد و محیط مناسب است برای پرورش و تربیت موجب می شود که کودک در آن دوستی و عشق، بردبازی

و صبر، تعادل و تکامل، مسئولیت و اعمال اخلاق و.... را بیاموزد و بتواند انسانی مفید و موثر باشد. اما خانواده ای که نتواند محیطی آرام بخش باشد، بدترین و نامناسب ترین محیط برای کودک است. و کودک در آن بجای یادگیریهای مشبّت، کیّنه و نفرت، نابکاری، دوروئی، نفاق و.... را فرا می گیرد. با همه تاثیراتی که کودک از اجتماع و همسالان خود می گیرد، باز نمی توان نقش ریشه ای و تاثیر عمیق خانواده را انکار کرد. این اهمیت بیشتر ناشی از رابطه خونی و عاطفی موجود در خانواده می باشد. بر عکس روابط دیگر جنبه تلفیقی دارند. خانواده محلی است که کودک خواسته ها و نیازها و رازهای درونی خود را با آنان در میان می گذارد.

در صورتی که چنین رابطه عمیقی خیلی بندرت با دیگران برقرار می شود. خانواده، شخصیت کودک را رنگ می دهد و خط مشی و روش زندگی کودک را در حال و آینده تعیین می کند.

خانواده می تواند در کودک سازندگی یا ویرانگری، رفتار مناسب یا نامناسب ایجاد کند. براساس تربیت والدین است که طفل در آینده در زندگی آرامش داشته یا بی قرار و نامتعادل می شود. کودک بیشتر تحت تاثیر والدین است. و از نظر فکری تحت تاثیر آنان قرار دارد. خانواده مهمترین پناهگاه برای جوانان است خانواده های آشفته و پریشان موجب می شود که فرزندان از کانون خانواده گریزان بوده و والدین نقطه اتكای مناسبی برای آن نباشد اعتماد نسبت به والدین در این گونه خانواده ها بسیار نازل است.

والدین بایستی در خانواده محیطی را فراهم آورند که فرزندان احساسات خود را بروز دهند و به سمت سازندگی به پیش روند آنان باید رفتارهای طغیانگرانه فرزندان خود را نشانه های رشد تلقی کرده و علیرغم این رفتار، آنان را دوست

بدارند و به فرزندان خود این امکان را بدهند که راهی مستقلانه را برای خودشان انتخاب کنند پدر و مادر نباید الگوهای خود را به فرزندان خود تحمیل کنند بلکه با استیضاح آنان را به تناسب استعدادها یشان آزاد بگذارند تا رشد کنند (نجاتی، ۷۱، ۵۴-۵۶).

در بسیاری از آیین‌ها، نظریه‌ها و مکاتب، عصر انسان با آفرینش مرد و زن آغاز می‌شود هرچه که باشد، هنگامی که به گذشته کهن باز می‌گردیم و به تاریخ پرنشیب و فراز انسانیت می‌نگریم، ساختارها و چهارچوب‌های خانواده را بزرگ‌تر و با پیچیدگی و گستردگی خاصی می‌بینیم، طوایف، ایلها، قبیله‌ها و جوامع روستایی و شهری را خواهیم یافت که چندین نسل پی در پی در کنار یکدیگر زندگی می‌کردند، با هم تلاش و کوشش می‌کردند و دارای رسوم و مراسم خاص بوده‌اند. خانواده به مفهوم وسیع و اخص آن می‌تواند خاستگاه اعضای خویش باشد و پناهگاه آنان قرار گیرد، نهادی باشد با احکام و سلسله‌ی مراتبی که ممکن است در نظر بعضی‌ها ظالمانه به نظر می‌آید ولی به وسیله حفظ ویژگیهای اصلی و مشخصات و ویژگیهای فرهنگی به نسلهای بعدی می‌باشد.

فرزنдан عصر ما نیاز شدیدی به کمک و مساعدت پدر و مادر خویش در امور مختلف دارند و اگر این یاری از سوی آنها صورت نگیرد و به صورتی منطقی و دوستانه مشکلات آنها حل نشود و راهنماییهای لازم صورت نگیرد، به جهت احساس نیازی که آنها برای برطرف کردن مسائل خود دارند، از محیط خانوادگی بریده و از جایی دیگر تغذیه می‌شوند.

جوانان و نوجوانان از پدر خویش توقعاتی دارند و انتظار دارند که پدر یار و یاور و نیرو دهنده‌ی آنها باشد و این یاری در تمامی ابعاد به صورتی همه‌جانبه

صورت می گیرد پدر بایستی در مورد آنان مراقبت های لازم را اعمال کند) نجاتی، ۱۶، ۷۱.

### مهر و محبت :

از مهمترین عوامل در تربیت فرزندان سیراب کردن آنها از مهر و محبت است. اثر محبت در رشد روانی فرزندان مانند اثر نور و حرارت در رشد دانه گیاهان است. تا گرمای محبت به فرزندان یک خانواده نرسد و آنان را سیراب نسازد، رشد روانی و شخصیتی آنها به طور طبیعی به انجام نمی رسد. تجربه نشان می دهد که بسیاری از انحرافات نوجوانان ناشی از کمبودهای عاطفی آنها در خانواده است.

دختر نوجوانی که کمبود محبت دارد به هر کسی که سر راه او قرار می گیرد و به او اظهار محبت می کند علاقمند می شود به دوستیهای ویرانگر تن در می دهد و چه بسا در این مسیر تباہ می شود. نمونه این موارد کم نیست.

در آموزش‌های اسلامی به محبت کردن فرزندان بسیار توصیه شده است تا آن جا که فرموده اند: نگاه محبت آمیز پدر به صورت فرزند، عبادت است. ما نباید از آثار معجزه آسای محبت در تربیت فرزندان خود غافل شویم. (سادات، ۷۲، ۵۲).

### دوستان و همبازی ها :

ظاهراً ما می خواهیم فرزندانمان و دوستانشان را خود انتخاب کنند. ما به آزادی اعتقاد داریم و بازور مخالفیم و می دانیم که آزادی در داشتن ارتباط با دیگران یکی از حقوق اولیه دموکراسی است.

والدین باید دقیق فراوانی بکار برند کودکانی که رفتار تیهکاران را تقلید می کنند گروه دوستان و فرزندشان نباشند. این کودکان بخطاطر تجربه بیشترشان

غالباً در مدرسه و محله به صورت قهرمان در می آیند و می توانند سرمشق خطرناکی برای دیگر کودکان باشند.

(کتابت، ۷۴، ۸۷)

نظریه پردازان سازمانهای اجتماعی بر این باورند که عواملی چون کاهش کارایی نهادهای اجتماعی نظیر خانواده و تضعیف تقلیدهای خویشاوندی بعنوان نیروهای غیر رسمی کنترل اجتماعی انسجام نسبی اجتماعی که پیامد رشد سریع صنعتی شدن شهرنشینی و مهاجرت فزاینده به سوی حوزه های شهری است جرایمی نظیر قتل، سرقت، انحرافات جنسی و اعتیار را افزایش می دهند.

رفتارهای انحرافي نظیر کسب پول بدون کار، رفتار جنسی بدون ازدواج و ارتکاب رفتار جنایی به دلیل هیجان انگیز و پر شوق و شعف و مخاطره آمیز بودن از فعالیتهای افراد با خود کنترلی پایین است. افراد با خود کنترلی پایین خودمدار، بی تفاوت و نسبت به رنجها و نیازهای دیگران غیرحساس بوده و در مقابل ناکامیها تحمل کمی دارند. گاتفریرسوم و هیرشی معتقدند که خود کنترلی پایین محصول ضعف در انجام وظایف والدین است گرچه ممکن است در طول زمان به جهت تاثیر نهادهای اجتماعی دیگر ضعف والدین تا حدی جبران شود ولی خودکنترلی پایین در فرد درونی شده و پایدار می ماند به باور آنان خودکنترلی پایین علت ارتکاب جرم نیست ولی با فرصتهای جرم زا در تعامل است و هنگامی که فرصتی برای ارتکاب جرم فراهم شود افراد با خود کنترلی پایین احتمالاً تسلیم این فرصتهای می شوند (دکتر حبیب احمدی، ۱۳۸۴)

در دنیای کنونی به قدری اهمیت ناشناخته نقش خانواده در تامین سعادت یا شقاوت اجتماعی پی برده است که یکبار محور علوم روانشناسی آموزش و پرورش و روانکاوی کودک گردیده است و همگی خود را در خدمت خانواده ها

در آورده است. و با تربیت نیکو و پرورش سجایای عالی در کودک و تامین زندگی مرفه و منزه برای او و جلوگیری از ایجاد عقده های مزاحم موجب تمایل وی به صلاح و تقوی و انحراف از تبھکاری گردند. ( بهروز مهرام، پایان نامه آنچه حائز اهمیت است اینکه تاکنون آثار و تحقیقاتی که در زمینه روابط بین والدین با فرزندان صورت گرفته و به ویژه در زمینه رابطه مادر فرزندی یا پدر فرزندی بوده است حال آنکه مولف ریزبین، دیدی ورای این رویکرد داشته و به رابطه زناشویی که به شدت فرزندان را تحت الشعاع قرار می دهد پرداخته است. چرا که اغلب روابط اولیا و فرزندان روابطی ایده آل و رضایت بخش محسوب می شود. حال آنکه وقتی بطن این خانواده ها را می کاوید در میباشد که مشکلات فرزندان خانواده هایی از این دست ناشی از روابط ولی - فرزندی نیست. بلکه ریشه در روابط زناشویی والدین دارد. روابطی که مجموعه آثار و عواقبی را در پی دارد که ابتدا رفتار فرزند و در مراتب بالاتر نگرش و تصمیم گیری وی را نسبت به ازدواج و نحوه رفتارش در روابط زناشویی خود تحت تاثیر قرار می دهد ( جودیت پی سیگل، مترجمین مرتضی صفوی زاده - محمد فرجیان، ۱۳۸۳).

گسیختگی خانوادگی یکی از عوامل مهم در تولید رفتار بزهکارانه است زیرا هنگامی که فرزندان والدین خود را در اثر طلاق از دست می دهند همچنین مراقبت، سرپرستی و کنترل و راهنماییهای انان را نیز از دست خواهند داد گسیختگی خانوادگی فرایند جامعه پذیری فرزندتان را با مشکل موافق خواهد ساخت. زیرا خانواده های تک والدی قادر نیستند الگوهای نقشی مناسبی برای فرزندان باشند. بی ثباتی در نظام خانواده موجب روابط ضعیف فرزندان با پدر و مادر خود گردیده و زمینه را برای رفتار بزهکارانه در فرزندان آماده می سازد.

جدایی از پدر و مادر یا یکی از آنان در بسیاری از تحقیقات با بزهکاری مربوط دانسته شده است. (دکتر حبیب احمدی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۲) (اهمیت)

ناسارگاری خطای است فردی، تعرضی است از جانب انسانی به انسان دیگر که با قدرت گذشت در موارد بسیار قابل جیران است. چه بسا خطا کننده خود بر سر عقل آید و از کرده پشیمان شود ولی سنتیزه و طلاق خطا و گناهی است اجتماعی، گسستن سنگ بنای اجتماع است. درهم ریختن شالوده زندگی است. کانون خانواده مرکز تعلیم و تربیت و آموزش حس تعاون، وطن پرستی، گذشت و فداکاری و تمام خصایص عالیه انسانی می تواند باشد. خانواده در شکل گیری و حفظ و گسترش روح ملی و فداکاری در جهت حفظ حدود و ثغور کشور نقش بسیار موثری را ایفا می کند و در کشورهایی که مبانی خانوادگی سست و ناپایدار است مسلماً روح همبستگی ملی و تعاون در آن سست و بی بنیاد است. (دکتر محمد حسین فرجاد ۱۳۷۲).

در هر خانواده ای روابط متفاوتی وجود دارد که شامل: رابطه میان زن و شوهر، روابط میان مادر و فرزندان، پدر و مادر و دیگران است. وضع اقتصادی خانواده به تعداد فرزندان همگی در ایجاد جرم موثر هستند. احساس حقارت شخص یا محدودیتهایی که از نظر مالی در شخص به وجود می آید می تواند حالتهای تهاجمی را در او به وجود آورد مثلاً بیشتر مجرمین در خانه هایی زندگی می کنند که فاقد وسایل راحتی و آسایش است. غذای بد و ناکافی، سطح زندگی پایین، عدم وجود امنیت، فقدان بهداشت، وضع کار والدین، بیکار بودن والدین گاه در جهت عکس وضع اقتصادی خوب نیز در رفتار جوانان اشر محکومی می گذارد.

به طور کلی اغلب موارد انحراف اجتماعی به دوران کودکی فرد مربوط است . خانواده در نقش پذیری و رشد صفات کودک سهم بسزایی دارد. هیچکس از مادر، مجرم متولد نمی شودم و کودک اولین الگوهای تربیتی خویش را از خانواده فرا می گیرد. خانواده ای که به اساسی ترین نیازهای روانی کودک که نامیں عاطفه و محبت عمیق و مامنی گرم و مطمئن می باشد بی اعتنا باشد و یا شخصیت اعضا آن مورد بی احترامی واقع شود بویژه اگر جوی سالم بر محیط خانه حکم فرما نباشد طبیعی است که فرزندان این خانواده بزهکاران امروز و مجرمین فردا خواهند بود.

اهمیت خانواده ) محیط خانه اولین و بادوام ترین عاملی است که در رشد شخصیت افراد تاثیر می نماید. وضع کودکان در یک خانواده و در خانواده های مختلف فرق می کند. کودکی که تنها فرزند والدین است وضع خاصی دارد. کودکان معمولاً در خانه نسبت به پدر و مادر و برادران و خواهران خود احساسهای متضاد دارند. از یک طرف آنها را دوست می دارند ولی همین احساس در اثر عوامل مختلف ممکن است با احساس تنفس همراه باشد. یکی از احتیاجات اساسی روانی افراد برخورداری از محبت دیگران است. کودکی که در سالهای اول زندگی محبت پدر و مادر محروم باشد در خانه احساس ناامنی می کند از زندگی لذت نمی برد، اغلب سرد و خشک و نسبت به دیگران بی مهر است و کمتر مقید به اصول قوانین اخلاقی است. بر عکس کودکی که از جهت سرشار پدر و مادر برخوردار قدرت سازندگی بیشتری دارد، احساس سکون و آرامش می کند، اعتماد به خویش در او قوی است و نسبت به میزانهای اخلاقی حساس است.

اهمیت روابط والدین و فرزندان) در طفولیت والدین برای بچه همه چیز هستند و بدون آنها کودک محبت، حمایت سرپناه و غذای دارد. آنها تمام قدرت او بوده و آنها را والدینی کامل، عالی و با قدرت می داند. در نتیجه احساس ایمنی می کند. در سال دوم و سوم زندگی دوست دارد احساس استقلال کند. کارهای شخصی خودش را تا حدی انجام دهد، یاد می گیرد که با گفتن «نه» کارهایی را که مطابق میلش انجام ندهد و نیز می خواهد ثابت می کند که شخصیت واحدی است.

این تلاش برای استقلال در دوران بلوغ به اوج خود می رسد. خانواده های آرام و طبیعی می دانند که با بچه (در هر سنی) چگونه رفتار کنند و خودگفایی و استقلال را در آنها تقویت نمایند. آنها می دانند دوران بلوغ فقط یک بحران روحی و موقتی است. اما والدین ناسالم از مراحل رشد آگاهی ندارند و بعضی از رفتارهای استقلال طلبانه بچه را به حساب سرپیچی و لجبازی می گذرانند و به جای اینکه در راه صحیح او را پیروش دهند همیشه سعی می کنند رفتار او را کنترل کرده و فقط راه صحیح را از غیر صحیح به او نشان دهند(سوزان فوروارد، ترجمه مینو کسائیان ، ۱۳۷۸)

#### ضرورت تحقیق :

شیوه کنترل بیرونی (پیشینی) مبتنی بر فشار ، اجبار و ترس از قدرت است اما در شیوه کنترل درونی (پیشین) که مورد نظر این مقاله است. جامعه شناسان بر این باورند که خانواده یکی از مهم ترین و بیشترین نقش را در جلوگیری از بروز انحرافات و جرایم اجتماعی ایفا می نماید. همان طوری که می تواند عامل

موثری در انجام رفتار باشد بنابراین اگر محیط خانواده در دوران کودکی فرد، یک محیط سالم مناسب و بسامانی باشد احتمال مصونیت فرد در مقابل رفتارهای انحرافی فراوان است والدین نخستین کسانی هستند که در محیط خانواده بر خلق و خوبی فرزندان تاثیر می‌گذارند آنها با بخوردها و حرکات رژایل را در نهاد فرزندانشان پایه گذاری می‌کنند و زمینه‌های شکل گیری حالات و ملکات اخلاقی خوب باید را فراهم کنند. یکی از جرم شناسان با نام «دوگرف» در این رابطه می‌نویسد:

اثرات سالهای عمر بر روی تکوین و تحریف افراد بسیار بدیهی است و اگر خانواده به وظایف تربیتی خود عمل نماید و روابط بین والدین و فرزند طبیعی خانواده جو دوستی و محبت حاکم باشد و در نهایت اگر تمام نیازهای طبیعی فرزند تامین گردد طفل در روابط خانوادگی و خارج از آن، رفتارهای طبیعی و متعادل خواهد داشت. اما اگر شرایط و موقعیت متعادل باشد یعنی خانواده از نظر تربیتی دچار نقیصه شده و طفل از کمبود شدید عاطفی رنج ببرد. و اگر والدین بی فکر باشند بدیهی است که نتایج زیان بار آن دیر یا زود در طفل مشاهده خواهد شد. خانواده اساسی ترین نهاد "جامعه پذیرکردن" کودکان و بویژه در سالهای حساس اولیه زندگی است خانواده تحت شرایط صحیح، کودکان را آماده می‌سازد تا تواناییهای بالقوه خود را شناسایی کنند و به عنوان افراد بالغ نقشهای سودمندی را در جامعه بر عهده گیرند. کودکان در فرایند جامعه پذیری در خانواده امر و نهی والدین، تقلید و همانند سازی را که مهمترین شیوه‌های انتقال ارزشها، هنجرها و سنتهای اجتماعی است یاد می‌گیرند. در حقیقت خانواده است که کودکان می‌آموزند که چه چیزی درست و چه چیزی غلط است و چه چیزی خوب و چه چیزی بد است.

طبیعی است که خانواده نقش قابل ملاحظه ای در شکل گیری شخصیت و رفتار کودک دارد. محیط گرم و دوستانه خانواده که در آن پدر و مادر و اعضای دیگر خانواده دارای روابط خوب و صمیمانه ای هستند، معمولاً کودکانی سالم، با شخصیتی مشبّت و فعال بار می آیند که بازتاب عشق و علاقه خانوادگی را به صورت کار و کمک به دیگران نشان می دهند.

بر عکس خانواده از هم پاشیده و زندگی در محیط های آلوده و منحرف کننده، عدم مراقبت دقیق والدین و بی توجهی آنان به امر تعلیم و تربیت فرزندانشان اساس کجرویها را در کودکی پایه گذاری می نماید که این امر در نوجوانی باشد و حدت ظاهر می گردد.

در زمانی که فروپاشی خانواده بعنوان نهاد اولیه و پایدار تربیت روز به روز افزایش می یابد و طبق پیش بینی های انجام شده از جانب سازمان بهداشت جهانی احتمال داده می شود که در طلیعه هزاره سوم پنجاه درصد فرزندان در خانواده تک والدی به سر می برند و بین خ طلاق هفت برابر افزایش یابد در زمانی که شیوع اختلالات و ناهنجاری های روانی و رفتاری از نظر همه گیر شناسی روز به روز فراوانی می یابد در چنین زمانی تنها کلید حل این بحران اخلاقی، بازگشت به اخلاق است (یوسف کریمی، ۱۳۷۵). با توجه به اینکه کلبگ معتقد است که بین تفکر اخلاقی و رفتار اخلاقی تا حدودی ارتباط وجود دارد برای مثال بزهکاران در مقابسه با افراد مطیع قانون که از نظر سنی و هوشی یکسان هستند ولی از لحاظ قضاوت نوجوانان خانواده اصلی ایفاگر نقش مستقیم و بسیار مهم است. بزهکاری در اغلب موارد واکنش تعارضی است که در وضع خانوادگی پدید می آید.

اما در ماورای این نقش مستقیم خانواده اصلی در تکوین شخصیت بزهکار و شکل دادن بدان دخالتی موثر دارد. (پنیاتل ایو<sup>۱۹۳</sup>، پروفسور استفانی، وزامبومرین)

استادان ارجمند دانشکده حقوق و علوم اقتصادی پاریس در اثر مشترک خود به نام «جرائم شناسی و علم اداره زندان» درباره تعارض زوجین می نویسد: کیست که زنانه قعارض زوجین مستقیماً یا غیر مستقیم منجر به بزهکاری می شود. فردی که تحت تاثیر چنین تعارضی قرار می گیرد، به سوی جرائم گوناگون سوق داده می شود. بسیاری از خانواده ها در اثر چهالت خود سقوط فرزندان خویش را تسهیل می کنند مثلاً به داشتن فرزند خجول، کمرو، کم حرف، مطیع، گوشه گیر، بی رغبت به بازب با کودکان مبهات می کنند و آنان را در زمرة اطفال بسیار مودب معرفی می کنند و حال اینکه با این عمل بیماری ضعف شخصیت آن را تشیدید می کنند و غافلند از این که اشخاص کمرو و خجول دارای شخصیت غیرعادی هستند. احساس محرومیت از جهت پدر مولد رفتار طغیان و عصیان علیه مقامات و صاحبان قدرت است کودکی که جهت نچشیده چگونه می تواند دیگران را دوست بدارد.

کودکانی که رفتار والدین را نسبت به خود خصمانه پذیرفتند در آنان با دیده خصومت نگریستند صاحبان قدرت روز را با همان چشم خواهند نگریست. پدرانی که به فرزندان خود محبت ورزند مانع از بروز احساس محرومیت عاطفی در آنان می گردند. (امیر ملک محمودی پیگوذرزی)

هدف کلمی :

بررسی نقش و اهمیت خانواده در کاهش جرائم

اهداف جزئی:

- ۱- بررسی و مقایسه سطح رشد شناختی و رشد قضاوت اخلاقی در میان افرادی عادی و بزهکار
- ۲- تعیین اینکه تا چه اندازه حوادث منفی و آسیب رسان نظیر فقدان ، جدای، اعتیاد والدین می تواند کارکرد خانواده ها را تحت تاثیر قرار دهد و آیا اساساً چنین تغییری به وجود می آید.
- ۳- تعیین اینکه تا چه اندازه النگوی آسیب شناسی روانی و اجتماعی در نظام خانواده بر یکدیگر منطبق میباشند.
- ۴- هدف کوشش مداوم و همه جانبیه دانشمندان و هیات حاکم این است که خانواده را به خاطر جامعه بزرگتر، به نام میهن و به نام انسانیت تحت نظم در آورند.

بیان مسئله :

خانواده :

تربیت کودکان که در روزگار پیشین امری سهل و ساده و طبیعی بوده است در عصر ما به گونه ای فوق العاده دشوار تجلی کرده است. در سوء تاثیر تعارض روانی خود و اثر نامطلوب تضاد و کشمکش و نفاق خانوادگی و فرهنگی و اجتماعی در رفتار کودکان و نوجوانان همه دانشمندان بزه شناس اتفاق نظر دارند.

تعارض، نفاق، ناسازگاری مشاجره میان پدر و مادر سنتیزه جویی و اختلاف میان هر دو یا یکی از آنان و کودک رفتار خشونت آمیز اطرافیان با کودک و عدم تعارض در میان آنان آنچنان آثار شوم و زیان بخش در روان طفل باقی می گذارد که با اعمال شقاوت انگیز خود و بروز مفاسد کاخ صعدت جامعه خویش را می لرزاند، نه فقط سنتیزه جویی و نفاق و رفتار خشونت آمیز ، مفاسد خطرناک برای جامعه به بار می آورد. بلکه خونسردی و سکوت دائمی والدین و کانون سرد و بیفروغ و خالی از محبت و مهر و نوازش اقان نیز قالی شومی در برخواهد داشت.

بسیاری از جانیان خطرناک و سنگدل و مجرما م به عادت کسانی هستند که در کودکی از نظر نوازش مادری و ثبت پدری محروم مانده و از این محرومیت رنج برده اند( امیر ملک محمودی الیگودرزی ، ۱۳۷۴).

خانواده و توصیف داده های آن :

کودک از دیدگاه معارف اسلامی، در مرحله اول، ملک خدا و از آن اوست و در مرحله بعد امانتی است که در دست والدین، دولت، جامعه و خودش قرار گرفته است و چون فرزند در بدو امر از توانایی و شایستگی وافی نسبت به تربیت خویش برخوردار نیست. والدین تا زمان بلوغ فکری لازم، نسبت به تربیت صحیح آنها ولایت دارند و سپس بر عهده خودش است.

دولت، جامعه و مردم، نقش تکمیلی، خدمات رسانی و جانشینی دارند. به بیانی دیگر حق تربیت برای فرزند، امری مسلم است و ادای آن توسط پدران و مادران وظیفه است، اما دولت و اجتماع نیز در این امر مسئولیت دارند. به عنوان مثال، اگر والدین از انجام تکالیف خود سر باز زندن، بر حاکم حکومت اسلامی است که فرزند را از والدین بازستاند و مسؤول دیگری را برای تربیت او معین نماید.

در گذشته آمد که اسلام نقش والدین را در تربیت فرزندان، بسیار موثر می داند، تا آنجا که بهترین چیزی را که والدین برای فرزندانشان به ارث می گذارند تربیت نیکو می داند. مهمترین توصیه های اسلام به پدارن و مادران نسبت به چگونگی ایفای نقش خویش در قبال فرزندان این است که اولاً، خود پدر و مادر در مقابل عمل، همواره نیکوکار باشند و از زشتیهای انجرافات بپرهیزنند.

خداآندها متعال در قران کریم می فرماید: «ای کسانیکه ایمان آورده اید، خودتان و خانواده تان نیکوکار باشید، و یا حضرت صادق (ع) فرمودند که رسول مکرم اسلام(ص) فرمودند: «نیکوکار باشید و خانواده خویش را راجع به نیکوکار بودن، تذکر بدھید و...» ثانیاً فرزندان خویش را گرامی بدارند و آنها را نیک--- و تربیت کنند. ثالثاً در تربیت فرزندانشان از اصول تربیتی و اسلوب---های صحیح آن استفاده کنید. تا دچار مشکل نشوید. (علیزاده، ۱۲۳، ۸۲).

کارکردهای خانواده :

خانواده کارکردهای عمومی در سطح جهان دارد. روابط جنسی ، تولید مثل ، پرورش فرزند ، اجتماعی شدن ، تولید ، توزیع کالا و خدمات ، تعیین هویت فردی ، دوستی ، عشق و محبت از عمدہ ترین کارکردها و نقشهای خانواده است در هر یک از جوامع افزون بر قبول کلیت کارکردها ، یک یا چند نقش اهمیت بیشتری داده شده است.

مثلاً در جامعه کشاورزی تولید نسل و مشارکت اقتصادی ، مورد توجه اساسی بوده است در حالیکه در جامعه جدید خانواده کمتر نقش های پیشین خود را حفظ نموده است. ( آزادار ملکی ، بهار ۷۷ ، ۱۸۹ )  
ویژگیهای انحراف:

۱- نسبی بودن انحراف نسبت به جامعه  
خیلی در کشورهای آسیایی و افریقایی وجود دارند ، ولی در بعضی از  
کشورهای این عمل را مورد تعقیب قرار می دهند و مبارزه با آن را وسیله ای  
برای جلوگیری از ارتکاب جرائم دیگر می دانند. یکی از بزرگ های متدائل در  
قاهره جمع کردن ته سیگار از خیابانهاست. خطایی که در اکثر جوامع اصلاً جرم  
محسوب نمی شود ، در بعضی از نقاط هند ، ولگردی دومین بزرگ متدائل در بین  
جوانان این مناطق است. انحراف جنسی در برخی جوامع جرم و در برخی دیگر  
جرائم محسوب نمی شود مانند این که ارتباط جنسی میان دو فرد قبل از ازدواج  
در برخی جوامع غربی مجاز می باشد ؛ در حالیکه در جامعه ما مذموم بوده و  
جرائم منکراتی که قابل پیگرد و مجازات است.

( امین صارمی ، ۶۲ )

۲- نسبی بودن انحراف از نظر مکان:

انجام برخی اعمال و رفتارها در برخی مکان‌ها مجاز و پسندیده است، در حالیکه اگر همان عمل و رفتار در مکان دیگری انجام شود، انحراف محسوب می‌گردد پوشیدن پیراهن آستین کوتاه در منزل برای بانوان اشکالی ندارد، ولی در ملاء عام مورد نکوهش واقع شده است.

( امین صارمی، ۶۳ )

۳- نسبی بودن کجروی از نظر زمانی :

برخی اعمال در حال حاضر انحراف محسوب می‌شوند، در حالیکه قبل‌اً اینگونه نبوده است. در جامعه ما در قبیل از انقلاب نوشیدن مشروب و بی‌حجابی کجروی به حساب نمی‌آمد، ولی اکنون با آن مبارزه می‌شود.

همجنس گرایی در قوانین تمام کشورها جرم محسوب می‌شود ولی در سال ۱۹۶۶ پارلمان انگلیس تصویب کرد در صورتی که همجنس گرایی به عنف نبوده و رضایت قانونی موجود باشد مجازاتی ندارد.

( امین صارمی، ۶۳ )

۴- نسبی بودن انحراف از نظر پیامدها و نتایج :

محسوب شدن یک عمل به عنوان انحراف، به نتایج و پیامدهای آن و به آگاهی دیگران از آن عمل نتایجش بستگی دارد. به عنوان مثال رابطه سالم دختر و پسر اشکالی ندارد، ولی وقتی به انحراف و فساد کشیده می‌شود جرم محسوب می‌گردد. ( امین صارمی، ۶۳ )

۵- نسبی بودن انحراف از نظر فرد :

به طور کلی تعریف انحراف و منحرف بستگی به این دارد که چه کسی یک عمل را انجام داده است و چه کسانی در جامعه توان و قدرت پرچسب زدن و تعیین هنجرهای قابلی را دارند. شاید در منزل بسیاری از افراد متمول و ذی نفوذ

اعمال خلاف اخلاق صورت پذیرد و امر مجاز محسوب شود.

( امین صارمی، ۶۳ )

برون گرایی و جرم:

آیسنک همچنین مدعی است که بین ویژگیهای شخصیتی چون «برون گرایی» و رفتار انحرافی رابطه وجود دارد. به عقیده او، علت جرم آمیزه ای است از ویژگیهای ذاتی شخص و جامعه پذیری او در دوران کودکی، آیسنک با این پیش فرض آغاز می کند که دو دسته از انواع شخصیت - برون گرا و درونگرا وجود دارد فرد برونگرا ماجراجو و مغرور است و سریعاً واکنش نشان می دهد، تمایل به پرخاشگری دارد، زود از کوره به در می رود، احساسات وی در گنتر لش نیست. او بدون تأمل و اندیشه عمل می کند. اما فرد درون گرا ارام و خویشتن دار است.

او احساسات خود را به شدت مهار می کند به ندرت رفتاری پرخاشگرانه دارد و به آسانی از کوره در نمی رود. به نظر آیسنک احتمال اینکه افراد برونگرا مرتکب جرم و جنایتی شوند بیشتر است مگر آنکه والدین آنها مهار احساسات را به ایشان آموخته و آگاهی احتمالی نیرومندی را به تدریج در وجود آنان القا کرده باشند.

به نظر آیسنک همه مردم در جایی میان این دو درونگرا و برونگرا - قرار دارند، اما نمونه رفتاری که امکان جنایت و کثرفتاری را افزایش می دهد از نوع برونگراست.

( ستوده ، ۸۴ ، ۹۶ )

## انواع انحرافات:

جامعه شناسان برای انحراف تقسیماتی کلی ذکر کده اند که که مهمترین آنها عبارتند از: انحراف اولیه و ثانویه، انحراف آگاهانه و غیر آگاهانه.

انحراف مثبت و منفی، انحراف فردی و گروهی. در ذیل درباره هر یک از این اقسام جداگانه توضیح داده می شود.

### ۱- انحراف اولیه و ثانویه:

انحراف اولیه یا نخستین در مواردی بکار می رود که افراد دچار انحرافهای گذرا و تصادفی شده اند، در حالیکه زندگی آنها تحت تسلط الگوی انحرافی قرار نگرفته باشد. این نوع انحراف موقتی است و همیشه تکرار نمی شود. به زعم دوب (Doob)، فرد کجرو هنوز برچسب نخورده و خود را منحرف نمی داند. بسیاری از انواع منکرات شایع در جامعه ما جزو این مقوله است.

اما انحرافات ثانویه در مواردی تحقق می یابد که فرد عنوان منحرف، کجرو و یا مجرم را پذیرفته و یک تلقی جدید از خود نشان می دهد.

در این نوع انحراف، فرد غالباً به رفتار انحراف آمیز دست می زند و همه او را منحرف می شناسند. مثلاً یک قاچاقچی با اینکه ممکن است چندبار به زندان رفته باشد ولی باز از کار خود دست بر نمی دارد. معتادان و دزدان حرفه ای و

آدمکشان از مصادیق بارز این نوع انحراف هستند. (امین صارمی، ۶۳)

### ۲- انحراف آگاهانه و غیر آگاهانه:

انحراف آگاهانه در مواردی رخ می دهد که فرد با آگاهی از ارزشها و هنجارهای موجود، به اعمالی دست می زند که با ارزشها و هنجارهای جامعه منافات دارد.

اما انحراف نا آگاهانه مربوط به مواردی می شود که فرد از روی نا آگاهی نسبت

به ارزش و هنجارهای جامعه دست به اعمالی نابهنجار و انحرافی بزند. خانواده، گروه دوستان و وسائل ارتباط جمیعی، باید سعی کنند از طریق آموخته، افراد را اجتماعی سازند. کودک و نوجوان باید در سن معینی، قواعد و مقررات اجتماعی را فرا گرفته و بدان عمل کنند. انحراف کودکان و کسانیکه دچار ناپسامانی عقلانی هستند در زمرة انحراف ناگاهانه به شمار می‌رود. (امین صارمی، ۶۳)

### - انحرافات مثبت و منفی :

انحراف مثبت زمانی رخ می‌دهد که فرد با آگاهی نسبت به ارزش و هنجارهای جامعه خویش از آنها تخطی می‌کند و ارزشها و هنجارهای جدیدی که برتر از ارزش و هنجارهای قبلی است مطرح می‌کند. اما انحراف منفی در مواردی است که فرد با سرپیچی از ارزشها و هنجارهای موجود جامعه خویش هنجارها و ارزشها پیشتر تری مطرح می‌سازند. (امین صارمی، ۶۳)

### - انحرافات فردی و گروهی :

انحراف فردی در مورد فردی به کار برده می‌شود که به تنها یی هنجارها و ارزشها یی جامعه را زیر پا بگذارد. اما انحراف گروهی زمانی است که تعدادی از مردم به صورت دسته جمیعی، هنجارهای جامعه را نادیده بگیرند و بر طبق ان عمل نکنند مانند گروههای بزهکار یا شبکه های جاسوسی که به صورت گروهی و با مشارکت یکدیگر مرتکب اعمال خلاف و زشت می‌گردند. کجروی باندهایی نظیر فحشا، دزدان، هیپی ها و... جزو این انحراف محسوب می‌شود. (امین صارمی، ۶۳)

باربارا ووthon (Barbara woothon) (۱۹۵۳) می گوید: بسیاری از بزهکاران در طول سالهای تحصیل از مدرسه غیبیت غیر موجه می کردند و همچنین این احتمال وجود دارد که بخش فوق العاده بزرگی از آنها به خانواده هایی از هم پاشیده مختلف تعلق داشته باشند. ولی پیشرفت تحصیلی آنان احتمالاً کمتر بوده است؛ با این حال بسیاری از کجروان در مدرسه خوشنام نبودند. البته ممکن است این بدنامی از پیشداوری معلمان که مربوط به اطلاع آنان از بزهکاری این افراد بوده ناشی شده باشد. از این رو عوامل موثر در بزهکاری به جای آنکه ساده باشند، پیچیده اند و اگر علت قانون شکنی فقط ارثی یا محیطی نباشد ترکیبی از عوامل یا علل زمینه سازی است که موقعیت مناسب و فرصت مقتضی را برای کجروی یا بزهکاری فراهم می کند. (ستوده، ۸۴، ۵۷)

#### خانواده و تربیت :

آغاز مشکلات در هر فرهنگی از خانواده شروع می شود منظور از خانواده کانون کوچکی است که از زن و مرد تشکیل می شود. و با حضور فرزندان بزرگتر و کامل تر می گردد. در واقع آگاهانه یا نا آگاهانه بزرگترین مسؤولیت دنیا را عهده دار می شوند. بنابراین والدین مدرسه محیط خانواده است و بچه های اولین درسهای زندگی را باید در آن به کمک والدین خود و عشق انها بیاموزند. اصولاً در سه سال اولیه زندگی از نظر نیازهای عاطفی مهمترین سالهای عمر اوست و طفل از طریق ریشه عاطفی ای که تاثیر خانواده در او از هر عامل دیگر بیشتر است رابطه پدر و مادر با یکدیگر و رابطه آنها با کودک امر فوق العاده ای دقیق و حساس است و اگر در آن دقت نشود، نه تنها به شخصیت اخلاقی کودک لطمه

می زند بلکه ممکن است موجب اختلافهای روحی و انحرافات مختلف در او نیز بشود. (مهدیخان، ۸۲، ۱۱)

جوانانی که در خانواده های نامناسب واز هم گسسته زندگی می کنند در زمان یافتن هویت تازه خویش آرمانها و خواسته های خود را از دست می دهند و می انگارند که رابطه ای آنها با دنیا پیرامونشان کاملاً قطع شده است. همین افراد بیش از سایرین به مواد مخدر و مشروبات الکلی پناه می برند و چون پس از احساس خلاء و پوچی و دلهره، احساس لذت و شادی و کیف می کنند، در مصرف آنها تا حد اعتیاد و گاهی وقتها در حد مرگ پیش می روند. (مهدیخان، ۸۲، ۱۰۵)

#### لقمه حلال :

نگاهی به آموزش‌های اسلامی نشان می دهد که از دیدگاه این دین آسمانی تربیت انسان حیطه ای بسیار وسیع تر از آنچه در ظاهر به نظر می رسد دارد. عواملی که در علوم تربیتی، روانشناسی و تعلیم و تربیت مورد بحث و بررسی قرار می گیرد از محدوده عوامل ظاهری تجاوز نمی کند. عواملی که به کمک تجربه و ازمایش می توان آنها را شناسایی کرد اما از دیدگاه مکتب و حسن، عوامل موثر در ساخت شخصیت و سرنوشت روحی و معنوی انسان بسی فراتر از این گونه عوامل است.

برحسب اینکه از راه حلال یا حرام غذایی بدست آمده باشد آثاری متفاوت در روح و شخصیت ما بر جای می گذارد. این نوع آثار در حیطه تجربه عملی نمی گنجد به همین علت انسان آزاد و غفلت می کند. اما از نظر مکتب دین، امری

مسلم و تردیدناپذیر است. روایاتی که درباره آثار سوء «لقمه»ی حرام «وارد شده است. ناظر بر همین نکته است.

از این رو، پدر باید تلاش کند که روزی پاک و حلال برای خانواده خود فراهم کند و بداند که نوع درآمد (مشروع و نام مشروع) در روحیات و سرنوشت خود و خانواده اش موثر است.

پرداخت حقوق واجب اسلامی از قبیل خمس و زکات و سایر انفاقهای واجب و مراعات حقوق دیگران در معاملات و خرید و فروش و... از جمله این مراعات‌هاست. متاسفانه یاید اذعان کرد که گسترش روحیه‌ی مادی در سایه نفوذ فرهنگ غربی، توجه به ارزش‌های معنوی و اخلاقی را در برخی افراد چنان ضعیف کرده است که جز به مادیات به چیزی نمی‌اندیشند.

مسئله مهم برای آنها بدست آوردن درآمد بیشتر است هر چند این درآمد از راه نام مشروع بدست آید. روشن است که آثار سوء چنین روحیه‌ای تا کجا در فکر و روان فرزندان گستردگ است. (سدات، ۷۲، ۶۶)

### نقش اضطرابهای روحی در بزهکاری نوجوانان:

بررسیها نشان می‌دهد که یکی از عوامل موثر در بزهکاری نوجوانان از جمله انحرافات جنسی وجود اضطراب و نارامی روحی است. خانواده‌هایی که به علت پاره‌ای نابسامانیها از قبیل اختلاف و ناسازگاری میان پدر و مادر، از هم پاشیدگی خانواده، بدرفتاری والدین با فرزندان به اضطراب روحی در فرزندان دامن می‌زنند، آنان را بیشتر در معرض اینگونه انحرافات قرار می‌دهند.

تحقیقی که روی ۲۶۵۲ نفر از جوانان بزهکار انجام گرفته است نشان می دهد که در خانواده هایی که سازش پدر و مادر کمتر است، درصد انحرافات و بزهکاری بیشتر است.

عادت به خود ارضایی در پسران و پناه بردن دختران به دوستی با پسران گاه معمول همین علت و با هدف تسکین موقت اضطراب ناشی از نوجوانی است و به دلیل شرایط نامساعد خانوادگی چهار اضطراب روحی است، با پناه بردن به اینگونه دوستیها که اغلب خطرناک و تباہ کننده اند به دنبال پر کردن خلاء روحی خود و فرونشاندن نازارمیهای درونی خویش است و چه بسا در این راه چنان زیاده روی می کند که خود را به کلی تباہ سازد.

از این رو، داشتن پیوندهای محکم عاطفی و برقراری انس و الفت با فرزندان و جلوگیری از پیدایش کمبودهای عاطفی (کمبود محبت) از عوامل بسیار اساسی در جلوگیری از انحرافات اخلاقی و از جمله انحرافات جنسی است. احساس تنها یی و بی پناهی یا سوء نومیدی، احساس حقارت، از دست دادن کرامت نفس (خود را موجودی بی ارزش دانستن) از عوامل زمینه ساز انحرافات جنسی در نوجوانان هستند که پدران و مادران باید با رفتارهای مناسب خود از شکل گیری چنین احساسهایی در فرزندان خود جلوگیری کنند. (سادات ، ۷۲ ،

## آثار نامطلوب خشونت در تربیت:

یکی از شایعترین عواملی که اثرات تربیتی سویی دو فرزندان بر جای می گذارد استفاده بیجا از خشونت و شدت عمل است؛ چه بسا افرادی که قربانی خشونت والدین و بویژه پدر شده و از تربیت سالم محروم گشته اند. این گونه افراد به عملت برخودهای خشن و مستبدانه گرفتار عقده‌ی حقارتند که این نوع کبر و غرور به واقع عکس العمل روانی آنها در برابر احساس حقارت است. علاوه بر آن رفتار خشونت آمیز پدر یا مادر فضای خانه را از صمیمیت و همدلی عاری می سازد و بذر کینه و دشمنی را در ضمیر فرزندان می پاشد. اینگونه خشونتها بویژه در دوران نوجوانی موجب پیدایش بدبینی نسبت به زندگی و احساس پوچی و بدبوختی در نوجوانان می شود. گویی آنها از زندگی خود سیر و ادامه آن ناخشنودند زیرا جاذبه‌ای که بتوانند آنها را جذب کند در زندگی آنها وجود ندارد. پیدایش چنین ورحیه‌ای در نوجوانان زمینه را برای انواع انحرافها فراهم می سازد و آنها را به سرعت به سوی عواملی که بتوانند اضطراب و ناآرامی آنها را هر چند به طور موقت، فرونشانند، سوق می دهد. اعتیاد، در ستیهای خطرناک و انحرافهای جنسی از آن جمله اند. (سادات، ۷۲،

از تبعیض بپرهیز بهم

یکی از اصول تربیت، داشتن رفتار عادلانه و به دور از هرگونه تبعیض در میان فرزندان است. نداشتن عکس العمل یکسان در برابر رفتارهای یکسان فرزندان موجب بی اعتمادی و کاهش علاقه نسبت به پدر و مادر وایجاد کینه نسبت به خواهر یا برادری است که بیش از دیگری مورد توجه قرار گرفته یا می گیرد. ما باید سعی کنیم نه تنها از نظر تشویق و تنبیه بلکه حتی از نظر میزان توجه نیز به طور عادلانه با فرزندان خود رفتار کنیم. فرزندان نسبت به این مسئله بسیار حساس و دقیق هستند و تحمل آن برای آنها بسیار دشوار است.

گاهی پاره ای از مشکلات رفتاری در کودکان و نوجوانان ناشی از آن است که احساس می کنند پدر یا مادرشان نسبت به آنها علاقه و توجه کمتری نشان می دهند و چون نبی توانند اعتراض خود را آشکارا بیان کنند آن را به صورت عقده ای در دل خود نگه می دارند.

پس از چندی این گره های عاطفی به شکلهای گوناگون از قبیل خودکشی، ستیزه خویی، اضطراب و... بروز پیدا می کند و گاهی اینگونه اشخاص به افسردگی روحی مبتلا می شوند و برخی از نوجوانان علت احترافات اخلاقی خود را اضطراب ناشی از همین مساله ذکر کرده اند.

در بعضی از خانواده ها والدین میان فرزندان دختر و پسر تبعیض قائل می شوند و حتی گاهی این مسئله را آشکارا به زبان می آورند و از این که مثلاً صاحب فرزند دختر شده اند اظهار ناخشنودی می کنند و بعضی دیگر جانب دختر گرفته و در صورت بروز اختلاف همواره پسر را سرزنش می کنند. این گونه برخوردها از نظر تربیتی اثرات ویرانگری دارد در روایتهای اسلامی آمده

است که وقتی پیامبر اکرم (ص) با یاران خود می نشست نگاه خود را به طور مساوی میان آنها تقسیم می کرد.

یعنی حتی در نگاه کردم نیز مساوات را مراعات می فرمود. در صورتی که می دانیم همه یاران او از لحاظ معنوی در یک سطح نبودند و علاقه پیامبر به همه ای آنها به یک اندازه نبوده با وجود این پیامبر وقتی در جمع آنها قرار می گرفت همه را با یک چشم و یکسان می دید تا موجب سرخوردگی و یاس و کینه و حسادت یکی علیه دیگری نشود.

(سدات ، ۷۲ ، ۵۸)

پدیده جرم یکی از معضلات بشری است و در هر جامعه ای درصدی از افراد بواسطه ارتکاب جرم نظم اجتماعی و امنیت اجتماعی را برهم می زنند. برخوردهای اولیه با بزهکاران و مجرمان بر مبنای نگاه خردگرایانه به آدمی است. یعنی انسان موجود با عقل و خردی تلقی می شود که رفتار مجرمانه را براساس عقل و منطق انتخاب کرده است بنابراین مسئولیت کامل عمل خردی تلقی می شود که رفتار مجرمانه را براساس عقل و منطق انتخاب کرده است. بنابراین مسئولیت کامل عمل به عهده فرد است.

لذا مجازاتهای ابتدایی واکنشی بود متکی بر روح انتقام جویی و هدف از آن برقراری نظم مختل شده بوده است. جمله مشهور به نام که می گوید: « بگذار مجازات جلوی جرم را بگیرد » نگرش به پدیده جرم و مجرم را کاملاً در آن دوره مشخص می کند.

مجازات ها با توسعه دانش بشری به ویژه در زمینه جرم شناسی تحول یافته است به طوری که امروزه ثابت شده است که « نظریه انتقام » انتقام مبنای مجازات برای جلوگیری از اعمال مجرمانه کفایت نمی کند. گرچه مجازات بزهکار

و مجرم لازمه حفظ نظم اجتماعی و امنیت جامعه است. اما اگر در اجرای مجازات، اقدام های موثری در زمینه اصلاح و تربیت و درمان مجرمان و آماده سازی مجرمان برای بازگشت به جامعه و بازپذیری اجتماعی فراهم نشود، مجازات اثر معکوس خواهد داشت و در پیشگیری از وقوع جرم یا تکرار جرم موثر نخواهد بود زیرا جرم پدیده ای پیچیده و معلول عامل های متعددی است که در ایجاد آن نقش دارند و فقط با اعمال مجازات امکان پیشگیری فراهم نمی شود.

در حال حاضر یکی از مشکلات جدی جامعه ایران نیز ورود سالانه هزاران نفر به واسطه ارتکاب انواع جرائم، به زندان است آمار زندانیان در سال های اخیر با اظهار تاسف رو به تزايد بوده است. گسترش زندان ها و افزایش آمار زندانیان انتقادهای متعددی در پی داشته است از جمله، هزینه های سنگینی که این مراکز بر دوش اجتماع دارند و این که آیا زندانی کردن افراد در رسیدن به هدف های پیشگیری، اصلاح و درمان و بازپذیری اجتماعی مجرم توفیق داشته است یا نه؟ یک سوال اساسی است.

بنابراین در پایان قرن بیستم در اندیشه های جزایی تدابیری برای جایگزینی زندان در نظر گرفته شده است. دسته اول مربوط به چگونگی اجرای مجازات زندان است. مانند نیمه آزادی، زندان باز، زندان در خانه، که هدف آنها اجتناب از ارجای تمام یا قسمتی از حکم زندان است مانند تعليق و آزادی مشروط. دست دوم تدابیری هستند که از مجازات حبس جدا هستند و به عنوان کیفر اصلی جایگزین زندان می شوند. مانند حزای نقدی، اشتغال به کار عام المنفعه، مجازات های سالب.

در دستگاه قضایی ایران نیز، زندان به عنوان مرکز اصلاح و تربیت تلقی می شود. به طوری که در ماده ۳ آیین نامه های اجرایی سازمان زندان ها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور، زندان چنین تعریف شده است: « زندان محلی است که در آن محکومان قطعی با معرفی مقامات ذیصلاح قضایی و قانونی برای مدت معین یا به طور دائم به منظور اصلاح تربیت و تحمل کیفر نگهداری می شوند ».«

هر انسان مسؤول اعمال و کرداز خویش است. اما در میان خانواده هر فرد شامل همسر، فرزندان، کسانی هستند که در بسیاری مواقع باید متحمل آثار اشتباه عضوی از خانواده شوند. به عبارت دیگر یک دسته از عوارض زندانی شدن فرد متوجه همسر او می شود و دسته دیگر متوجه فرزندان شخص می شود که این دو دسته عوارض و وجود مشترک متفاوتی دارند. البته تعامل این دو دسته مشکل و خودمشکلات دیگری برای خانواده به بار می آورد.

**خانواده در اصطلاح جرم شناسان**

خانواده نخستین محیط اجتناب ناپذیر یا حتمی است که اراده کودک در انتخاب آن تاثیر نداشته است هیچ کودکی خانواده خود را بر نگزیده است زیرا انتخاب فرع بر وجود اراده است و در مورد کورک این امر به انتفاع موضوع است و خانواده محیطی است که طفل به ناجا در آنجا چشم به دنیا گشوده و در آنجا رشد خود را آغاز کرده است. خانواده با کودک از هنگام ولادت تا سالیانی چند در تماس تقریباً انحصاری است.

لوح ضمیر کودک چون آئینه شفاف است که هرگز نقش نیک و بد در خور می پذیرد می توان اورا راست یا کج، شجاع یا ترسو، صریح اللهجه یا مجامله کار، پرهیزکار یا تبهکار، مرد زندگی یا انگل اجتماعی بار آورد. خانواده در طی

سالهای نخستین کودک براثر تماس تزدیک و دائمی با او نقش بسیار قابل ملاحظه در سازندگی شخصیت و سلوک وی دارد و در حقیقت عامل تعیین کننده سرنوشت است.

وقتی پدر و مادر را که برای طفل الگو است مناسب نباشد، به ناچار در بسیاری از موارد رفتار بچه نیز ناهنجار خواهد شد. مطلب دیگری که توجه آن در خانواده در بازسازی روحیه نوجوان موثر است. مشاوره و بحث آزاد در خانواده است. مثلاً گرفتاری برای پسر و دختر پیش آید و او را یاغی سازد عصیان می کند. این عصیان نتیجه بعض است و کسانی که کینه دیگران را در دل گرفته اند، همینکه قدرت به دستشان آمد، بالطبع معامله به مثل می کنند و جنایات و ظلمهایی را که باعث طغیان خود ایشان شده است نسبت به دیگران مرتکب می شوند.

#### ارتباط با نوجوان :

سعی نکنید با هر کاری که او می خواهد انجام دهد مخالفت کرده و عصبانی و هیجان زده شوید. این نوع عکس العمل هر مساله کوچکی را به مشکلی بزرگ تبدیل خواهد نمود. اگر به شما توصیه می کنم که در مقابل او فوراً عصبانی یا هیجان زده نشوید یا با او به مخالفت بپردازید. مقصودم این نیست که به او هرگز « نه » نگویید بلکه سعی کنید با صبر و آرامش بیتشری با مسائل برخورد کنید و فوراً از کاهی، کوهی نسازید.

در مورد انضباط باید یادآور شوم که نوجوانی قبل از هر چیز سنی است که پدر و مادر می بایستی میان مسائل مهم که دخالت آنها را ایجاد می کند مسائل

کم اهمیت تر، فرق قائل شوند. ارتباط با نوجوان به خودی خود مشکلاتی دارد و نباید با دخالت در تمام امور آن را مشکل تر نمود.

سلاح سنگین خود را برای موقعیتهای مهم و پر اهمیت نگهدارید و باصطلاح برای نشستن مگس از هفت تیر استفاده نکند. سعی کنید به رفتار تحریک آمیز نوجوان خود توجه خاصی نشان ندهید. این رفتار نامطبوع به طور ناخودآگاه برنامه ریزی شده تا شمار ار عصبانی کند و معمولاً نیز با موفقیت همراه می باشد به عوض اینکه فوری عصبانی شده و رفتار جدید و ناشناخته او را محکوم کنید با عکس العمل بی تفاوتی و خودداری از جواب ندادن با او پرخورد نمایید. سعی کنید ببینید دلیل انتخاب دوستان نامتناسب عدم موفقیت در مدرسه، رفتارهای احمقانه، سیگار کشیدن و عدم توجه به تمام محدودیتهای منطقی که برای او تعیین کرده اید، چه بوده و کدام عاملی باعث آن شده است.

احساس تازه مستقل شدن او را محترم به شمارید این آزمایش خوبی برای والدین است مدت ده سال شما عادت کرده اید تا با او مانند کودکان رفتار کرده و سخن بگویید. شما او را مانند کودکان تشویق و تنبیه کرده اید. حال چون او به مرحله تازه ای از رشد و نموش رسیده است شما نیز به عنوان پدر و مادر بایستی رفتار جدیدی را در مقابل او اختیار کنید.

شما بایستی رابطه با او را ارتقاء داده و در سطحی تقریباً برابر با او قرار گیرید، این ارتقاء و تصاعد در تمام دوران بلوغ ادامه خواهد یافت. تازمانی که او یک جوان بالغ شود که در آن صورت رابطه شما با او، رابطه ای همانند دو فرد بالغ است که یکی مسن تر از دیگری است.<sup>۱</sup>(دوسولو، ۱۲۴)

<sup>۱</sup>- والدین فرزندان (کودکی ، نوجوانی، جوانی) دکتر دود سو / ترجمه عبدالرضا صرافان / انتشارات دستان

اولین قدم برای حذر داشتن از پناه آوردن به مواد مخدر این است که او را از نظر روانی متعادل تر تربیت کنیم. اگر شما فرزند تفالو را مطابق با اصول روانشناسی سالم و قوی خواهد داشت و این باعث می شود تا ابو بتواند خود و دیگران را دوست داشته باشد. در چنین موقعی مساله استفاده از مواد مخدر و یا اعتیاد اصلاً مطرح نخواهد شد. بنابراین شما می توانید با اعمال خاصی در دوران کودکی و نوجوانی فرزندتان را در مقابل اعتیاد واکسینه کنید.

این شیوه ها عبارتند از :

- ۱- روابط گرم و دوستانه با فرزندتان که بهترین تضمین برعلیه مشکل اعتیاد است. اگر پیوستگی شما و او کاملاً محکم، ژرف و پر از صداقت و دوست داشتن باشد، شناس زیادی وجود دارد تا دوران بلوغش کاملاً بهنجار بگذرد. اعتیاد علامت یک طغيان نابهنجار است. سعی کنید با گذراندن زمان بيشتری در کنار فرزندتان و در نظر گرفتن او چون افراد بالغ، ارزش دارد به افکار و سخنانش از توجه اش به مواد مخدر جلوگیری کنید.
- ۲- سعی کنید در سالهای قبل از نوجوانی گفتگوی های صادقانه با او داشته باشید اجازه بدھید او احساساتش را بیان کند به او نشان دهید که او درک می کنید. بعضی از جوانان برای رهایی از احساساتش را بیان کند و به او نشان دهید که او را درک می کنید. بعضی از جوانان برای رهایی از احساسات پرخاشگرانه درون خود که زمان درازی سرکوفت زده شده است به مواد مخدر پناه می برند. بر عکس اگر فرزند تا او آموخته باشد که چگونه احساسات خود را آزادنی بیان کند، مطمئناً نیازی به مصرف مواد مخدر نخواهد داشت.
- ۳- شما می توانید با در اختیار قرار دادن اطلاعات کافی و دقیق در مورد عواقب شوم اعتیار در سنین قبل از نوجوانی او را کمک کنید. باید سوال می

فرمایید به چه طریقی؟ به این ترتیب که مثلاً وقتی با اودر خانه میاور ماشین تنها هستید برایش صحبت کنید و بگوئید در فلان نصیحت کرده و دستور داده خودداری کنید. می توانید برایش کتاب یا مطالبی که در این مورد نوشته شده تهیه کرده و در اختیارش قرار دهید و یا خودتان مطالب را برایش بخوانید. اگر قبیل از دوران نوجوانی که این طریق عمل کنید، او در دوران نوجوانی کاملاً در این موارد با اطلاع خواهد بود. او بر این امر واقف شد که مواد مخدر بسیار خطرناک و کشنده است. چنانچه مدیر یا آموزگار نیز در این باره برای بچه ها صحبت کنند مساله برای او قابل فهم تر خواهد شد.

۴- یکی دیگر از مسائلی که در این ارتباط برای نوجوان مطرح می شود، استفاده همیشگی بزرگسالان و پدر و مادرش از قرص های آرام بخش وی خواب آور است او مایل است در این باره با پدرش و مادرش صحبت کند. او متوجه می شود که استفاده از این قرص ها نیز حالات اعتیاد آور داشته و بزرگسالان و متسفانه آنها را به راحتی مصرف می کنند.

او می بیند که بزرگسالان برای کوچکترین ناراحتی فوراً به یک قرص آرام بخش و یا الکل و سیگار پناه می برنند. بنابراین مایل است که این مساله را نه فقط به صورت مشکل جوانان بلکه در حالتی کلی تر، در مورد بالغین و بزرگسالان مورد بررسی همه جانبیه قرار دهد.

والدین بایستی برای نوجوان امکان فعالیتهای سازنده و ارزشمند را فراهم آورند. یکی دیگر از کارهای مشبتهای که نوجوانان می توانند با آن سرگرم شوند فعالیتهای ورزشی است برای بسیاری از نوجوانان فعالیتهای ورزشی آنچنان نقش بزرگی دارد که هرگز امکان فکر کردن به مواد مخدر را برایشان فراهم

نمی کند. باز هم تکرار می کنیم که نوع فعالیتهای شما برای او سرمشق قاطعی است.

پنج نکته اساسی از رفتاری را که نباید والدین انجام دهند.

۱- سعی نکنید مانند پلیس مخفی دائماً مواطن اعمال و رفتار او باشید.

بسیاری از پدر و مادرها از ترس اینکه فرزندانشان به سوی مواد مخدر کشیده نشووند هر کاری را انجام می دهند به مکالمات تلفنی او گوش می دهند و دائماً در حال جستجو در اتاق و اسباب و اثاثیه شخصی او جهت پیدا کرده و سند و مدرکی هستند. در حالیکه نوجوان نیاز شدیدی دارد تا به او احترام گذارد، و بی اجازه به وسائل شخصی او دست نزنند

۲- او را پی در پی نصیحت نکرده و برایش کلاس درس اخلاق ترتیب ندهید.

۳- از سرزنش کردن فرزندتان جهت روابطی که با دوستانش دارد خودداری کنید. گاهی اوقات والدین بدون داشتن اطمینان کامل، حدس می زنند که مثلاً فلان دوست فرزندشان مواد مخدر استفاده می کند بنابراین ارتباط با آن دوست را برای نوجوانشان ممنوع می کنند. این کار اشتباہی است و نزد نوجوانان این گونه تعبیر می شود که پدر و مادرش به او اعتماد کافی ندارند.

۴- تا زمانی که کاملاً نسبت به انجام کار خلافی از طرف او، مطمئن نشده اید او را مورد اتهام قرار ندهید. هیچ چیز برای نوجوان دردناک تراز این نیست که ناحق مورد اتهام قرار گیرد. چنین مواقعي او به این نتیجه می رسد که در اکنون که پدر و مادرم فکر می کنند من از مواد مخدر استفاده می کنم. پس چه بهتر که از اکو استفاده کنم!»

سعی کنید بر تشویش ها و دلهره هایتان تسلط پیدا کرده و بی جهت برای آرامش ، فرزندتان را متهم نکنید.

۵- بسیاری از مجلات و کتابها فهرست علائمی را منتشر می کنند که جهت شناخت افراد معتقد از آن استفاده می کنند معمولاً چشمها یش قرمز شده کم اشتها، و برعکس یا بیش از اندازه پر اشتها می شود بیش از حد معمول شیرینی جات می خورد. او دائماً در حالتی مشوش و پرده لهره به سر می برد به سر و وضع و لباسهای خود اهمیت نمی دهد... من این روشها را تایید نمی کنم. والدین به تنها یی قادر نیستند با حدس و گمان متوجه شوند آیا نوجوانشان از مواد مخدر استفاده می کند یا نه؟ برای این کار کمک افرادی که با نوجوانان سروکار دارند لازم می باشد (دو سون، ۱۷۲).

کاهش جرم در جامعه مستلزم تقویت اصل امر به معروف است.

گروه اجتماعی : به گفته معاون اول قوه قضائیه یکی از راهکارهای مهم در کاهش جرایم در جامعه ترویج و تقویت اصل امر به معروف و نهی از منکر است چرا که نظارت همگانی کاهش فساد در جامعه می انجامد.

به گزارش خبرگزاری قرانی ایران (ایکنا) حجت الاسلام والمسلمین « سید ابراهیم رئیسی » معاون اول قوه قضائیه در مراسم هم اندیشه را لازمه تحقق اصل پیشگیری دانست و گفت : پیشگیری مقدم بر درمان است و ذر تمام حوزه های فردی، اجتماعی جسمی و غیره امری اجتناب ناپذیر است. وی با اشاره به این موضوع که نظریه پردازان درباره پیشگیری بسیار سخن گفته اند گفت: همواره این موضوع که عمل وقوع جرم چیست؟ و تعریف آن در جرم شناسی

چیست؟ مطالب بسیار مهمی مطرح شده است و این موضوع نیازمند بحث و بررسی است.

وی مبارزه با جهل را یکی از راهکارهای پیشگیری از وقوع جرم عنوان کرد و گفت: جوامعی که در آن از عقلانیت و منطق خبری نیست به طرف جرم بیشتر گوایش پیدا می کنند همچنین در مباحث پیشگیری از جرم در همه نگاه ها حتی سکولارترین نگاه بیشتر به مسائل فرهنگی و اعتقادی آن توجه شده است. وی فقر را یکی از علل مهم وقوع جرم در جامعه دانست و با اشاره به لایحه پیشگیری از جرم که در قوه قضائیه در حال بررسی است افزود: در قابل این لایحه پیش بینی شده است که شورای عالی سیاست گذاری پیشگیری از وقوع جرم تشکیل شود تا با راه اندازی اتاق فکر و تبیین سیاست های مربوطه به راهکارهای مناسبی برای پیشگیری از جرم در کشور تدوین شود.

وی در ادامه اظهار کرد: در قران و قانون اساسی ما به موضوع امر به معروف و نهی از منکر توجه شده است هر چند برخی از افراد این کار را نوعی موعظه می دانند در حالی که در روایات شخص امر کنند به معروف خلیفه الله نامیده شده است.

رئیسی نقش خانواده را در کاهش جرم مهم دانست و خواستار مطالعه در مبانی جرم شناسی به عنوان یک آسیب فردی و فرهنگی ضدارزش شد.

معاون اول قوه قضائیه با تاکید بر این مهم که جامعه ای که در آن نظارت همگانی و ملی ترک شود وقوع هرگونه فساد در آن نیز رشد خواهد کرد. گفت: ما تلاش بسیاری کرده ایم تا اصل اسلامی امر به معروف و نهی از منکر تقویت شود تا از وقوع جرم پیشگیری کنیم.

وی با اشاره به تعامل تنگاتنگ قوه قضائیه و نیروی انتظامی تصریح کرد قوه قضائیه با تمام سازمانها همکاری و رایزنی دارد اما این ارتباط با نیروی انتظامی به لحاظ کمی و کیفی بیشتر است زیرا موققیت این دو نهاد بزرگ در گرو همکاری و تعامل با یکدیگر است. ( خبرگزاری قرآنی ایران، اسفند ۸۷).

#### نقش مدرسه در تکوین شخصیت

کودکان و نوجوان سرمایه های جامعه می باشند و سلامت روح و جسم آنها تضمین کننده سلامت جامعه اینده است. بنابراین مسائل آنان از جمله مسائلی است که باید به آنها توجه کرد لذا توجه جدی به محیط خانواده و مدرسه که نقش بسزایی در تکوین شخصیت دانش آموزان دارند ضرورتی انکار ناپذیر شخصیتی مورد بررسی قرار میدهد.

با توجه به اینکه اولین محیطی که کودک با آن در ارتباط است خانواده می باشد لذا محیط خانواده عامل موثری در تکوین و تحول شخصیت کودک است. دکتر کامبیز کامکاری روان شناس معتقد است : کودکی که در محیط خانوادگی خود پدر و مادر دلسوز و متعهدی ندارد طبعاً احساس عدم تعهد نموده و سعی می کند خود را حتی المقدور از کانون خانوادگی دور ساخته و هویت گمشده خود را در محیط بیرون خانه بیابد. پس از خانواده مدرسه نقش مهمی دارد زیرا دانش آموز بیشتر اوقات زنده و فعال خود را در مدرسه می گذراند و تجرب طفل در مدرسه همراه با تجرب او را در محیط خانوادگی شکل دهنده شخصیت و منش کودک است پیدایش جوامع و ارتکاب جرم با یکدیگر قرین و همزاد بوده اند. اما زا آغاز پیدایش جوامع تا به امروز شاید هیچ گاه آدمی تا بدین حد با معضلی به نام « بزهکاری » در جامعه خویش مواجه نبوده

است. وهنگامی که این معضل در میان اطفال و نوجوانان امروز که سازندگان اجتماع فردا هستند ریشه می دوائد. به عقیده جامعه شناسان ، انسان از هنگام تولد در شبکه ای از روابط متقابل اجتماعی قرار می گیرد و از میان کنش های متقابلی که با دیگران دارد، میراث جامعه را به خود جذب کرده، هیئتی اجتماعی می یابد و در تمامی مدت حیات خود را در این شبکه روابط متقابل به فراخور دگرگونی این روابط دگرگون می شود.

### علل بزهکاری نوجوانان و جوانان:

دکتر کامکاری در خصوص تقسیم بندی علل و عوامل بزهکاری می گوید: علل بزهکاری شامل دو گروه عوامل بزه زای شخصی (فردی) شامل: علل هایی غیر ارثی و اختلالات روانی و علل اجتماعی بزهکاری که شامل شرایط خانوادگی، محیط آموزشی ، نقش همسایان و وضعیت اقتصادی - اجتماعی می شود.

- انواع جرائم ارتکابی نوجوانان و جوانان را به سه گروه تقسیم می کند:

الف - جرائم بر ضد اشخاص همانند اعمالی منافی عفت، ایراد ضرب و جرح عمدى و غير عمدى.

ب - جرائم بر ضد اموال: میازن و نوع آن در هر اجتماع نسبت به اجتماع دیگر متفاوت می باشد. به طور کلی تعداد سرقت کودکان و نوجوانان نسبت به سایر جوامع اطفال به اندازه ای زیاد است که می توان حتی مبحث جرائم کودکان و نوجوانان را به سرقت های ارتکابی آنان اختصاص داد.

ج - جرائم بر ضد نظام عمومی جامعه: هر اجتماعی طبق آداب، رسوم، سنن، معتقدات اخلاقی و دینی ، اجتماعی و اقتصادی دارای اصول و قواعدی است و

اگر افراد جامعه اصول و قواعد مزبور را رعایت نکند و بخواهد نظم عمومی جامعه را مختل نماید مجرم محسوب می شود.

تحقیقات نشان می دهد که بین شکست تحصیلی ، فرار از منزل ، و مدرسه و میزان اسیبها ایجاد جویان رابطه معنادار وجود دارد. روانشناسان به ۱۹ عامل خطرزای رفتارهای مسئله ساز اشاره کرده اند از جمله: رفتار سوء مصرف مواد، بزهکاری بارداری طی دوره نوجوانی و ترک تحصیل ، فقدان تعهد نسبت به مدرسه و غیره به سمت انجام بره کشیده می شود تنبیه نمودن که ۹۵ درصد می تواند قضاوت نمود که کسانی که در معرض تنبیه قرار می گیرند زودتر به طرف رفتارهای خطر آفرین سوق داده می شوند.

بنابراین می توان به عواملی همچون تنفس خانواده، شرایط اقتصادی – اجتماعی – روابط معیوب عاطفی ، طرد و پذیرش به عنوان زمینه سازهای بزهکاری اشاره نمود.

دبیر کمیته حمایت از بزه عامل اصلی بزهکاری را دو برابر شدن جمعیت کشور در دو دهه اصلی سیر صعودی و افزایش و فقر و بیکاری را بر شمرد و گفت : جنس و سن از مهمترین عوامل ارتکاب بزهکاری محسوب می شود. اما در قلمرو عوامل اجتماعی با طیف گسترده ای از عوامل تاثیر گذار جرم زا مانند طلاق ، بذرفتاری پدر و مادر، موقعیت اجتماعی ، خانواده، شغل پدر ، جنگ و تراکم جمعیت مواجه هستیم . امروزه با امار و گزارش هایی روبرو هستیم که از رشد ۵ درصدی سالیانه جرایم در جهان حکایت می کند که طبیعی است که با گذشت بیش از دو دهه از انقلاب به دو برابر یعنی ۷۰ میلیون نفر افزایش یافتد. این حقوقدان اظهار داشت: در یافته های جرم شناسی ثابت شده است که هر چه جمعیت یک جامعه بیشتر باشد احتمال افزایش و گسترش بزهکاری در آن

بیشتر خواهد بود. دبیر کمیته خاطر نشان کرد: شمار بسیاری از معتادان که در حال حاضر بالاترین رقم زندانیان کشور را به خود اختصاص داده اند را قشر جوان و نوجوان تشکیل داده است.

عامل جمعیت، خود به عوامل دیگری دامن می زند که در گسترش و افزایش این پدیده می تواند موثر باشد زیرا عامل جمعیت یک عامل کلان است و در طبقه بندی عوامل جرم زا قرار می گیرد.

درصد نوجوانان سیگاری در مسیر مدرسه تا خانه گرفتار شده اند. تحقیقات آماری نشان می دهد که ۹۲ درصد از نوجوانان سیگاری در مسیر مدرسه تا خانه با سیگار آشنا و گرفتار آن شده اند.

صرف سیگار در بین نوجوانان و جوانان این قشر از جامعه را بعنوان سرمایه ملی مورد تهدید قرار داده است.

ابهری تاکید کرد: در کنار آموزش‌های زیربنایی لازم است که والدین با فرزندان خود دوست باشند و آنان را از نتایج رفت و امد با دوستان ناباب و پیروی کردن از الگوهای غلط، آگاه سازند.

نبود مشاور در مدارس راهنمایی را نیز از جمله مشکلات فرا روی دانش آموزان عنوان کرد: و افزود که در مقطع مدارس راهنمایی که نوجوان مقطع سنی بحرانی را می گذراند نبود مشاور بر دامنه بحران خواهد افزود. به گفته‌ی این استاد دانشگاه اگر درسی با عنوان مهارت‌های زندگی در برنامه آموزشی دانش آموزان لحاظ شده باشد صرفاً به صورت یک درس خشک کلاسی و خیلی محدود دیده شده و این مساله پاسخگوی روحیه کنیکاو، فعال و تلاشگر نوجوان ایرانی نیست.

( همشهری ، آبان ۸۲)

## کاهش چشمگیر جرائم اجتماعی

سردار اسماعیل احمدی مقدم فرمانده نیروی انتظامی گفت: با اجرای طرح اخلاقی جرائم اجتماعی ۱۰ تا ۹۰ درصد کاهش داشته است. این طرح به رغم تمام مشکلات و بداخل اخلاقی های برخی سازمان ها موفقیت آمیز است.

بهبود وضع ظاهری جامعه و باطنی جامعه، کاهش جرائم خشن و تجاوز به عنف، مهار او باشگری و انهدام باندهای بزرگ مواد مخدر و توزیع مشروبات الکلی را از مهمترین دستاوردهای طرح ارتقاء امنیت اخلاقی پرشمرد. او با اشاره به برخی ضعفها در روش و ابزار تبلیغی افزود: مبلغان می توانند بخشی جامع از مسائل و علوم روز این خلا را پر کنند.

وی از مبلغان خواست با توجه به اعتقادی که والدین نسبت به فرزندان دارند خانواده ها را با اجتماعی و راههای مقابله با آن آشنا کنند.

( سردار احمدی مقدم ، اسنفدهماه ۸۷ ، جام جم )

## نقش خانواده در کاهش بزهکاری بیشتر از جامعه است

نائب رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات گفت: هر چه بیشتر در جهت آگاهی بخشی به جوانان در مورد زمینه های جرم خیز قدم برداریم شاهد کاهش بزهکاری در جامعه خواهیم بود.

هر اندازه بتوانیم آگاهی جوانان درباره شناخت زمینه های آسیب های اجتماعی بیشتر شود مسلماً احتمال دچار شدن شان به جرم و جنایت کمتر خواهد شد.

نمایند مرد رشت در مجلس اظهار کرد: باید در این راستا از روش مناسب استفاده کنیم. و این آگاهی و اطلاع رسانی رالنجام دهیم. وی نقش خانواده را در کاهش بزهکاری در درجه اول مورد تاکید قرار داد و گفت طبق نظر روان شناسان اساس شخصیت انسان در ۶ سال اول پایه گذاری می شود و معمولاً کودک در این ۶ سال در کنار خانواده است. از سوی دیگر نقش الگوهای خانواده و الگو پذیری کودک در این بخش بیشتر از جامعه است. بعد نوبت به جامعه می رسد که در جامعه مراکز مختلفی می تواند نقش داشته باشند که از جمله آنها مدرسه است. تحریری در پایان تصریح کرد: باید سعی کنیم مطابق با تحولات نوین روش های نوینی را در تعلیم و تربیت ابزارهای جدید اتخاذ کنیم.

( خانه ملت، آذر ۸۳ )

نقش دین در کاهش جرایم تحقیقات انجام شده در جوامع مذهبی نیز این مطلب را ثابت کرده است که در ایام خاصی نظیر ماه مبارک رمضان میزان جرم و جنایات کاهش قابل توجهی دارد. عوامل کاهش دهنده جرم و نیز راهکارهای دینی جلوگیری از جرایم را بررسی می کنیم.

همه مذاهب و ادیان الهی ، انسانها را به درستی ، راستی و فلاح و رستگاری فراخوانده اند. به تعبیری شاید بتوان گفت که علت انتخاب پیامبران الهی و ارزال وحی و نیز دستورات دینی، نجات انسانها از رذایل اخلاقی و منع آنها از نامناسب و تشویق مردم به ایمان و نیکوکاری بوده است. در مورد نقش دین،

تأثیر آن در جلوگیری از جرائم در بین جرم شناسان و غیر آنها حداقل دو دیدگاه وجود دارد.

الف) برخی بر این پندارند که عناصر سه گانه عقل، دست آوردهای علمی و وجود اخلاقی، برای ایجاد نظم عمومی و تعیین حدود و اختیار مناسب آنها و کاهش جرم کافی است و هیچ نیازی به مذهب نیست.

ب) برخی که اکثرین را تشکیل می دهند اگر چه برای عقل و دست آوردهای علمی و وجود اخلاقی، احترام قائلند و به ارزش آنها در قلمرو معتبر فند. جرم شناسان درباره عواملی که از پیش در تشکیل شخصیت بزهکار تاثیر دارد پس از مطالعات نهایتاً به تاثیر دو دسته عوامل درونزا و عوامل محیطی یا برون زا اعتقاد پیدا کردند.

در عوامل فردی، عوامل وراثتی و روانی مورد مطالعه قرار می گیرد. اسلام هم به عنوان دین آسمانی به نقش وراثت و اهمیت آن در شکل گیری ساختار شخصیتی افراد به دور از اعتقاد به اصالت و یا عدم تاثیر گذاری آن توجه داشت. اما عوامل محیطی یا برون زا دامنه بسیار گسترده ای پیدا می کند جرم شناسان ، عوامل مزبور را با استفاده از مقیاس های متفاوتی تقسیم کرد که از جمله آنها می توان محیط طبیعی و جغرافیایی ، محیط اجتماعی و معنوی ، محیط اجتناب ناپذیر و محیط اتفاقی را نام برد.

اولین محیطی که زمینه بزهکاری را در فرد بوجود می آورد خانواده است. معمولاً بزهکاران از محیط خانواده های آشفته و پاشیده بر می خیزد در انگلستان نشان داد که یکی از متغیرهای خانوادگی که با بزهکاری ارتباط بسیار دارد عدم نظارت والدین است. مثلاً والدین از نوجوان نپرسند که کجا می رود و چه موقع به خانه باز می گردند ( ماسن ۱۳۶۸ ، نقل از واتر ۱۹۸۰ و ویلسون ۱۹۸۰ )

### خصوصیات بزهکار:

بزهکاران تصویر درستی از خود ندارند و ارزشی باری خویش قائل نیستند وقتی بزهکاری ارزش خویش را به عنوان انسان سوال قرار داد و عکس العمل دیگران هم نسبت به او نامناسب بود چگونه می تواند پیوند شایسته و درستی با مردم داشته باشد. بزهکاران بیش از دیگران از رفتارهای دفاعی استفاده می کنند. و دلیل تراشی برای ارائه دلایل ظاهرآ قابل قبول که مورد استفاده قرار می گیرد فرافکنی و واکنشی دفاعی است که برای نسبت دادن بزه به دیگران به کار می رود.

### رابطه بزهکار با خانواده:

بزهکاران و والدینشان غالباً با هم ارتباط و درک متقابل ندارند. و اعضای خانواده از حقوق مساوی در جهت اظهار کردن برخوردار نیستند بنابراین افزایش و تقویت ارتباط عاطفی بین اعضای خانواده یکی از راههای پیشگیری است. عامل بازدارنده دیگر رعایت اصول اخلاقی است. پدر و مادر باید به مسائل اخلاقی اهمیت بدهند بنابراین باید اخلاق را به فرزندانشان آموختند و خود نیز به آن عمل کنند و تاثیر گذار باشند) ماهرخ دانه کار، (۱۳۷۲

## عوامل موثر در بزهکاری:

بزهکاری نوعی بیماری است که باید پیشگیری و مداوا شود نه مجازات.

۱- عامل اقتصادی : عاملی که ممکن است در بزهکاری نوجوان موثر واقع شود عامل اقتصادی است. جرم شناسان در اصل موضوع که عامل اقتصاد در بزهکاری موثر است اتفاق نظر دارند و اگر اختلافی از پاره ای موارد به چشم می خورد ناشی از نحوه تاثیر جنبه های مختلف این عامل قوی است. تمایل به ثروتمند شدن و تجمل پرستی و همچنین گروهی بیکار و قرض و نیز عدم قدرت توانایی لازم را برای برطرف کردن احتیاجات زندگی و قرس از کسر شدن اموال یا آنچه که دارند. (شامبیاتی، ۱۳۷۱)

۲- ضعف و بنیه اخلاقی و اعتقادی : معمولاً بزهکاری به خاطر غیر اخلاقی یا ضد اخلاقی بودن آن مورد توجه قرار می گیرد ولی این امر مورد بررسی قرار نمی گیرد که این رفتار غیر اخلاقی یا ضد اخلاقی از کجا آمده است رفتار غیر اخلاقی را والدین یا مدرسه یا محیط به خود بزهکار انتقال می دهد. عواملی چون طبقه ای اجتماعی، نژاد و قومیت، مدرسه و سایل ارتباط جمعی، وراثت عوامل بیولوژیکی و عوامل خانوادگی بررسی شده اند.

۳- عوامل خانوادگی : در مورد این عامل مسائلی چون ساختار خانواده، رفتار والدین، شخصیت و نحوه تعاملات در خانواده مورد بررسی قرار گرفته اند. (اسپریت و هال و کالینز، ۱۹۹۵، نقل از پاترسون ۱۹۸۲)

## خانواده و بزهکاری:

پیامدهای عدم توجه به تربیت صحیح کودکان و نوجوانان پدیده بزهکاری است زیرا در دنیای صنعتی امروزی میلیونها جوان به علت اختلافات خانوادگی و کمبود محبت و عوامل مختلف اجتماعی و اقتصادی از لحاظ رشد جمعی، روانی، پرورشی و عاطفی در معرض ارتکاب جرم قرار می گیرند) هوشنگ شامبیاتی، ۱۳۷۱ آنچه امروزه به عنوان یکی از مسائل پیچیده و ناراحت کننده توجه بسیاری را به خود معطوف داشته مجرمین کم سن و سال و نوجوان بزهکار می باشد. که روز به روز گسترش می یابد (ناهید کرمی، ۱۳۷۱، بررسی روان شناختی اخلاق در کودک می تواند نیاز جوامع و مراکز تربیتی و آموزشی را که خواهان احیای تربیت اخلاقی فصل اینده هستند را مرتفع سازد. محیط خانواده در واقع باید محیط اجتناب پذیر نامید، زیرا محیطی است که طفل آن را انتخاب نکرده بلکه به او تمایل شده و از تحمل آن ناگزیر است مثلاً اگر گرفتاری برای پسر و دختر پیش آید و او را یاغی ساز و عصیان می کند. این عصیان نتیجه بغض است و کسانی که کینه دیگران را در دل گرفته اند همینکه قدرت به دستشان آمد بالطبع معامله به مثل می کنند. دور کردن بچه ها از خانواده شخصیت انها را خراب می کند و اصولاً بچه جدا شده از خانواده از لحاظ عاطفی احساس محرومیت کرده و خود را طرد شده برکنار شده حتی تنبیه شده احساس می کند و از آن رنج می برد. (دکتر محمد حسین فرجاد، ۱۳۷۲) در پاره شدن زنجیر خانواده تنها حلقه ای که پاره می شود و از میان می رود بچه ها هستند چون پدر یکسوی زنجیر می شود و مادر سوی دیگر آن در حقیقت در پاره شدن زنجیر و تکه پاره شدن هر کدام به تنها یی برای خود زنجیری هستند که هر چند به بلندی پیش از پاره شدن نیستند. بازهم به آنها

زنگیر گفته می شود. در حالیکه حلقه یا که رابطه آنها بوده و گستاخ شده دیگر زنگیر نیست. ( دکتر حسین فرجاد، ۱۳۷۲) بسیاری از والدین ناسالم به گونه ای با کودکان رفتار می کنند مثل اینکه هیچ موقع کاری را بدرسی و کامل انجام نمی دهند. احساس بی لیاقتی را در آنها پرورش می دهند از طریق کوچک کردن آنها، خود کنترل امور را به دست می گیرند. نوع دیگر والدین ناسالم والدین کمک کننده هستند. پدر یا مادر شرایطی به وجود می آورد که فرزندش به او نیاز داشته باشد. وقتی اسیر والدین کنترل هستیم عکس العمل ما به دو طریق خواهد بود: تسلیم یا سرپیچی . در هر صورت از نظر روانی با آنها بیگانه شده و فاصله می گیریم . در نتیجه این گونه ها نمی توانند هویتی داشته باشند . نمی توانند وجود خود را به عنوان یک انسان کامل مستقل از والدینشان ببینند. احتیاجات آنها همان است که والدینشان دارند.

#### علل بزهکاری :

در بررسی علل بزهکاری گاهی به یک علت و عامل اشاره کرده اند لمیرزو علت جرم را جسمانی می دانست وقتی علت ژنتیک در توصیه بزهکاری ها ناکافی به نظر آمد می توان علت بزهکاری را یادگیری دانست بلوتر و جونز با صراحة گفته اند که بزهکاری یک رفتار آموخته شده است ( احمدی، ۱۳۷۵) بنابراین ساترالند، اغلب شکایاتی که در امریکا به دادگاه اطفال می شود از ناحیه پدران و مادرانی استکه فرزندانی خود را به لحاظ بی انضباطی متهم می سازند. هنگامی که طفلی بدین سان علناً از سوی والدین متهم می شود که آیا به بقای نفوذ مصنوعی این دو می توان امیدوار بود؟ مسلماً تأثیری که این دو بر روی فرزند خود دارند قدرت پیشین خود را از دست می دهد و دچار ضعف می

گردد. و چنین والدینی با دست خود جگر گوشه‌ی خود را در میان بزهکاران رها می‌سازند. بسیاری از خانواده‌ها در اثر جهالت یا حماقت خود سقوط فرزندان خویش را تسهیل می‌کنند. (دکتر مهدی کمانیا، ۱۳۷۳)

### عوامل موثر در بزهکاری:

در تحقیقات دیگر، عوامل درونی و بیرونی موثر بر عدم ارتکاب بزهکاری نیز بررسی شده است. عامل وابستگی، ازدواج نکردن مجدد مادر، و تشویق والدین، آرام بودن محیط خانواده موثر بر عدم بزهکاری می‌باشند. این بررسی‌ها نشان می‌دهد که پایداری وضعیت خانواده در ممانعت از بزهکاری نوجوان است که در این سن نوجوان به دنبال کسب هویت و الگو است و نقش والدین در خانواده موثرتر می‌شود. و زمینه را برای کجری مساعد می‌سازند (Kingsley ۱۹۸۹:۲۸) در واقع نقش رسانه‌ها در هنجارهای اجتماعی موجود در جامعه را تقویت یا تضعیف نمایند.

تمامپسون معتقد است «تأثیر خانواده و همسایان و دسته‌ها (gangs) در بزهکاری بیش از سایر عوامل است و خانواده نقشی در کنترل بزهکاری (Thompson, ۱۹۹۷:۴۵)». گاه عوامل فیزیولوژی چون نقص عضو، ظاهر نفرت انگیز در برخود با عوامل اجتماعی می‌تواند عامل ایجاد بزهکاری گردد. به طور کلی هر فرد برای اینکه دست به جرم و جنایت بزند باید دارای انگیزه‌هایی باشد. حال این امر خودآگاه است یا ناخودآگاه.

مهمترین عوامل موثر در بزهکاری

عدم توافق اخلاقی طرفین، عدم علاقه و کراهی طرفین، دخالت‌های دیگران ، تاثیر خودخواهیها چه از طرف زن یا شوهر ، فقر و مصرف گرایی عدم شناخت کافی ، عدم اعتقاد به خدئا و انتخاب ناصحیح در ازدواج و بدرفتاری و تنبیه بدنی ، بیماری های روحی و روانی، اختلاف سن و اختلاف در تعیین محل زندگی ، ناتوانی جنسی ، ازدواج‌های مجدد، و روابط نامشروع اینها عواملی هستند که در بزهکاری و جرم جوانان و بچه های این خانواده ها تاثیر دارند و در واقع مهمترین عوامل هستند.

## سؤالات

- ۱- چه استانداردی ما برای ارزیابی دوست های انتخابی فرزنمان در نظر بگیریم؟ ( گنات ، ۷۴ ، ۸۷ )
- ۲- آیا بین حمایت خانواده و سلامت روانی نوجوانان رابطه ای معنی دار وجود دارد؟
- ۳- آیا بین حمایت خانواده و دوستان از نوجوانان تفاوت معنی داری وجود دارد؟ ( قندھاریزاده ، ۷۸ ، ۶ )
- ۴- آیا بین خانواده و توجه به نیازهای شخصی نوجوانان رابطه ای معنی دار وجود دارد؟
- ۵- آیا بین اعضای خانواده برای کمک به حل مشکلات رابطه ای معنی داری وجود دارد؟ ( قندھاریزاده ، ۷۸ ، ۱۵۲ )
- ۶- آیا بین شکست تحصیلی، فرار از منزل و مدرسه مددجویان و میزان آسیب های اجتماعی رابطه معنی داری وجود دارد؟

## تعاریف واژه ها و اصطلاحات

### خانواده های متعادل :

خانواده هایی هستند که در سطوح مرکزی هر یک از ابعاد قرار می گیرند و به جای اینکه پیوستگی و انعطاف پذیری خیلی کم یا خیلی زیاد داشته باشند به طور متوسطی در این ابعاد عمل می کنند و لذا این خانواده ها کار کرد مناسب تری نسبت به سایر انواع نامتعادل دارند (السن، ۲۰۰۰)

### خانواده نابهنجار :

خانواده ای است که در مواجهه با موقعیت های استرس زا به جای منصف ساختن الگوهای انتقالی و کاهش مرزها، انعطاف پذیری و مرزها را افزایش می دهد و مانع کشف راه حل های جدید برای برخورد با شرایط استرس زای جدید می شود و در مقابل خانواده بهنجار در مقابله با استرس های گریز ناپذیر زندگی، ضمن حفظ انسجام خانوادگی قادر است به منظور تجدید ساختار فرد، انعطاف پذیری لازم را نشان دهد.

### خانواده کژ رفتار:

خانواده ای که قادر به تامین نیازهای تکامل اعضا و مقابله با فشارهایی مثل تغییرات ناشی از مراحل تکامل خانواده که مستلزم قبول یا از دست دادن عضو باشد نیست (بهروز مهرام، پایان نامه)

### والدین برنده و مستبد:

این گونه والدین به هر طریق ممکن حتی با تهدید و ارعاب و تنبیه بدنی به خواسته ها و مقاصد و گفتار خود جامعه عمل می پوشانند، والدین به رفتار و اعمال نوجوان حاکم هستند و خود به طور یکطرفه به تعیین قوانین و مقررات

می پردازند و از نوجوان انتظار دارند بدون هیچ گونه قید و شرطی به انجام خواسته های آنان بپردازند. که البته با توجه به شرایط ساخت و محدود اکثر افرادی که در چنین خانواده هایی پرورش می یابند دارای اختلالات عاطفی و رفتاری عدیده ای هستند.

(شفیع آبادی ، ۶۷ ، ۲۲)

#### جنبه های سازنده شخصیت :

جنبه عاطفی: شخصیتی ارزنده است که دارای عاطفه و انعطاف باشد، شخصیت های غیرقابل نفوذ در جنبه عاطفی زود شکن و ویرانگر به درد اعضای جامعه نمی خورد. همان گونه که اجتماع قانون و مقررات لازم دارد و به عاطفه نیازمند است و این دو مکمل همدیگرند.

جنبه اجتماعی از آغاز دوران زندگی کودک بازدیت خود ظاهر و آشکار است و این فردیت اگر تحت کنترل در نیاید روبه توسعه دارد. این مادر است که با تماس دادن او با برادر و خواهر، پدر و بستگان دیگر اعضا او را اجتماعی می کند. (شفیع آبادی، ۶۷ ، ۲۳)

#### نقش یا وظیفه :

به صورتی خیلی ساده می توان بیان داشت که « نقش ها » ترکیبی از هنجارها هستند که با یکدیگر در ارتباط می باشند. بیتز(۱۹۵۶) در این مورد اظهار می دارد که : « نقش یا وظیفه، بخشی از یک وضعیت اجتماعی می باشد که کم و بیش شامل هنجارهای اجتماعی ادغام شده ای است که از سایر هنجارهای اجتماعی تشکیل دهنده ی همان وضعیت اجتماعی قابل تشخیص باشد»

نقش: عبارت است از انتظاراتی است که از یک فرد در یک گروه میرود، نه یک گونه رفتارهای فردی.

تربیت: در لغت به معنای نشو و نما دادن، زیاد کردن، برکشیدن و مرغوب یا قیمتی ساختن است. در این معنی آخر، تربیت از حد افراط و تفریط بیرون آوردن و به حد اعتدال سوق دادن است.

تربیت، محصول مراقبتی است که از نشو و نمای آدمیزاده در جریان رشد وی یعنی سیر به سوی کمال، بعمل می آید. تربیت عمل عمدی فردی رشید است که می خواهد رشد را در فردی که فاقد ولی قابل آن است تسهیل کند.

تربیت، سرپرستی از جریان رشد، یعنی اتخاذ تدابیر مقتضی جهت فراهم ساختن شرایط مساعد برای رشد است.

تربیت عبارتست از : پروردن قوای جسمانی و روانی انسان برای وصول به کمال مطلوب ، انتقال تفکر، احساس و عمل جامعه به آینده گان.

خانواده : « مک آسور» می نویسد: « خانواده گروهی است دارای رابطه جنسی پایا و مشخص که به تولید مثل و تربیت فرزندان منجر می گردد»

« خانواده نظامی بسته است که نقش ارتباطات داخلی را ایفا می کند و دارای اعضایی است که وضعیت ها و مقام های مختلفی را در خانواده و اجتماع احراز کرده اند و با توجه به محتوای نقش اوضاع، افکار و ارتباطات خویشاوندی که مورد تایید جامعه ای است که خانواده جزء لاینفک آن است ایفای نقش می کند.

خانواده: « میرنیمکوف » در کتاب خود به نام ازدواج و خانواده، خانواده را بعنوان یک شرکت کم و بیش پایدار با فرزند یا بدون فرزند تعریف می کند. « سمنر » و « لکر » خانواده را در یک مینیاتور سازمان اجتماعی که دست کم شامل دو نسل می شود و مبتنی بر ارتباط خونی است» می داند.

( نجاتی ، ۷۱ ، ۲۴-۲۶ )

تعریف جرم:

جرائم ( Crime ) عبارتست از : اعمالی که سبب نقض قانون، بویژه قانون جنایی می شود در حقیقت این تعریف انحرافرا از دید قضایی نشان می دهد و از این زاویه به رفتار مجرمانه نگاه می کند. دائرة المعارف علوم اجتماعی در تعریف آن آورده است: در تخطی از حقوق جنایی، در زبان روزمره، این واژه به نادرست در مورد هر رفتار مغایر با الگوهای پذیرفته جامعه بکار می رود.

دکتر علی اکبر سیاسی نیز در روان شناسی جنایی می گوید: « جرم عبارتست از سرکشی افراد در برابر جامعه است که بوسیله مقررات قانونی تعبیر گردیده است و بحسب شدت و ضعف از نظر حقوقی سه نوع است: خلاف، جنحه و جنایت» البته در تقسیم بندی جدید کشور ما پس از انقلال جرم به چهار نوع تقسیم شده است. حدود، قصاص، دیات و تعزیرات.

به عقیده طرفداران عدالت مطلق:

جرائم عبارت از عملی است که مخالف اخلاق و عدالت باشد. در نظر کاروفالو ( Karofallo ) در صورتی که افراد به آن قسمت از حس دوستی و نیکوکاری که همیشه و در همه جا مورد قبول واقع شده است، دستبرد و اهانت کنند مرتكب جرم می شوند.

کارارا (Carara):

جرائم: نقض قانون مملکتی در اثر عمل خارجی، در صورتی که انجام وظیفه و یا اعمال حقی، ان را تجویز نکنند و مستوجب مجازات هم باشد جرم نامیده می شود (امین صارمی، ۸۰، ۶۱)

کوثرفتاری یا انحراف: به هر گونه رفتاری گفته می شود که هنجارهای فرهنگی را نقض کند. هنجارها راهنمای همه‌ی فعالیتهای انسان در جامعه هستند و تعیین می کنند که فرد در شرایط گوناگون چه رفتاری باید یا نباید داشته باشد.

جرائم: یک عمل عمدی و ارادی بر علیه قانون است که غیر قابل حمایت و بخشنود بوده و مجرم باید بواسیله دولت دستگیر و مجازات شود. (ستوده ۳۵، ۸۴)

تعریف جامعه شناختی خانواده: خانواده، نخستین سنگ بنای اجتماع، طبیعی ترین نهاد اجتماعی و همزاد انسان شمرده می شود در متون دینی آمده که آفرینش انسان به صورت زوجی از مرد و زن به شکل خانواده بوده است. جامعه بشری بدون خانواده برپا نمانده و تشکیل خانواده با وجود تنوع مذهب‌ها و فرهنگها و عرضهای و آداب اجتماعی یک پدیده طبیعی و فطری است. واين را نه تنها اسلام و اديان الهی بلکه جامعه شناسان امروز قبول دارند. از اين رو است که در جامعه شناسی هر گروه همزیست و زیر یک سقف در یک خانه را نمی توان خانواده دانست فرق روشی میان خانوار و خانواده وجود دارد و کوشش برخی مولفان آمریکایی برای یکی

دانستن این دو و برداشتن شرط زوجیت شرعی ( یا قانونی ) بی نتیجه است .  
سید حمید خامنه ای )

### خانواده نابسامان :

خانواده ای است که به دلایل گوناگون از تعادل خارج شده است و خانواده کاملاً ایده آل و آرمانی به همچ و جه وجود ندارد .

خانواده به معنی اعم آن که در قدیم بیشتر در فرزندان و تمام افرادی است که در قانون مدنی به ترتیب اولویت می توانند از ماترک دیگری سهم الارثی داشته باشند اما خانواده به معنی اخص : عبارتست از : شوهر ، زن و فرزندان آنها . ( دکتر محمد حسین فرجاد ، ۱۳۷۲ ) .

خانواده به عنوان یک سیستم نظام اجتماعی شامل گروهی از افراد است که از طریق ازدواج ایجاد شده و با تولید و مثل و پروری فرزندان ادامه حیات می دهد . بدون شک مهمترین سازمانی است که بستر ساز رشد و رفاه جسمی ، روانی و اجتماعی با ابعاد گوناگون زیستی ، اقتصادی ، تربیتی و ... است ( وود ، ۱۹۹۶ ) .

خانواده به عنوان کوچکترین واحد اجتماعی اساس تشکیل جامعه و حفظ عواطف انسانی است که هر چه بیشتر باید مورد توجه قرار گیرد و سعی شود از سنتیزه های خانوادگی جلوگیری به عمل آید . ( محمد حسین فرجاد ، ۱۳۷۲ ) .

با توجه به ابعاد گوناگون خانواده و اهمیت و شرایط خاصش در جوامع مختلف انواع و صور گوناگون می یابد :

۱- خانواده زیستی : خانواده ای است که برخورد از مشروعیت اجتماعی ولیک فاقد توان یا قصد حضانت از فرزندانش .

۲ - خانواده مركب: گروهی اجتماعی است شامل دو یا چند خانواده هسته ای

که در یک خانه زندگی می نمایند خانواده چند زنی.

۳ - خانواده زن و شوهری : خانواده ای که در آن تاکید بر روابط زن و شوهر

است نه بر روابط بین خویشان به معنای گستردگی کلمه.

۴- خانواده گستردگی : خانواده ای که درون آن چند نسل با یکدیگر زندگی می

کنند. خانواده گستردگی امکان تحرک سریع نخواهد داشت و در نتیجه جامعه را

به نوعی بیکاری غیر واقعی مبتلا می سازد.

۵- خانواده پیوسته : خانواده ای که نمونه خاص آن در هند ملاحظه شده است

و از این جهت بدان خانواده هنری نیز اطلاق می شود.

۶- خانواده مادر مرکز: در برابر خانواده پدر مرکز خانواده ای است که در آن زن

اهمیت بیشتری می یابد.

۷- خانواده فرزند مرکز: خانواده ای که در آن تعداد فرزندان اندک، هزینه های

آنان بالا و کار اقتصادی در خانه نادر است و فرزندان در این نوع خانواده ارزش

محوری می یابند.

۸- خانواده راه یابی: خانواده ای که شخص از آن بر می خیزد. بدان خانواده

خاستگار نیز اطلاق می شود.

۹- خانواده فرزند زایی: خانواده ای که فرد خود با ازدواج بنا می کند.

۱۰- خانواده ناقص: خانواده ای که فقط با یکی از والدین ادامه ای حیات می

دهد. ( باقرسار و خانی، ۱۳۷۵، ۱۲۸، ص ۱۳۷)

## تعریف و انواع خانواده های آسیب دیده :

حوادث منفی عمدی که نیازمند دوره ای از سازگاری عمدی می باشند در زندگی خانوادگی می یابند. بررسی هلمز و راهه (۱۹۶۷) نشان داد که هر نوع تغییر در زندگی خواه خوشایند و خواه ناخوشایند مستلزم نوعی سازگاری مجدد است. بر طبق مقیاس آنها مرگ یکی از همسران (والدین) و طلاق، بیشترین فشار روانی را ایجاد خواهد کرد. (گنجی، ۱۳۷۶).

خانواده های تک والد: فقدان چه به صورت احتمالی و چه به صورت واقعی اثر عمیق بر زندگی خانواده دارد. از بیشتر بخش های مربوط به خانواده معمولاً فقدان به از دست رفتن یکی از اعضای خانواده و به خصوص مرگ یکی از عزیزان اطلاق می شود. (پایان نامه بهروز مهرام)

خانواده های کارآمد و خانواده های ناکارآمد: کارآمدی به قضاوت درباره سودمندی الگوی خانواده در کسب هدفها اشاره دارد. ناکارآمدی به الگوهای خانوادگی ناسودمند و ترسیم قطعات همراه با استرس و رفتارهای مرضی بر می گردد. در الگوی خانواده ای سالم که دارای کارکرد سالم باشد اینگونه تعریف شده است: خانواده ای که در آن بین اعضا مکملیت وجود دارد به علاوه از ویژگیهای این خانواده برونسازی متقابل اعضا با نیازهای یکدیگر مرزهای روشن و قدرت حل تعارض و ایجاد تغییر مناسب با چرخه حیات خانواده است.

(مینوچین، ۱۳۷۵، ص ۳۳۲)

انحراف چیست؟ در جامعه شناسی کلاسیک غالباً انحراف اجتماعی را شیوه رفتاری در نظر گرفته اند که برخلاف وفاق جامعه است و آن را به عدم هنواهی با

یک هنجار یا مجموعه ای از هنجارهایی که مورد قبول اکثریت واقعه شده است تعریف نموده اند. (کنندل، ۲۰۰۰ ص ۱۶۰).

تعریف انحراف اجتماعی آمیخته با موضوع قدرت است که از طریق آن صاحبان قدرت نظر خود را در تعیین آنچه قابل قبول است و آنچه قابل قبول نیست بر دیگران تحمیل می کنند. انحراف اجتماعی بر حسب فرهنگها و گروههای مختلف اجتماعی نسبی است برای مثال رفتار افرادی که بر روی یک نظام اعتقادی غیر معمولی یا افراطی اصرار می ورزند ممکن است از طرف برخی گروههای اجتماعی رفتار عادی تلقی شود. و گروههای دیگری آنان را منحرف تعریف نماید.

بزهکاری چیست؟ در جوامع بدوى و ایستا، یعنی جوامعی که در آنها قوانینی مکتوب وجود ندارد انحراف ، بزهکاری و جرم در یک معنی به کار گرفته شده و در سه مفهوم مختلف به تخلف و سرپیچی از آداب و رسوم و ضوابط جامعه اطلاق می گردد (آذر سماواتی ۱۳۷۴)

پیشینه بزهکاری :

اصطلاح بزهکاری رسماً در سال ۱۸۹۹، وقتی که اولین قانون بزهکاری جوانان در آلینوس شیکاگو تصویب شد متداول گشت تا سال ۱۸۹۹ جوانان و بزرگسالان در یک مجموعه قرار می گرفتند و هر نوع مجازات با برنامه اصطلاح و بازپروی که برای منحرفان بزرگسال اعمال می شد برای جوانان منحرف نیز قابل اجرا بود. ( حبیب احمدی ، ۱۳۸۴)

جرائم چیست؟

کاربرد واژه جرم معمولاً به مواردی از تخلف از قانون و هنجارهای رسمی و مكتوب با جامعه محدود می شود. که بزرگسالان مرتکب چنین تخلفاتی شده باشند.

### انحراف اجتماعی

انحراف در یک معنای عام، شامل هر نوع کنشی است که با هنجارهای پذیرفته شده یک جامعه همنوایی می کند را نقض می کند. جامعه شناسان به دنبال انحرافاتی هستند که اکثریت اعضای جامعه آن را به صورت عام و بیان دیگر آن دسته از نقض هنجارها را مورد بررسی قرار می دهند که در نظر عده زیادی از مردم گناه بیان شود. یعنی زمانی یک فعل انحراف محسوب می شود که دیدگاه اکثریت اعضای ان جامعه ناهنجار تلقی شود. گرچه ممکن است آن رفتار در نزد اعضای یکدیگر بهتر باشد در این صورت طبیعی است که تعریف و محدوده انحراف از یک زمان به زمان دیگر و از یک گروه جامعه به جامعه ای دیگر متفاوت باشد. لذا نگرشی دوباره به این موضوعات حریم های مجاز و ممنوعه ضروری می نمایاند. ولی با توجه به این که بسیاری از شبکه های ماهواره

اینترنتی در حال حاضر موضوع فوق را حمایت می کنند ممنوعیت این امر و حرمت آن چه بسا مورد تشکیلات از سوی دیگر سود آور بودن آن تناسب جرم و مجازات های قدیمی را منتفی می نماید. افزایش شاخصهای جامعه گریزی، فرهنگ گریزی ، احساس تنهایی و بیگانگی اجتماعی ، کاهش گرایشهای مذهبی و اخلاقی و گرایش به خوشگذرانی طیفی است که از یک سو بزهکاران و مجرمان در آن قرار دارند که جرایمی چون تجاوز ، روابط نامشروع و زناو... دست می زنند.و از سوی دیگر جوانانی هستند که در حاشیه نشینی فرهنگی قرار داشته و رفتارهای فرهنگی معارض از خود بروز می دهند بدلباسی، بدحجابی، استفاده از ماهواره از مصاديق آن رفتارهای متفاوت کیجروی بر حسب نوع واکنش جامعه گونه های کاملاً متفاوت به خود می پذیرد و دامنه این مواردی تقلیدی بی اعتنایی و روی گردانی تا اظهار خشم ، ابراز تنفر، طرد، محروم کردن از حقوق اجتماعی، تنبیه بدنی ، بازداش ، و حبس را در بر می گیرد. بعلاوه این شیوه، هزینه کمتری را برای مقابله با انحرافات دارد. همان گونه که در علم پزشکی پذیرفته شده است که پیشگیری از ابتلا به بیماری ها، به مراتب آسانتر از درمان خواهد بود و به ویژه آن که در برخی موارد ممکن است عدم پیشگیری فرد را به یک بیماری لاعلاج مبتلا سازد.

## پیشگیری :

مساله پیشگیری از انحرافات اجتماعی یکی از راه کارهایی است که در بخش نظارت و کنترل در نقش اساسی در آن حوزه ایفا می کند در تعریف پژوهشگیری گفته می شود: پیشگیری سیاست پیش بینی مجموعه راهکارهای مستقیم و غیر مستقیمی است که با هدف ایجاد امکانات و موقعیت‌های بازدارنده کجروری طراحی و تدوین می شود. بین دو مساله پیشگیری و کنترل، پیوند محکمی وجود دارد به طوری که همین واژه کنترل پیشگیر را در تعریف آن بیان می کنند: پیشگیری، و کنترل ، پیوند محکمی وجود دارد به طوری که همین واژه کنترل پیشگیر را در تعریف آن بیان می کنند: پیشگیری به کنترلی اطلاق می شود که قبل از وقوع اتفاق صورت می گیرد و از تباہی جلوگیری می کند.) پایگاه جامع اطلاع رسانی پزشکی ایران سلامت، مقابله با انحرافات آموزش یا تنبیه (۸۷/۹/۲۸)

## پیشینه تحقیق :

تاریخچه خانواده در ایران:  
اساس تمدن آریایی ها، بر خانواده استوار بوده است. و خانواده همچون هسته مرکزی جامعه آریایی به شمار می رفته است. پدر وظایفی همچون به جا آوردن مراسم و آداب مذهبی و تامین اقتصادی خانواده را بر عهده داشته و مادر وظیفه رسیدگی به امور منزل را دارا بود. در این جامعه، مهمترین واقعه خانوادگی

ازدواج بوده است. و در حقیقت یکی از مراسم دینی به شمار می رفته است. با ظهور ادیان مختلف، تحولات عمیقی در وضع خانواده بوجود آمد.

در این زمان تعدد زوجات با موافقت موبدان انجام می گرفت. و بعضی از پادشاهان زنان متعددی داشتند. زن کاملاً مطیع شوهر بود و آن منزلت هخامنشی را نداشت. ایران عهد ساسان از دیگر کشورهای مشرق زمین بالاتر بود. با ظهور ادین اسلام اساس بنیان های گذشته متحول شد. دین اسلام بنیان اجتماع بشر را روی پایه و اساس خانواده قرار داد. پیدایش خانواده را از آدم و همسرش شروع و معرفی می کند همه افراد را به تشکیل خانواده شدیداً تشویق می کند.

دین اسلام دارای یک نظام خانوادگی کامل است در این ساختار و نظام آنچه که از همه مهمتر به نظر می رسد صمیمیت در ازدواج است. و اساس سعادت خانواده را تشکیل می دهد. در دین اسلام مقررات و قوانینی در مورد ازدواج و تشکیل خانواده و رفتارهای خانوادگی وضع شده است.

که با رعایت آنها، دوستی و تفاهم عمیقی در محیط خانوادگی بوجود آمده و پیوند مقدس زناشویی به آسانی از هم گسیخته نمی شود. اسلام در بیان مقررات متذکر می شود که زن و شوهر باید حقوق یکدیگر را رعایت کنند.

### وظیفه خانواده در ایران باستان:

تربیت ، مهیم ترین وظیفه خانواده در ایران، باستان بوده است. از دوران هخامنشی این وظیفه برای خانواده به قوت خود باقی مانده و با ایمان در خود ر تحسین تعقیب شده است. این امر از آن جهت که آئین ایرانیان قدیم متکی بر امور واقعی اخلاقی و اجتماعی بوده، در جنبه تربیت ایشان چنین رنگی به خود گرفته است.

زیرا جوانمردی پایه و اساس اخلاقی سالم است. آنها برای رسیدن به هدف خود، به انواع وسایل مانند، تربیت بدنی ، منطق، خطابه، ... متوسل می شدند. از دیگر وظایف خانواده در ایران باستان آموزش و پرورش کودکان از لحاظ راستی، حق شناسی، عدالت ، اطاعت و فرمانبرداری از بزرگترها و میانه روی، نظام و رعایت قانون و آداب و رسوم اجتماعی بوده است. (نجاتی، ۷۱، ۳۸)

#### تاریخچه خانواده در امپراطوری روسیه :

امپراطوری روسیه در پایان سده نوزدهم، جامعه روستایی بود و ۸۵ درصد جمعیت این کشور در نقاط روستایی زندگی می کردند. تنها پس از سال ۱۹۶۲ بود که جمعیت شهر کم کم بر جمعیت روستایی پیشی گرفت. این امر نمایانگر اهمیت جامعه دهقانی بود که بر پایه خانواده قرار داشت.

در سال ۱۸۸۱ هائزی ژان نوشت همه نهادها و همه ویژگیهای مشخص روسیه، هر آنچه او را از غرب متفاوت می کند عمیقاً ریشه دارند، با اینستی عمق این ریشه ها را سنجید تا بتوان مسائل این کشور را باز شناخت. این ریشه ها را پیش از همه در سازمان خانواده سنتی روسیه و در محیط روستایی باید یافت. (نجاتی، ۷۱۶، ۳۸۶).

شاید بتوان گفت در سطح جهانی اولین مطالعه علمی در زمینه نگرش خرد و فرهنگی به انحرافات، توسط مکتب شیکاگو صورت پذیرفت. در دهه ۱۹۲۰ با استفاده از این دیدگاه در «شاو» و «مک کی» نظریه های ساختار و خرد و فرهنگی را در زمینه مسائل اجتماعی بکار برداشت.

میزان تبھکاری با تاثیر خرد فرهنگهای محیطی در مناطق معینی رابطه مستقیمی دارد. در این زمان مساله دسته های جوانان خیابانی و گروههای بزهکار (Gangs) به شدت مطرح بود.

بعد از آن برنارد لندر روش‌های مکتب شیکاگو را در مطالعاتش و مک کی را تاپید کرد. بعدها با توجه به توسعه حوزه های مختلف جرم شناسی و جامعه شناسی؛ هاوارد یک در اثری به نام مطالعات در جامعه شناسی جرم، تحقیق کلاسیک جامعی در حوزه مطالعات جرم انجام داد. ( امید صارمی، ۳۳)

### انحرافات اجتماعی :

به منظور بقا و استمرار حیات هر جامعه باید هنجارها و ارزش‌های آن جامعه توسط اعضاء محترم شمرده شوند، اما در همه جوامع انسانی برخی از افراد پاره ای از ارزش‌ها و هنجارها را رعایت نمی کند. جامعه، افرادی که هنجارها متابعت کرده « همنوا » و کسانی را که هنجارها را نقض می کنند « ناهمنوا » می داند. از میان اشخاص ناپنهنجار کسی که رفتار ناپنهنجارش زودگذر نبود و دیرگاهی دوام آورد، « کجرو » یا « منحرف » و رفتار او کجروی اجتماعی یا انحراف اجتماعی خوانده می شود. انحراف اجتماعی مفهومی گسترده و وسیع داشته و مطالعاتی هم که در این زمینه صورت پذیرفته است.

در زبان انگلیسی بین کجروی و انحراف تفاوتی وجود ندارد. و هر دو مفهوم را تحت عنوان « deviation » استعمال می کنند. « deviant » نیز به معنای منحرف یا کجرو بکار می رود. اما در زبان فرانسه بین این دو مفهوم تفاوت وجود دارد. و برای منحرف لغت « valiant » و کجروی « deviant » را

استعمال کرده اند، در هر حال اصطلاحاتی چون انحراف ، کجروی ، جرم، آسیب بزهکاری و ... بر این مفاهیم دلالت دارند. (امین صارمی، ۵۳)

#### مفهوم خانواده:

خانواده به عنوان نظامی که قوانین برای اعضای خود در نظر گرفته است. می تواند سازمانی نیز و مند و ارائه دهنده روشهایی برای حل مشکلات باشد خانواده دارای انواع گوناگون است.

هسته ای ، گستردۀ، ناخوانده و تک والدی، اعضای این خانواده عبارت است از همسران، والدین و خواهران و برادران که می توانید بر یکدیگر تاثیر متقابله داشته باشند.

خانواده به عنوان یک سیستم حمایتی از حساسیت و اهمیت ویژه ای برخوردار است. خانواده هی تواند به عنوان حل مشکلات برای تصمیم گیری در شرایط بحرانی که هر کدام از اعضا برایشان پیش می آید را مورد حمایت قرار می دهد. خانواده پناهگاهی برای شکستهها و ناکامی هاست . از این جهت خانواده توانایی آن را دارد که بعنوان سپری قوی برای فرد در مقابل مسائل و مشکلات استرس زای خارجی عمل کند. و بر عکس اگر خانواده نتواند از افراد خود حمایت کند یا در واقع خودش به عنوان یک منبع استرس زا عمل نماید فرد به طور واضح در مقابل استرس حساس تر خواهد شد.

اکرمن (Ekerman) خانواده را کانون تشکیل بخش می داند خانواده کانونی است که با تخفیف الام از اعضای خود حمایت می کند و اما شکوفایی آنان را هموار می سازد. بسیاری از آداب، سنن خانوادگی، از قبیل دید و بازدیدها،

مراسم ازدواج، اعیاد و سایر گروههایی های خانواده ای از قابلیت ایجاد شوق و شور زندگی و تسکین آلام و فشارهای زندگی برخوردار هستند) نعیم آبادی،  
حاتمی، ۸۵، ۲۱

بنابراین خانواده اساسی ترین نهاد در جامعه پذیر کردن کودکان بویژه در سالهای حساس اولیه زندگی است کودکان در فرایند جامعه پذیری در خانواده امر و نهی والدین، تقلید و همانندسازی را که مهمترین شیوه های انتقال ارزشها، هنجارها و سنت های اجتماعی است را تجربه می کنند.

خانواده در طی نخستین سالهای زندگی کودک پراشر تماس نزدیک و دائمی با او، نقش قابل ملاحظه ای در شکل گیری شخصیت و رفتار او دارد(قائمی، ۶۶، ۲۲،

اگر خانواده به اندازه کافی اعضای خود را مورد حمایت قرار دهد. و نیازهای جسمی و روانی آنها را برآورده کند فرد از سرچشممه طبیعی کمک سیراب می شود. (ثنائی، ۱۳۷۰، ۱۶)

علاوه بر این، در مرحله نوجوانی حمایت خانواده باید از ویژگیهای خاصی برخوردار باشد به طوریکه به استقلال نوجوان آسیبی نرساند. و از طرفی نوجوان خود را بدون پناهگاه عاطفی احساس نکند.

به عقیده مالرویکز (Malarewicz ۱۹۸۸) فرایند پختگی نوجوان، طولانی ترین و دشوارترین چرخه زندگی را تشکیل می دهد. دوره ای است که در آن نوجوان در پی استقلال است. در این دوره نوجوان باید فعالیتهای انجام دهد. او باید نقشهای مربوط به هویت جنسی خود را پذیرد یاد بگیرد از وابستگی عاطفی به والدین دور باشد، استقلال مالی بدست آورد، ارزشهای خود را انتخاب کند در جهت انتخاب شغل راهنمایی شود . پراشر این دگرگونیها ساخت سلسه

مراتب خانواده تغییر شکل پیدا می کند، بردو باخت اصلی در این است که بین خواستهای نظام خانوادگی و ارزش‌های نوجوان تعادل برقرار شود. (بیابانگرد، ۱۳۷۷، ۱۶)

احساس ارزش داشتن، فقط در محیطی می تواند شکوفا شود که در آن به تفوتهای فردی ارزش داده شود، اشتباهات اغماض می شوند، تبادل نظر آشکار و قوانین قابل انعطاف باشد، فرزندان خانواده های مختلف احساس بی ارزشی می کنند، چون در محیطی رشد می کنند که تبادل نظرها ناهموارند و قوانین انعطاف ناپذیر و سرزنش و ملامت می شوند. (سیتر، ۱۳۷۳، ۱۷).

پرات (prat) ۱۹۷۶ در پژوهشی که انجام داد نتیجه گرفت، خانواده پایه واحدی است که سلامت روانی افراد در آن شکل می گیرد و خانواده در تمامین بهداشت روانی و مراقبت و حمایت از سلامتی افراد خود نقش بسیار تعیین کننده ای دارد.

به طور کلی الگوی حمایت خانواده و دوستان در سنین متفاوت، مختلف است، تحقیقات بیکسن وستان (۱۹۷۶)، استایل برگ و استاین برگ ۱۹۸۶، نشان می دهد که میزان تاثیر خانواده بر روی فرزندان تا نهمین سال زندگی افزایش و از آن پس رو به کاهش می رود. ظاهراً از این پس است که والدین نگرانیهای را در ارتباط با مشکلات همراه شدن نوجوان، شبکه اجتماعی دوستان نشان می دهند که این نگرانیها مخصوصاً در مورد نوجوانان ۱۴ الی ۱۵ سال بیشتر دیده می شود.

( هیتر بختگون ، ۱۳۷۳ ، ۲۲ ) تحقیقات نشان می دهد که یکی از منابع مهم و موثر بر سلامت فرزندان محیط خانواده است و این در حالی است که گروه همسالان نیز به عنوان یکی دیگر از

منابع مهم حمایت می تواند برای نوجوانان مطرح باشد. با این حال نقش گروه همسالان نیز عنوان یکی دیگر از منابع مهم حمایت می تواند برای نوجوانان مطرح باشد. با این حال نقش گروه همسال در فرهنگهای مختلف می تواند متفاوت باشد. (قندھاریزاده، ۷۸، ۵۳)

#### مبحث اول: جرم شناسی در دوران قبل از شروع تحقیقات علمی:

در یونان باستان علت ارتکاب بزه را تقدیر و یا سرنوشت می دانستند و معتقدند بودند که سرنوشت و یا تقدیر، که رفتار و کردار افراد را تحت تاثیر قرار می دهد ناشی از مشیت خداوندی یا نفوذ اراده مرموزی است که خداست و اختیار بشر بروز آن دخالت ندارد. مجرم فرد بد طینتی است که ازدواج حبیث در او حلول کرده اند. اجرای مجازاتهای شدید و شکنجه جسمی و روانی را سبب تسکین خشم خدایان و تزکیه نفس و اخلاقی بزهکار می دانستند.

#### مبحث دوم: سرآغاز تحقیقات علمی

تحقیقات علمی: جرم شناسی با بررسی از رشته های مختلف از جمله مردم شناسی خیائی، روانشناسی و روانپردازی، زیست شناسی، جامعه شناسی و کیفر شناسی در علم زندانها، بدون هم آهنگی با هم آغاز وسیعی منجر به پایه گذار علوم جدید در جرم شناس گردید.

#### تاریخچه‌ی واکنش اجتماعی نوجوانان بزهکار :

اصلاح بزهکار نوجوان نخستین بار در انگلستان و در قرن نوزدهم ( سال ۱۸۱۵ م) مطرح شد. در آن دوران جرائم کودکان و نوجوانان افزایش یافته بود. از آن پس واژه‌ی بزهکاری اطفال در تمام کشورها متداول گردید. این لایحه در سال

۱۸۹۹ به تصویب رسید و به صورت قانون درآمد. همچنین در سال ۱۹۰۹ در شیکاگو سازمان بسیار مهم و ارزشمند ای به نام موسسه‌ی پیسکویاتیک جوانان تاسیس گردید که کار اصلی آن، تحقیق و بررسی در رئیس و سلوک نوجوانان و همکاری نزدیک با دادگاه اطفال شهر شیکاگو بود.

متاسفانه با تصویب قانون اصلاح برخی از مواد قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۶۱ و تشکیل دادگاه‌های کیفری ۲۹۱ حسب رای وحدت رویه قضایی شماره ۶۴/۲/۲۳ دادگاه ویژه اطفال از نظام قضایی حدت و رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان بر حسب نوع و شدت جرم ارتکابی در صلاحیت دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ قرار گرفت.

#### تعريف خانواده :

خانواده دارای انواع گوناگونی است هسته ای ، گستردگی ، ناخوانده و تک والدی اعضای این خانواده ها عبارت است از همسران ، والدین ، خواهران و برادرزادگان که می توانند بر یکدیگر تاثیر متقابلی داشته باشند (آخوندی ، ۱۳۸۱) خانواده به عنوان یک سیستم حمایتی از حساسیت و اهمیت ویژه ای برخوردار است خانواده می تواند به عنوان یک سیستم حمایتی از حساسیت و اهمیت ویژه ای برخوردار باشند خانواده می تواند بعنوان حل مشکلات برای تصمیم گیری و در شرایط بحرانی که هر کدام از اعضای برایشان پیش می آید را مورد حمایت قرار می دهد. از این جهت خانواده توانائی آن را دارد که به عنوان سپری قوی برای فرد در مقابل مسائل ، مشکلات استرس رای خارجی عمل کند و بر عکس اگر خانواده نتواند از افراد خود حمایت کند یا در موقع خودش به عنوان منبع استرس عمل نماید فرد به طور واضح در مقابل استرس حساستر خواهد شد.

خانواده ، در طی سالهای نخستین زندگی کودک براثر تماس نزدیک و دائمی با او، نقش قابل ملاحظه ای در شکل گیری شخصیت و رفتار وی دارد. (قائمه،

(۱۳۶۶)

وقتی رابطه‌ی پدر و مادر حاکی از حمایت و محبت باشد، آنها توان و انرژی ادامه زندگی را دارند و درنتیجه می‌توانند از وجود یکدیگر و بچه‌هایشان بیشتر لذت ببرند. بچه‌هایی که در چنین جوی بزرگ می‌شوند و موهبت گرانبهای نصیبشان می‌شود. یکی محیط خانوادگی استوار و پایدارتر و دیگری برنامه زندگی زناشویی موفقی که باعث می‌شود هنگام بزرگسالی آنها نیز همان را جستجو کنند.

لحن کلامشان، ارزش‌ها و عقاید و انتظارات مشترکی را در اعضای خانواده ایجاد می‌کند. این همان محیط و نحوه ادراهی زندگی است که بر طرحواهه بچه توسط زن و شوهری نقش می‌بندد.

هنگامی که والدین برای هم ارزش قائل شوتد از دیدن هم خوشحال می‌شوند بچه‌هایشان به اهمیت صیمیت بین زن و شوهر پی می‌برند. بچه‌هایی که در خانه‌ای بزرگ می‌شوند که خانواده گستردگی باعث اختلاف بین پدر و مادر است شاید تصور کنند وفاداری اولیه به والدین یا خواهر و برادر طبیعی بوده و پدر و مادر در زندگی یکدیگر در اولویت قرار ندارند. زن و شوهرهایی که از لحاظ عاطفی به هم نزدیک هستند نسبت به احساسات ضعیف در فرزندان خود حساس بوده می‌توانند به آنها کمک کنند بگویند جریان چیست؟ اگر بچه‌هایشان غمگین یا ناراحت باشند، آنها می‌توانند این ناراحتی را درک کرده و سپس به آنها کمک کرده تا به فکر راهی باشند. علاوه بر اینکه با دوستان و هعشاعرگردی

هایشان بهتر کنار می آیند، احتمال کمی هم هست که دچار مشکلات رفتاری یا جسمانی شوند به کارهای مدرسه هم بعهر می رسند. متاسفانه مشکلات ناشی از حمایت پدر یا مادری که در رابطه‌ی زناشویی خود به اندازه‌ی کافی صمیمه‌ی نبوده اند به دوران کودکی ختم نمی شود. این فدایکاری و مسئولیت که هنگامی که به بچه به این ترتیب اتکا می شود در کار است منجر به تاراحتی می شود.

وقتی تجربیات زندگی پیشین جوان به او یاد داده که نسبت به دیگران بی اعتقاد باشد، ترس از صمیمت زیاد با دیگری بیشتر هم می شود. وابستگی به دیگری برای حمایت و ارامش یک حالت آسیب پذیری به وجود می آورد، چون در صورتی که همسر کمک نکند یا نتواند کمک کند بدون شک حالت نامیدی به وجود می آید.

با وجود این بچه هایی هم که می بینند پدر و مادرشان از کمک به یکدیگر مضايقه می کنند وقتی بزرگ می شوند این سوال برایشان پیش می آید که آیا می توانند به کسی اعتماد کنند پاسخگوی نیازهای آنها باشد یا خیر. (جودیت پی سیگل، مرتضی صفوی زاده، محمد فرجیان، ۱۳۸۳، ص ۹۲-۴۳).

خیلی از روان درمانگران معتقدند که عزت نفس اساس بهداشت روانی است.

هایلنز کوهات، روان کاوی که شاخه‌ای از روان کاوی را که تحت عنوان روان شناسی خود شناخته می شود را گسترش داد. با اینکه رابطه بچه با پدر و مادر به طور حتم به احساس خوشبختی او کمک می کند. ولی باز هم نحوه‌ی ابراز احترام والدین به یکدیگر هم هست که بچه‌ها را شدیداً تحت تاثیر قرار می

بچه ها از احترامی که می بینند خیلی آگاهاند. وقتی والدین یکدیگر را تحسین می کنند و سپاسگزار همدمیگر باشند، پیام ارزش را انتقال می دهند که کاملاً بچه آن را دریافت می کند. وقتی پدر و مادر یکدیگر را تحقیر کنند باعث ناراحتی و درگیری بچه می شوند.

خودبزرگسالی که از خود رضایت دارد لازم نیست همسرش را تحقیر کند تا احساس بهتری پیدا کنند. چرا که نتیجه ی چنین واکنشی این است که پدر و مادر هر دو منابع تضعیف شده و مشکل آفرین همانند سازی می شوند. ممکن است عواقب خانمان سوزی برای بچه به دنبال داشته باشد. وقتی والدین به هم بی احترامی کنند، چه عکس العمل هاشان در همان رفتار اویه مشخص باشد. یا در سالهای بعد نمایان شود در هر صورت بچه ها به شدت تحت تاثیر قرار می گیرند.

اثرات منفی والدین به بچه ها :

خودشیفتگی :

اگر کسی که از ضعف خودشیفتگی برخوردار است تلاش می کند به هر قیمتی که شده از آن اجتناب کند و همچنان به دنبال تعریف و تمجید یا قوت قلبش باشد. زندگی را ادامه دهد، بچه هایی که محصول این نوع زندگی اند و وقتی می بینند که والدینشان چرخه ی فراز و نشیب را تحمل می کنند هیچ وقت درست نمی فهمند. که چه چیز زندگی زناشویی را شاد یا غمگین می کند. بچه ها این زندگی های زناشویی غالباً به نظر می رسد مطیع و کامل باشند ولی به خاطر ضعف و عدم موفقیت نهایی شان در حفظ ثبات خانواده دچار ناباروری میشوند.

همین که چرخه های خوب و بد زن و شوهر را نامید و خسته می کند، ظهور غیرمنتظره، اختلاف شدید و فاصله گرفتن زن و شوهر را از هم باعث سردرگمی فرزند می شود. و غالباً این پیام به بچه منتقل می شود که مشکلات طاقت فرسا و کاملاً زیان بار می باشند.

#### دروغ گویی:

وقتی زن و شوهر به دیگری دروغ می گویند به شرایطی که اعتماد براساس آن شکل می گیرد برباد می رود. همسر دروغگو باید هشیار باشد تا دروغش را حفظ کند. چرا موجب تنش و احساس پنهان کاری برای برقراری ارتباط می شود.

#### سختگیری :

شیوه زندگی خانوادگی دیگری که باعث بوجود آمدن مشکلاتی می شود سختگیری است که در آن به اعضاء خانواده فشار وارد می شود. که همانگ با هم احساس و رفتار کنند. این خانواده ها همچنین با میزان بالایی از اضطراب در مورد اتفاقاتی که زمان مخالفت افراد با هم رخ می دهد عمل می کنند.

جريان اضطرابی که مسئله بیان اختلافات را احاطه کرده از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود. بچه های خانواده های سخت گیر وقتی بزرگ می شوند از اختلافها می ترسند چرا که ممکن است درگیری و در نهایت به فاجعه بیانجامد.

#### قدرت:

همین که همسران بتوانند زمینه های اختلاف را شناسایی کنند نوبت به گام بعدی یعنی مذاکره بر سر موانع و تلاش برای رسیدن به یک قطعنامه می رسد.

شیوه ای که یک زوج برای این کار انتخاب می کنند تا حد زیاد متاثر از نحوه ای است که قدرت در این رابطه درک و توزیع می شود. امروزه شمار رو به افزایشی از زوجین تلاش می کنند که قدرت او به جلو را برابر قیمت می کنند به طوری که ممکن است هر کدام از آنها در لحظه ای معین غالب شود.

#### خشونت فیزیکی :

مطالعات تحقیقی نشان می دهد زمانی که والدین قادرند بدون عصیانیت با هم مخالفت کنند بچه های این خانواده یادگیری شان در مدرسه بهتر و اعتماد به نصیبشان بیشتر از بچه هایی است که پدر و مادرشان درباره اختلاف به جزو بحث و دعواهای خصمانه کشیده می شود.

خشونت فیزیکی والدین همچنان به اثرگذاری خود روی بچه ها حتی مدت زیادی پس از ترک خانه ادامه می دهد. این بچه ها وقتی بزرگ شوند به احتمال قریب به تعیین روابط نزدیکی برقرار می کنند، که توام با اهانت است.

#### مجادله :

والدینی که با هم مجادله می کنند مطمئناً مشکلات خود را در وظایف پدر و مادری خود وارد می کنند. تحقیقات نشان می دهد این والدین از بچه های بیشتر ایراد گرفته و بیشتر احتمال دارد که از روش های منتاقض از تربیت فرزندان استفاده کنند. تنشی و مجادله بین زن و شوهر هم اثراتی منفی روی بچه ها دارد.

#### جنگهای سرد:

بچه های کوچکتر حتی نسبت به کوچکترین تنشی موجود بین پدر و مادرشان واکنش نشان می دهند و همان قدر که نسبت مسابقات عربده کشی واکنشی

پذیر هستند به جنگهای سرد هم پاسخ می دهند. اما بچه ها بزرگتر هم دست کمی از آنها ندارند. تحقیقات نشان می دهد نونهالانی که پدرشان درگیر روابطی نه چندان خوب و پر از کشمکش است بیشتر از دیگر همین و سالهای خود در خانواده های مستحکم وابسته بار می آیند. بچه هایی هم که مادرشان گرفتار یک زندگی زناشویی ناموفق است دچار تزلزل شخصیت می شوند. حتی خانم های دانشجو که اخیراً از درگیری والدینشان خبر دادند بیشتر در معرض خطر افسردگی و مشکلات دیگر هستند.

#### میانجی :

بچه ها همچنین از اینکه در خانواده میانجی بشوند آزرده می شوند تا زمانی که والدین داد و قال به راه می اندازند بچه ها تمام تلاش خود را می کنند که این دعوا را متوقف کنند. در خانواده هایی که جروبحث والدین به تعریض فیزیکی منتهی شود بچه ها حتی بیشتر مستعد تلاش برای مداخله هستند. تلاش برای پایان دادن به دعوا کاری است که بچه ها از اینکه مجبور به انجام آن شدند، متنفرند مخصوصاً به دلیل آنکه ممکن است ناگهان مورد هدف خشم والدین واقع شوند.

بچه هایی که در معرض دعواهای پدر یا مادر هستند ممکن است استراتژی دیگری برای حل تنیش و اختلاف موجود در خانواده بیابند بسیاری از بچه ها در می یابند که با مشکل والدین خود را وادار کنند برای کار کردن روی یک دغدغه مشترک موضوع بحث مورد بحث خود را کنار بگذارند. زوجینی که ازدواج مستحکم و تصویر خانوادگی سالمی دارند متفاوت عمل می کنند آنها به جای اینکه اختلافها را انکار کنند آنها را مشتاقانه پذیرفته و شناسایی می کنند اغلب عواقب بزرگ شدن در محیطی یادگیری های مخرب و دائمی تا سال

ها بعد خود را در زندگی بچه به طور کامل نشان نمی دهد. کلمات مثبت، مهر و محبت فیزیکی، دوستی و سپاسگذاری ، و خنده و شوخی انعطاف پذیری گذشت.

### - نقش خانواده در کاهش بزهکاری:

خانواده اولین و بهترین نهادی است که سهم عمده ای در پرورش و فراگیری رفتارهای پسندیده نوجوانان دارد و می توان از عوامل موثر زمینه سازی جرم در آنان جلوگیری نماید. این را نباید فراموش کردن که تذکر بجای والدین موجب شناخت کودک از ارزش‌های اجتماعی، روابط دوستی، احترام به حقوق دیگران، و ادب و نزاكت اخلاقی می شود.

علاوه بر این زمانی که فرزندان الگوها و باورها، اعتقادات منطقی و سالمی، زندگی داشته باشند براحتی می توانند در برابر دشواری ها و نابسامانی های گوناگون ایستادگی کرده و سرتسلیم فرود نیاورند.

### عوامل موثر در بروز جرم در نوجوانان:

از جمله عوامل موثر در این زمینه می توان به بیسوادی، فقر فرهنگی، انحرافات اخلاقی والدین، اشاره کرد. همچنین رواج خشونت و درگیریهای خانوادگی، اعتیاد به الکل، مواد مخدر و .... و تعدد فرزندان و افراد خانواده ، طلاق و از دست دادن والدین ، دیدگاهها و ارزش‌های ناپسند خانوادگی و تبعیض بین فرزندان خانواده نیز می توانند ناخواسته در برابر عمل خلاف فرزندانشان سکوت می کنند . و نوجوان درکی از مفهوم ارزش های اجتماعی و روابط سالم پیدا نمی کنند ( سرهنگ یوسفیان).

محیط خانوادگی اولین محیطی است که فرد در آن رشد می کند و هنجارها را می آموزد علی‌رغم اینکه بسیاری از عوامل در وقوع بزهکاری دخیل هستند اما در گام نخست این خانواده‌ها هستند که نقش تعیین کننده‌ای در سرنوشت اطفال دارند. غالباً والدین این دسته از اطفال و نوجوانان در ارتباط برقرار کردن با فرزند دچار اشکال هستند و نمی توانند به درستی به تکالیف خود نسبت به فرزندشان عمل کنند. دانشمندان با پژوهش‌های اجتماعی، وضع نابسامان محیط خانوادگی را در بروز جرائم تایید کرده‌اند از نظر تحصیلات و مسائل فرهنگی، فرزندان خانواده‌های سطح پایین و متوسط به مراتب بیشتر از فرزندان خانواده‌های روشنفکر در معرض ارتکاب جرم هستند. به احتمال فراوان در آینده‌ای نه چندان دور به طرق مختلف به اعمال ضد اجتماعی دست می زنند. عدم وجود محبت، ارتباطات صمیمه‌ی، از هم گسیختگی خانواده و طلاق و فوت والدین از جمله عوامل موثر می باشد.

#### عوامل اجتماعی :

جامعه‌ای که از یک ثبات و پایداری اجتماعی برخوردار نیست و دائماً دچار هرج و مرج و بی نظمی از قبیل جنگ، شورش و اختلافات طبقاتی، الودگی هوا، جمعیت بالا و ... باشد. قطعاً شرایط و ستر مساعدی برای ارتکاب بزه فراهم می کند و بالعکس.

#### عوامل اقتصادی :

فقر از عوامل اصلی ایجاد بزهکاری است که بعده امکانات نظیر امکانات بهداشتی، خوارک، پوشاش و مسکن باعث می شود نیازهای اشخاص برطرف نشده و موجب تحریک و ترغیب آنها به ارتکاب بزه های مختلف می شود.

## نقش دوستان و همسالان:

از دیگر عواملی در بزهکاری اطفال، دوستی با افراد فاسد و بی بند و بار است. نوجوان اغلب رفتار خود را با الگوهای رفتاری دیگر دوستانش همانند سازی می کند و به شدت از آنان تاثیر می پذیرد. و تایید به دوستان هم سن و سال خود روی می آورد.

## عوامل روانشناسانه:

روانشناسان عوامل گوناگونی را برای بزهکاری اطفال احصا کرده اند بزهکاری با صفات روانشناسانه مختلف و متنوعی همراه است که برخی از آنها عبارت است از هوش کمتر از متوسط، خلق و خوی پرخاشگرانه و.... روانشناسات ثابت کرده اند که بزهکاری نسبت به دیگر افراد به مراتب از عزت نفس پایین تری برخوردار بوده اند. از عواملی که سبب افزایش بزهکار اطفال می شود، می توان به مهاجرت از روستا به شهر و مشکلات مربوط به حاشیه نشینی اشاره کرد. پیشرفت و گسترش وسائل ارتباط جمعی نیز می تواند باشد.

همانطور که در عالم واقع می توان گفت ، عامل مستقیم و مباشر اصلی این نوع جرائم خود طفل یا نوجوان است و عنصر مادی جرم توسط وی واقع می گردد. این عناوین از لحاظ روحی و شخصیتی می تواند تاثیرات زیانباری بر اطفال داشته باشد. و در نهایت رسیدن به جامعه ای مطلوب که نظم و امنیت نسبی و در عین حال عدالت اجتماعی برآن حاکم باشد، در اتخاذ روش مناسب با وضعیت کودکان و نوجوانان تلاش شود، زیرا ممکن است برخورد نسنجیده و غیر

کارشناسانه، نتیجه معکوس به بار دهد و موجب تشدید وضعیت انحرافی و بزهکاری این قشر از افراد جامعه گردد.

### ارکان خانواده :

رکن اصلی خانواده زن و شوهرند که با زناشوئی و قرارداد آئین شرعی و قانونی که پیوند زندگی مشترک را می بندند اما با ورود فرزندان می توان گفت که خانواده تغییر شکل مفهومی یافته و نقش فرزندان از آن در کنار والدین قرار می گیرد. به طور کلی می توان سه نقطه بررسی را در خانواده در نظر گرفت:

زن، شوهر، فرزند

الف: زن ) با وجودی که قدرت بدنی اقتصادی و اجتماعی مرد در خانواده دیده می شود که زن عملاً نقش مدیریت را دارد. ولی در بررسی دقیق و حفظ این عوامل دیده می شود که زن عملاً نقش و قدرت بیشتری را دارا است.

در عرف ها حقوق گوناگون ملی و نظامهای حقوقی در این نقش فرازهایی داشته است.

ب : مرد) برخلاف آنچه معروف است رویهم رفته مرد رکن اصلی خانواده نیست گرچه موقعیت وی در خانواده اهمیت دارد زیرا که ریشه عرفها و جوامع اداره اقتصادی خانواده از محل درآمد و دارائی اوست، دفاع و حفظ امنیت بر دوش مرد است و بروی هم نقش انفعالی او کمتر از زن است.

ج: فرزند) با ورود فرزند بر دائره خانواده حقوقی جدید به وجود می آید و تکالیف و کارکردهایی جدید برای پدر و مادر نیز متولد می شود که با اینستی جزء کارکردهای قانونی به حساب آید مانند حراست از تن و جان و بهداشتی و

سلامت کودک و سواد و علوم و فنون و اخلاق و آداب زندگی و خانوادگی و اجتماعی و از همه مهمتر در ادیانی مانند اسلام که دانش و کار و اخلاق و ایدئولوژی و کار نیک از دین جدانیست و جزء آداب دینی و عبادات شمرده و سبب رضای خدا می شود آشنایی فرزند با دین و آئین الهی است) سید محمد خامنه‌ای)

### ارزش اجتماعی خانواده

با تمام ماهیتی که در برخی فرهنگها به خانواده وارد می شود می توان ادعا کرد که هیچ یک به اندازه‌ی اسلام برای خانواده در جامعه و زندگی فردی و اجتماعی ارزش نگذاشته است. زیرا معیار و اندازه گیری آن اندازه گستره نقش آن است.

در اسلام از دید جامعه شناختی با توجه به کارکرد آن هم بیشتر و هم مهمتر است یعنی هم در کمیت و هم در کیفیت گستردگ است. از این رو می توان از عمق و اهمیت نقش خانواده در اسلام ارزش بالا و والای آن را در این مکتب و آئین جستجو کرد و یافت.

بشر اگر جامعه‌ای سالم و بدور از انحرافات و آسیب‌های اجتماعی و محیطی دور از تبهکاری و جرم بخواهد باید اول به اصلاح ساختار خانواده و تصحیح رفتار والدین و سالم سازی روابط افراد خانواده بپردازد و باید نخست والدین نقش

وظایف خود و خانواده را به خوبی بیاموزند و انجام دهند. (سید محمد خامنه‌ای)

### وظایف اصلی و مهم خانواده

الف) مسائل جنسی: در هر جامعه سعی می شود که مسائل و احتیاجات جنسی به علت نیروی کشنشی زیادی که دارند به صورتی تحت نظارت قرار گیرند.

ب) فعالیت اقتصادی: خانواده در اجتماع سنتی و جوامع روستائی واحدی بود که چگونگی تهییه و تولید خوراک اعضا خود را نظم و صورت می بخشد.

ج) پرورش فرزندان: از نظر زیست شناختی نوزاد آدمی در بدو تولد ناقص و محتاج توجه و مواظبت از طرف دیگران است. خانواده با محیط گرم و صمیمانه ای که دارد به نوزاد آدمی اجازه رشد و پرورش می دهد.

د) دخالت بر دوران بلوغ: یک خانواده هسته ای و محدود میدان عمل و فعالیت نسبتاً کافی را در دوران حیات در اختیار کودک می گذارد. اما به تدریج که کودک بزرگ می شود دایره تنگ محیط خانواده کوچک برایش رضایت بخش نیست و بالاخره وقتی او به سن بلوغ می شد احتیاج دارد که از محیط تنگ خانواده و روابط محدود آن فراتر رود. (دکتر محمد حسین فرجاد، ۱۳۷۲)

اجتماعی شدن و آشنایی با قوانین، نقش ها و ارزش‌های فرهنگی به طور طبیعی در خانواده صورت می پذیرد (وتروگیل ۱۹۷۸، نقل از موسوی ۱۳۸۲) خانواده منتهی یک سیستم است بلکه به عنوان یک زیر سیستم از جامعه انسانی نیز محسوب می شود و عواملی از قبیل نژاد، موقعیت اقتصادی و

اجتماعی، آموزشی، مهاجرت، مذهب و ارتباطات سیاسی و ... بر آن تاثیر می‌گذارد. (کازدو و همکاران، ۱۹۹۵ نقل از موسوی ۱۳۸۲) زیر سیتم زن و شوهری نقطه آغاز شکل گیری خانواده و تاریخچه آن نشان می‌دهد و برای رشد و تکامل کودک حیاتی است.

#### زمینه های انحراف و گجری در خانواده

براساس تحقیقات و مطالعات انجام شده دو عامل وراثت و محیط سهجم بسزایی در میزان بزهکاری دارند. اما سوابق نشان می‌دهد که نه وراثت و نه محیط هیچ کدام نمی‌توانند عامل ایجاد جرم باشند بلکه زمینه ارشی خود همراه با خصوصیات خلقی و محیطی و تاثیری که افراد دیگر در زندگی انسان دارند می‌توانند سبب بوز جرم باشد. عموماً به واسطه اختلافات شدید عاطفی دچار این حالت هستند.

هیجانهای موجود در خانواده بدون شک در کودک ایجاد اضطراب و تشویق می‌کند به طور کلی گاه این احساس در کودک خانواده های پر اولاد به وجود می‌آید که ناخواسته هستند) محمد حسین فرجاد (۱۳۷۲)

#### آشفتگی در خانواده :

##### - مواجهه با مشکلات خانوادگی در اوایل زندگی

یک محیط آشفته در خانواده که همراه یا قوانین ناپیوسته، نقشهای نامشخص و نبود آداب و رسوم منظم می‌تواند زمینه را برای تحول مشکلات روانشناسی من جمله مشکلات سلوک فراهم نماید) کازدین (۱۹۹۵)

چنین خانواده های نابسامان از وجود مهارت های ارتباطی و نیز حل مسئله موثری بی بهره اند، غالباً مشکلات چندگانه ای داشته و از یک بحران به بحران دیگر بعدی می رسند. ولذا جو مناسبی برای پژوهشی دلبستگی ایمن در کودکان و یا اعمال سبک والد گری مقتدرانه که بتواند تامین کننده نیازهای آنها باشد نیستند. (کار ۱۹۹۹)

### - مشکلات مربوط به والدین:

وجود مشکلات در سازگاری والدین از قبیل افسردگی، سوء مصرف الکل یا مواد نیز درگیری و جرم و بزهکاری، ممکن است آسیب پذیری نسبت به مشکلات روانشناسی را به نوجوانان منتقل نماید.

دلیل اول این است که چنین مشکلاتی می تواند توانایی والدین را برای ایجاد روابط مبتنی بر دلبستگی ایمن فراهم کردن محیط مناسب برای تحریک هوش فرزندان و نیز وادگری موثر و کلامد تضعیف نماید.

مثال: مشخص شده که مادران افسرده، در تفسیر نشانه های شنیدگی نوزاد خود و به تبع آن پاسخدهی مناسب و سریع که در خدمت وابستگی ایمن وی باشد مشکلاتی دارند. پدران مبتلا به مشکلات سوء مصرف الکل و نیز مواد غالباً یک نقش حاشیه ای در زندگی خانواده دارند که تاثیر آنها را در فرایند های والدگری به حداقل می رساند.

دلیل دیگر نیز بر فرایند سرمشق و شکل دهی غیر عمده و نیز تقویت نهفته است. به این ترتیب و از طریق همین فرزندان این خانواده ها ممکن

است نظام باورها، الگوهای رفتاری، مکانیسمهای دفاعی با والدین خود را یادبگیرند و به کار ببرند.

### اعتیاد و علل آن:

اعتیاد از جمله مسائل جهان امروز می باشد که سلامت میلیونها انسان را به شدت تهدید می کند گرایش به اعتیاد و مواد مخدر از آسیبها یی است که انسان را نسبت به معنویت و فرهنگ اجتماعی بیگانه می سازد و موجبات انحطاط و فروپاشی زندگی فردی و حیات جمیع را فراهم می آورد. اعتیاد بیشتر دامنگیر بزرگسالان بوده و جوانان و نوجوانان به آن رو نمی آورند. اما در اوایل دهه ۱۹۷۰ استفاده از مواد مخدر به طور ناگهانی در میان جوانان و نوجوانان شایع شد بنابراین این مسئله بایستی به صورت جدی مورد بررسی قرار گیرد.

### نتایج :

اعتیاد علاوه بر پیامدهای اقتصادی و مالی سنگین، سلامت جسم و روح جامعه را با خطرات جدی روبرو می سازد با توجه به اینکه اوقات فراغت و بیکاری نوجوان و جوان یکی از عوامل گرایش به اعتیاد باشد. بایستی برای اینکه اوقات برنامه ریزی صحیح انجام شود و با فراهم کردن وسایل تفریحات سالم اوقات فراغتش را به خوبی پر کرد.

محیط بی صفای خانوادگی : فقر فرهنگی از نقطه نظر تربیت فرزندان، خستگی روانی، بی مهری، خشونت جدال دائمی بین پدر و مادر، بی نظمی آنان، عدم تعادل روانی ، اعتیاد و قمار موجب می شوند که این گونه والدین را فاقد اهلیت برای تربیت کودک بشناسند.

پدر پریشان خاطر و قادر به تامین ننان عائله سنگین خود نیست، مادر کدبانو نیست و از فن خانه داری بی بهره است، هر دو فرزندان خود را به حال خود و می گذارند که به ولگردی و دزدی بپردازنند. فقر مصنوعی و عدم اهلیت تربیتی خانواده از عدم تعارض روانی والدین نیز ناشی می شود زیرا ۳ درصد بزهکاران متعلق به چنین خانواده هایی بودند. (امیر ملک محمودی الیگودرزی، ۱۳۸۳) والدین معتاد)

وقت و انرژی زیادی در خانواده به طور بیهوده صرف نجات جان معتاد می شود که این امر موجب می شود که وقت و توجه اندکی برای نیازهای اساسی بچه ها باقی بماند. این گونه کودکان احساس می کنند دیده نمی شوند و به اصطلاح نامرئی هستند. در مقابل بچه هایی که خود را ناچیز می دانند از خانه می گریزند. و کاری را درست انجام نمی دهند.

در صورتی که حقیقت وجودی آنها آن نیست. که نشان می دهند. در حقیقت هر دوی این گروه به جایی نمی رسانند و نتیجه زندگی برایشان نامفهوم و بدون هدف خواهد بود. اگر بچه های گروه دوم در بزرگسالی هم بهترین خواهند بود ولی مانند دونده خسته و مریضی هستند که از ابتلای بی جهت در آن مسابقه شرکت کرده اند و در وسط راه خواهند ماند.

دروغ و کارهای سری در چنین خانواده هایی امری عادی است و برای بچه ها سردرگمی ایجاد می کند. کودکی که در چنین خانواده ای پرورش می یابد مرتب بازید راجع به احساس و افکارش دروغ بگوید وقتی بزرگ شد فکر کند همه نسبت به گفته های شک و تردید دارند از کودکی اعتماد به نفس نداشته و از خود خجالت می کشد.

رفتار افراد الکلی هر ساعت بسته به حالتان تغییر پیدا می کند. عیوب جویی را وسیله‌ی کنترلشان قرار می دهند بنابراین اهمیت ندارد که بچه چه کاری انجام می دهد آنها نکته‌ای برای ایرادگیری پیدا می کنند. در حقیقت آنها با این کار سعی می کنند خود کنترل را به دست گیرند و بی کفایتی و ضعف خود را پنهان سازند. کلمات توهین آمیز تصویر منفی در ذهن کودک ایجاد می نماید که شخصیت او را پایین آورده و در زندگی آینده اش اثر می گذارد. والدین از کلمات یا جملات مخرب که ممکن است مستقیم یا غیر مستقیم باشد بر روح بچه و اینکه چه اثر سویی بر شخصیت و آینده او می گذارد بیخبرند. بلوغ جنسی کودک برای والدین نامن، تهدی کننده است. مادر حساس می کند کم کم زیبائیش را از دست می دهد و دخترش را رقیب خود دانسته و سعی می کند او را مخصوصاً جلوی شوهرش تحقیر نماید. پدر بزرگ شدن پسرش را تهدیدی برای مردانگی و قدرت خود می داند او بر این باور است که در خانه باید فقط یک مرد باشد بنابراین پسرش را مورد استهzae قرار می دهد. با بسیاری از این گونه والدین نیز در گذشته به صورت رقیت برخورد شده والدین گمان گر نیز انتظارات بی حد و غیر ممکن از فرزندان خود دارند. این کودکان بایستی کارها را کامل و بدون نقص انجام دهند و گرنه تحقیر یا تنبیه می شوند. بدترین جمله ویرانگر و تخریب کننده دنیای بچه این است که : ای کاش هرگز به دنیا نیامده بودی. تمام دنیای کودک پدر و مادرش هستند. حرف آنها جهت است اگر آنها نظر منفی نسبت به بچه هایشان داشته باشند پس بدان معنی است آنها بد هستند. این کلمات جزء خصایص ذاتی او نیستند بلکه می تواند آنها را از ذهن خود

پاک کند و کلمات زیبا و سازنده ای مانند، عشق، دوستی و... را جایگزین نماید. دلیل آن است که یا والدین هنگام خشم خود دیوانی پیدا کرده و نمی توانند خود را کنترل و یا این نوع تنبیه را روشی برای تربیت می دانند.

تنبیه بدنی در بعضی از کشورها غیر قانونی شده است. بعضی از ما گاهی بچه هایمان را تنبیه بدنی کرده ایم اما این کارگاهی به خاطر عمل نادرست بچه است و گاهی به خاطر اصرار. فشار روحی و ناراحتی های شخصی ماست.

والدین ناسالم:

در خانواده های سالم پدر و مادر فشارهای زندگی را با ارتباط آشکار و تفاهم حل می کنند و در صورت لزوم از نظر دیگران کمک می گیرند. ولی والدین ناسالم نسبت به هر ناراحتی واکنش نشان می دهند. در حالی که خانواده های سالم این احساس را نشانه ای ارتباط و پیوند خانوادگی بوده و نفوذ پدر و مادر در این خانواده ها نیز مشاهده می شود ولی در خانواده های ناسالم شدت واپسیتگی بیش از حد تصور می باشد.

اغلب تصور می شود که اگر شخصی از خود دفاع نکند در چشم طرف مقابل ضعیف جلوه می کند در صورتی که این طور نیست و حفظ ارامش نشانه‌ی قدر تمدن بدون شخص است.

موقعی که والدین بجهه را تنبیه بدند و حرفهای نادرست می‌آزارند چون این جراحات قابل لمس بوده توجیه آن توسط شخص از ار رسیده اسان است و در نتیجه یافتن راه حل، چندان مشکل نیست.

اثر جراحات روحی که به دلیل انجام ندادن وظایف والدین و یا نگفتن بعضی حرلفهایی که به آنها نیاز داشته و لی دریافتیشان نکرده می باشد. بسیاری از این والدین خودشان آنقدر دارای مشکل هستند که نیاز به دلسوزی دارند اغلب مثل بچه های بی پناه یا فاقد مسئولیت رفتار می کنند و فرزندانشان احساس می کنند باید از آنها حمایت نمایند.

انرژی بیهوده مصرف شده ای که به واسطه ای والدین ناسالم سالهای قبل تقریباً تخلیه شده بود دوباره به دست خواهد آمد به شما کمک می کند تا بیشتر در مورد کارهایتان احساس مسئولیت کنید و بیشتر به خود عشق بورزید.

( سوزان، فوروارد، مترجم، مینو کسائیان، ۱۳۷۸، ص ۱۹ )

خانواده نقش اساسی در گرایش جوانان به اعتیاد دارد، چنانچه فضای عاطفی اعضای خانواده حالتی سرد، بی تفاوت و وابسته داشته باشد زمینه برای رفتارهای مخاطره انگیزی نظیر مصرف مواد مخدر فراهم می شود رفتارهای پرخاشگرانه والدین نسبت به فرزندان ممکن است به واکنشهای نامناسبی نظیر مصرف مواد مخدر از طرف فرزندتن منجر گردد. بنابراین زمینه خانوادگی می تواند شرایط لازم را جهت مصرف مواد مخدر در جوانان به وجود آورد زیرا اعتیار امری قابل یادگیری است و فردی که در خانواده معتاد پرورش یابد احتمال بسیاری دارد که معتاد بشود.

بعلاوه نبود اشتراک مساعی و همکاری و اتخاذ روابط صمیمی در خانواده موجب محرومیت‌هایی می شود که فرد را آماده پیوستن به فرد و فرهنگ اعتیاد می گرداند. بعلاوه توهمات و باورهای غلط نسبت به سودمندی و بی خطر بودن مواد مخدر در گرایش جوانان ایران به اعتیاد موثر است. ( دکتر حبیب احمدی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۰ )

## اثرات تربیت افراطی

مراقبت زیاد از بچه و محبت بی مورد نسبت به او مانع رشد طبیعی وی خواهد شد بچه ای که مورد محبت بیش از حد پدر و مادر است بیشتر وقت خود را با ایشان به سرمی برد و نمی تواند با بچه های همسن و سالش آمیزش کند. در نتیجه رشد اجتماعی او عقب می افتد. اولین موسسه ای که فرد را به زندگی آشنا می سازد خانواده است. در خانواده بچه متوجه موسسات اجتماعی می شود با اینکه مطالعه در مدرسه بچه را به طور علمی و منظم با موسسات اجتماعی و نقش آنها در زندگی یک جامعه آشنا می سازد.

معذالک تمایلات مذهبی خانواده افکار و عقاید اجتماعی آنها، ایده آلهای آنها، نظر آنها به احزای سیاسی و ارتباط آنها با موسسات مختلف درستگی و علاقه بچه به اینگونه موسسات تاثیر فراوان دارد) محمد حسین فرجاد، (۱۳۷۲، ص ۱۳۷۲

## طلاق :

یا اینکه طلاق به حکم ضرورت برای اجتناب از مخاطراتی پذیرفته شده است معهداً چون از عوامل گسیختگی و پاشیدگی کانون خانواده است به ناچار عواقب اجتماعی آن را باید انتظار داشت. زیرا طلاق در نظر جرم شناسان در وقوع بزه بی تاثیر نیست . اثر طلاق در فرزندان بسیار شدشده است و عقده هایی غیر قابل تحمل و توام با نفرت در آنان به وجود می آورد.) محمد حسین فرجاد، (۱۳۷۲، ص ۵۴)

هر فرد در هر گروه سنی که باشد در ارتکاب رفتار انحرافی عقلانی می اندیشد و عواقب رفتار خود را می داند بنابراین نباید هیچ تهمایری بین میزان مجازات جوانان و بزرگسالان در شرایطی که نوع و شدت رفتار انحرافی آنها مشابه است قابل شد.

براساس نظام قضایی کیفری بیشتر کشورها، بزرگسالانی که قوانین مكتوب و مدون جامعه را نقض نمایند مجرم شناخته شده و پس از انجام مراحل محاکمات قانونی با حکم دادگاه در زندان نگهدای می شوند.

معمولاً در زندان بر مجازات مجرمان بیش از بازپوری آنان تاکید می شود. جرایم تخلفات کوچک (تخلف ترافیکی) تا تخلفات عمده (نظیر قتل) قابل رتبه بندی است و مجازاتهایی که برای جرایم مختلف در نظر می گیرند نیز متفاوت است. مجازات برخی دیگر نیز سنگین تر است و برخی دیگر از جرایم تنها، به پرداخت جریمه نقدی منتهی می شود. (حبیب احمدی، ۱۳۸۴، ص ۱۲ و ۱۷)

مسؤولیت سرپرستی دادگاه های کیفری و تجدید نظر استان تهران که به عهده محمد علی ابراهیم خانی بود به دو بخش تجدید نظر - با مسئولیت ابراهیم خانی و کیفری تقسیم شد که رئیس حوزه ریاست و معاون قضایی دادگستری تهران با حفظ سمت به عنوان سرپرست دادگاه های کیفری فعالیت خواهد کرد. ابراهیم خانی می گوید به دادگستری تهران پیشنهاد کردم که تا دادگاه های کیفری استان زیر نظر حسن لطفی قرار گیرد.

نجفی توانا:

به جای دادگاه پلیس تحصیل کرده و آگاه ویژه کودکان تربیت کنیم.

یک مدرس دانشگاه با تاکید بر تشکیل پلیس قضایی متشكل از خانم ها عنوان

کرد، به جای اینکه برای اطفال دادگاه بسازیم پلیس تحصیل کرده و آگاه

تربیت کنیم که برای رفع مشکل اطفال با حضور شاکی فصل خصومت کنند.

زیرا با ورود طفل به سیستم قضایی برچسب سرقت و آدم ربایی آنها زده می

شود.

دکتر نجفی اظهار داشت که در سالهای اخیر بحث کودکان و نوجوانان مورد

اشاره و بیان قرار گرفته اما در عمل این اشاره از جامعه یکی از مظلوم ترین

گروه ها هستند.

این استاد دانشگاه با بیان این مطلب که امروزه بحث هایی از قبیل اصلاح

مجرم، مجازات های جایگزین حبس، تدوین آئین نامه های مختلف و تشکیل

پرونده شخصیت مطرح شده اما باید پیش از حادثه اقدام کنیم.

این وکیل دادگستری با بیان این که در لایحه رسیدگی به جرایم اطفال واقع

گرایی بیشتری شده است اظهار کرد: سیاست جنایی قضایی ما تا سال ها از

قانون مجازات تبعیت می کرد. اما به دلیل تجارب ناشی از آزمون و خطابه این

نتیجه رسیدند که این سیاست کیفری موفق نیست و نمی تواند اطفال بزهکار را

قانون مند کند و باید به دنبال چیزهایی علمی باشیم.

تعداد تکرار کنندگان حرم در کشور بالای ۵۰ درصد است و در اکثر استان ها

برای مجرمان پرونده شخصیت تشکیل نمی شود و مددکار نیز وجود ندارد که

در نتیجه زندان به محلی برای نگهداری تبدیل شده است. وی با اشاره به اینکه

۹۰ درصد بزهکاری ها ریشه در ضمیر ناخودآگاه دارد گفت: در چنین شرایطی

باید به بحث عدالت کیفری کودکان نگاه جدیدی شود و درباره اطفال باید

سیاست افتراقی، جنایی داشته باشیم و نباید برای اطفال و نوجوانان جرم محسوب شود.

او می گوید که سیستم قضایی باید برای اطفال، سیستمی منعطف و متخصص باشد، خاطر نشان کرد: مدرسه قضایی اطفال باید داشته باشیم و قضاط رسیدگی کننده به پرونده اطفال باید در مقطع دکترا با فوق تخصص تحصیل کرده باشند.

در زبان فارسی ضرب المثلی به این مضمون «کار را باید به کاردان سپرد» همگان این ضرب المثل را شنیده ایم و به جرات به آن اعتقاد داریم مثلاً وقتی اتومبیلی روشن می شود و صدایی می دهد مالک آن را برای تعمیر به تعمیرگاه می برد مکانیک بعد از بازدید اعلام می کند رفع صدا در تخصص من نیست و پیش فلانی که متخصص است ببرید.

در دستگاه قضایی نیز ملاحظه می کنید که تقسیم بندهایی وجود دارد مثلاً تعداد قضاط پرونده های کیفری، تعدادی دیگر پرونده های حقوقی و تعداد دیگر امور حسبی و... را رسیدگی می کنند. خود دستگاه نیز این تقسیم بنده را قبول کرده است.

پس نتیجه می گیریم تخصص حرف اول را می زند. کمیته یک گروه نظامی - انتظامی مردمی بود که بعد از انقلاب اسلامی به وجود آمد و اعضای آن فاقد درجه نظامی بودند مانند نیروهای بسیج. اخیراً نمایندگان مجلس در خصوص تشکیل پلیس قضایی رای منفی دادند. و اعلام کرد که هدف از تشکیل پلیس قضایی این است که تمام زحمات دستگاه قضایی و شعبه دادگاه که تشکیل شده از قاضی، مدیر دفتر، بایگانی ثبات تکمیل می شود یعنی وقتی رایی صادی می

شود حقی برقرار نشده است. وقتی رای دادگاه اجرا شود آن زمان احقاق حق شده است.

در تایید وجود پلیس قضایی باید گفت: که هم اکنون در نیروی انتظامی پلیسی به نام پلیس اجتماعی وجود دارد، چرا در تمام ارکان دستگاه های دولتی اصل تخصصی بودن را قبول داریم ولی در خصوص تشکیل پلیس قضایی شتابزده تصمیم می گیریم پس بیاییم فارغ از هر زنده باد و مرد باد دست در دست هم بدھیم. ( و کیل پایه یک دادگستری) الگو پذیری فرزندان از خانواده به ویژه ای از والدین مورد تاکید همه روشناسان و جامعه شناسان است. البته ناگفته نماند که تاثیر والدین بر فرزندان فقط به آثار مشبی محدود نمی شود و پیامدها و عوارض منفی در این زمینه مشاهده می شد. امروزه دانشمندان مختلفی از جمله کوهن معتقدند که توسعه و افزایش روز افزون جرم و بزهکاری نوجوانان در امریکا حاصل تغییر و تحولی است که در خانواده های امریکایی روی داده است. جرم شناسان از عوامل مهم اجتماعی جرم، خانواده را ذکر می کنند. از عوال موثر بر بزهکاری کودکان و نوجوانان از هم گسیختگی خانواده است. غالب کودکان بزهکار متعلق به خانواده های متلاشی هستند. براساس آمار موجود ۳۰ تا ۸۰ درصد دلیل مجرم شدن کودکان به واسطه متلاشی شدن خانواده آنان است. رفتارهای خشن والدین نیز از عوامل سوق دهنده کودک به بزهکاری است. لغزش و جرم والدین از بابت بد آموزی و تقلید کودک و احساس شرم سازی فرزندان عامل مخربی در تربیت فرزندان محسوب می شود. سه عامل اصلی بزهکاری نوجوانان، خانواده، مدرسه و اجتماع است. پیشینه زندگی نوجوانان

بزهکار تاریخچه ای مبنی بر بدرفتاری شدید و سهل انگاری والدین را آشکار می نماید.

خانواده را با بزهکاری کودکان نشان داده است. بسیاری از بزهکاران متعلق به خانواده هایی هستند که در آنها از محبت و تفاهم اثری دیده نمی شود و اغلب از گروه خانواده های از هم پاشیده هستند.

**غفلت والدین در تربیت کودکان**  
غفلت والدین در تربیت کودکان خود، اغلب با رفتار جنائی والدین در یک ردیف است و بی گمان در اغلب محله های فقیر نشین بیشتر از محله هایی که در آن طبقات متوسط زندگی می کنند. غفلت والدین به چشم می خورد. کودکی که دچار غفلت والدین خود می شود در اثر تماسهای که با اشخاص ناباب می گیرد از رفتار جنائی آنان پیروی می نماید.

**خودخواهی و استبداد والدین در انضباط و تربیت فرزندان**  
ذفوذ قدرت پدر و مادر در فرزند به وسیله مهر و محبت و خشونت تامین می شود با علم به این موضوع که کودکی همیشه خواهان مهر و مودت است پی خواهیم یرد که تا چه اندازه خشونت و قهر موجب انحراف او از مسیر عادی می گردد. برای جلوگیری از ایجاد محرومیتها و بیماریهای روانی باید به سورهای گوناگون او به ویژه عاطفه و محبت فرصت تجلی در عواطف را جریمه دار نساخت. شاید تاکید والدین در اطاعت کورکرانه کودک ناشی از این نکته فریبنده باشد که بچه مطیع برای والدین کمتر دارد سر دارد.

**بی تفاوتی و بی توجهی پدران و مادران در انضباط و تربیت فرزندان**

در این گونه خانواده ها فرزندان اگر زوی نمی شوند ولی در عوض جهت هم نمی بینند و پدر و مادر را حامی و پشتیبان نمی یابند لاجرم رو به جای می آورند که به آنها محبت ورزند و از حمایت خویش برخوردار سازند.

اغلب اطفالی که به سوی انحراف می گرایند از خانواده های بی مهر آمده اند. کودکانی که کانون خانوادگی خود را از نظر عاطفی بیفروغ می یابند اثری از مهر و محبت نمی بینند کششی برای کمک به یکدیگر در آن سرداخنه ها وجود ندارد به سوی مراکزی کشانده می شوند.

#### فرزند ارشد خانواده:

این چنین فرزند مدتی کم و بیش طولانی در شرایط یگانه فرزند خانواده به سر می برد دوم از تحت حکمفرمایی و کبیریائی خود فرود می آید و از آن وضع دردانگی خارج می شود شدیدترین تعارضهای هنگامی پدید می آید که والدین با رفتار نسنجدیده خود فرزند نوزاد را رقیبی برای فرزند ارشد جلوه گر سازند این باعث ایجاد مشکلات عمیق می گردد. (دکتر مهدی کی نیا، ۱۳۷۳)

#### کوچکترین فرزند خانواده :

آخرین فرزند در یک موقعیت پیچیده قرار دارد. مزایای فرزند ارشد را ندارد ولی از جهات دیگر مزایایی دارد همیشه کوچکترین طفل خانواده ممکن است در زندگی خود با مشکلات واقعی رویه رو می شود زیرا به علت حمایت فوق العاده فردی لوس و نسر و بی انضباط بار می آید.

#### تأثیر مسکن خانواده در بزهکاری نوجوانان:

اگر کانون خانواده در منطقه ای قرار گرفته باشد که بروز بزهکاری در آن فراوان باشد احتمال برخورد با بزهکاری نسبت مستقیم با فراوانی آن دارد. زندگی در یک موسسه برای بسیاری از کودکان در جامعه نوین امروزی دنیا یعنی فقیدان کامل کانون خانوادگی، اقامتگاه خانوادگی در شکل دادن شخصیت بزهکار نمی تواند او را از تاثیر همسایگی و اطرافیان باشد پس جای تعجب نیست که ۰ مجتمعه ساختمانهای بزرگ توجه جرم شناسان را به خود جلب نماید(کشتان، در جمله های علوم جنایی ۱۹۶۷ ص ۱۹۱)

#### تاثیر کار پدر و مادر در خارج از منزل به خصوص مادر:

اغلب مادرهای امروز که هم کار خارج از منزل دارند و هم باید به کارهای منزل برسند آن قدر خسته و فرسوده اند که فرصت و یارای رسیدن به فرزندان خود را ندارند. پدرها که وضعشان از مادران بدتر است آنها وقتی به خانه می رسند حتی حال نگاه کردن به بچه های خود را ندارند چه رسد به این که با آنها بازی در چنین مواردی این بچه ها تقریباً همه دچار بیماری قرن هستند. یک نوع سستی و بی حسی و داشتن روحیه ای خسته و کسل و جسمی ناتوان.(دکتر مهدی کی نیا ۱۳۷۳).

#### از هم پاشیدگی کانون خانواده:

از هم پاشیدگی سازمان اصلی خانواده ضربت مشکلی بر سعادت آینده فرزند و اجتماع اوست قولی است که جملگی بر آنند. تغییراتی که در اوضاع و شرایط خانوادگی براذر مرگ والدین یا یکی از آنها و طلاق پدید می آید تاثیری عظیم و عمیق در بزهکاری کودکان آن خانواده از هم پاشیده دارد.

بررسی دقیق علمی تاثیر از هم پاشیدگی خانواده های خیلی دیر آغاز گردیده است اینگونه پژوهش و ارزیابی کیفی و کمی تاثیر پاشیدگی کانون خانواده، مدت‌ها پس از تکوین جرم شناسی به مفهوم علمی کلمه مورد عنایت روانشناسان و بزه شناسان قرا گرفته است.

زندگی صحیح اجتماعی را در کانون محبت خانواده می توان آموخت. آن کس که بتواند از مسئولیت خانوادگی را تقبل نماید و تکالیف آن را با شور و شعف پذیرا باشد خواهد توانست از عهده‌ی مسئولیت گسترشده تر و سنگین تر اجتماعی برآید.

#### طلاق و اثر جرم زائی آن:

تفرقه و جدایی بین زن و شوهر کاری زشت و از هر کار زشتی توانست زیرا مصائب آن دامن گیر دیگران می شود. کودکان را می آزارد و اغلب آنان دچار جراحات عاطفی می گردند و از این رو موجبات خسaran اجتماعی را فراهم می سازند. اثر طلاق در روی فرزندان متعلق به کانون از هم پاشیده بسیار شدید است. عقده ای غیر قابل تحمل و توأم با نفرت در آنان به وجود می آورد که شدیدتر از وضع یتیمی است. طبق بررسی دکتر تیم دوگریف استاد مدرسه علوم جنائی، یک نسبیت مستقیم احتمالی بین علی که موجب طلاق می‌شود و تبهکاری بزرگسالان وجود دارد، و یک نسبت طبیعی بین این طلاق، و تبهکاری بزرگسالان نیز مورد تایید است.

#### یگانه فرزند خانواده:

روانشناسی یگانه فرزند خانواده در بسیاری از موارد واجد اهمیتی خاص است. از یک سو مراقبت و کلیه اشتغالات ذهنی او حواس والدین متوجه کودک دردانه و نازپرورده است از دیگر سو چنین کودکی در کنار خود نه رفیقی دارد و در برابر خود نه رقیبی درنتیجه نسبت به سایر کودکان بیشتر احتمال دارد که ترس و

مضطرب او پریشان حال برآید. این چنین کودک فاقد استقامت و نیروی بردباری خواهد شد.

نازپروردگان و عزیز دردادنه ها در بزرگسالی برخلاف انتظار و منافع جامعه گام بر می دارند و افرادی خودخواه و متصدی و متجاوز خواهند بود. افرادی کج خلق، کینه جو، عجول، پرتوقع و خودخواه، بیکار، طفیلی، حسود، ترسو، درونگرا، نومید و ناکام، کینه توزو استیلاطیب، بی وجدان فردایند.

کثرت اولاد در بزهکاری:

کثرت اولاد از نظر اقتصادی خانواده ها را با دشواریها روپرور می سازد. پایین آمدن سطح زندگی، با فقر گریبان گیر بودن، موجود اضطراب و نگرانی و تشویش خاطر در فرزندان است این گونه فرزندان در خانه احساس آسایش و آرامش نمی کنند در ادامه تحصیل و انجام دادن تکالیف خود توفیق نمی یابند. و این امر به گونه ای دیگر عقب افتادگی آنان را دامن می زند. سوء تغذیه، ضعف بنیه، ابتلای بیماریها و عقب ماندگی زمینه را برای پیدایش عقده حقارت فراهم می سازد. رابطه این عقده و تیهکاری مسلم است.

خانواده نابسامان تحت تاصیر علل فردی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شکل می گیرد.

علل فردی:

علل فردی را می توان در ابعاد کمبود مهرورزی، افراط در مهرورزی، طرد و تبعیض و سرانجام سردی در روابط بین فردی و خانوادگی موازین غیر اخلاقی بین فردی و بی بندوباری های فردی، درگیری های فردی و سرانجام تربیت نادرست،

خشونت فردی و درگیری بین افراد، کمبود عدم ارضای جنسی، نفرت از همه، انتقام جویی و فریب از دیگران از علل این نابسامانی می باشد.

#### علل خانوادگی :

ریشه خانواده نابسامان را باید در بی نظمی های خانواده سردی در روابط بین افراد خانواده، از یک سو و اختلالات زناشویی و درگیریها در سطح خانواده از سوی دیگر حساب آورده و اتخاذ روشهای نادرست تربیتی در خانواده و شخصیت اعضای خانواده از علل خانواده نابسامان محسوب می شوند. خانواده واقعی در بستر اجتماعی شکل می گیرد و از نابسامانی های آن متأثر است.

#### علل اجتماعی :

از علل اجتماعی خانواده نابسامان، می توان محیط و منطقه زندگی خانواده، مسکن نامناسب و محل استقرار آن مهاجرت و پدیده حاشیه نشینی صحبت کرد. کمبود نیازهای زیستی مانند شغل و نیز امنیت اجتماعی محرومیت از تفریح سالم و جمعی و پایین آمدن سطح اجتماعی خانواده و محرومیت خانواده از فضای سالم اجتماعی جامعه پذیری منفی و آسیب زا بودن جامعه، یاد کرد.(همان منبع، پیشین ۷۵).

#### علل فرهنگی :

از علل فرهنگی اجتماعی خانواده نابسامان می توان از نظام ارزش و اخلاقی و دینی خانواده موازن غیر اخلاقی و بی بندوباری ها و نابهنجاری های خانواده و نبود اعتقادات عمیق دینی و پایبندی به اصول دینی، بستر فرهنگی محیط و منطقه زندگی آن در خانواده نام برد.

#### علل اقتصادی:

از علل اقتصادی خانواده نابسامان می توان از فقر و ناپراوریهای اجتماعی و تضاد شکاف طبقاتی سطح درآمدهای خانواده نام برد. احساس محرومیت اقتصادی سبب نارضایتی در افراد خانواده می شود. از عوامل موثر در نابسامانی خانواده علاوه بر موارد ذکر شده می توان از هم گسیختگی خانواده را نیز بیان نمود.

از هم گسیختگی یا تزلزل در اثر شرایط خاص حاصل می شود که به شرح زیر می باشد.

#### فوت والدین:

تغییراتی که در اوضاع و شرایط خانوادگی براثر مرگ والدین یا یکی از آنها پدید می آید تاثیر عظیمی در بزهکاری و گرایش به انحراف فرزندان دارد. اگر مادر نباشد نوجوان احساس کمبود نموده و عواطف ناخوشایند در او ایجاد می شود، که عامل مهم ایجاد آسیب به شمار می رود. (کی نیا، ۱۳۷۳، ۷۰۲)

از دست دادن والدین و جانشینی آن با نامادری و یا ناپدری موجب جنایت ها و وقایع تلخی می شود. کمبود محبت مانند دمل چركی پنهانی است که اندکی دیرتر سرباز خواهد کرد و ارتکاب جنایت، اغلب به منزله رهایی از چنگال یک عقده رنج آور و گشودن آن است.

#### غیبت والدین

امروزه در اکثر جوامع به علل مختلف والدین مدت زمان کمی را با فرزندان خود سپری می کنند، مشکلات اقتصادی و مشغله های زیاد و نیز تا حدی کم توجهی و بی تفاوتی والدین به فرزندان باعث می شود که فرزندان بیشتر وقت ها را دور از والدین بگذرانند. دختری که به علت غیبت والدین، از یک سو نیازهای عاطفی و روحی او برآورده نشده و از سوی دیگر کنترل و مواظبت لازم از او بعمل نمایید،

در حالیکه با توجه به شرایط روحی و سنی شدیداً به آن نیازمند است. ممکن است برای پر کردن خلاصه های عاطفی و سرپوش گذاشتن برمخوبیت های خود، ناآگاهانه به طرف محیط ها و افراد ناسالم و ناباب کشیده شود(باقری، ۱۳۸۱، ۲۶) گاهی فرزندان به اقوام و آشنايان متولی می شوند و این مسئله تنها در صورت صالح بودن دوستان و اطرافیان احتمال انحراف کودک یا نوجوان را کمتر می کند؛ اما اگر چنین نباشد او گرفتار افراد ناصالح می شود و زنان و دختران فراری را به عنوان اعضای جدید وارد مجتمعه خود می نمایند.

بیشترین فعالیت های غیرقانونی که قربانیان خشونت خانوادگی به آن دچار می شوند جرائمی از قبیل خود فروشی و جرائم جنسی ، کلاهبرداری ، شرکت و یا معاونت در سرقت و عضویت در باندهای کلاهبرداری و قاچاق مواد مخدر آن می باشد.(کات بزر، ۱۳۷۴، ۱۹۸)

بزهکاری نوجوانان و جوانان همواره مورد بحث مجتمع مختلف بوده و راه حلها یی برای آن پیشنهاد شده است دوره نوجوانی به خاطر تحولات بلوغ و ارزشها و بحران هویت مرحله ای است که در آن بزه بیشتر اتفاق می افتد. حداقل سن بزهکاری در جوامع مختلف فرق می کند. حداقل سن در امریکا ۳۷ سال، انگلستان ۱۰، یونان ۱۲، فرانسه و لهستان ۱۳، اتریش و آلمان و ایتالیا ۱۴ سال است. نوع بزه در جوامع مختلف متفاوت است در قاهره جمع کردن ته سیگار بزه محسوب می شود و از جمله خطاهای شهر لوك نو و کمپور هند ولگردی نوجوانان است.

بررسی نوع بزهکاری نوجوانان در ایران در کانون اصلاح و تربیت مشهد به صورت زیر بوده است نوع بزه : ) سرقت ۵۹ درصد، ضرب و جرح ۱۲ درصد ، چاقوکشی ۳ درصد، قتل غیر عمد ۲ درصد، قتل عمد ۰/۸ درصد، کلاهبرداری ۰/۸ درصد. از نظر اجتماعی بزهکاری را به سه دسته تقسیم کرده اند.

۱- بزهکاری بر علیه اشخاص جامعه مانند: ضرب و جرح، تجاوز به عنف، کشتن

عمد یا غیر عمد

۲- بزهکاری بر علیه دارائی و مالکیت دیگران مانند: دزدی، جعل اسناد

۳- بزهکار بر علیه نظم عمومی مانند: فحشاء، خرید و فروش مواد مخدر

بزهکاری را نمی توان منحصر به طبقه خاصی دانست شاید عمدۀ ای راه فرار از

قانون رات بدانند و یا با حیله و دسیسه از چنگ قانون فرار کنند. ولی میزان در

طبقات پایین اجتماع بیشتر است (فرجاد، محمد حسین، ۱۳۶۳، ص ۱۷۰)

بررسی فراوانی بزهکاریها نشان می دهد که تعداد وقوع آنها در ماههای مختلف

سال متفاوت است. و ماههای خرداد و تیر و مرداد بر میزان آن افزوده می شود.

بزهکاران به عنوان یک گروه به خصوص آنها یی که دوباره مرتکب جرم شده اند در

آزمونهای هوش نمره ای پایین تر از متوسط می آورند.

البته غالب بزهکاران دست کم هوشی بر حد متوسط دارند و کم هوشی به

خودی خود از عوامل اولیه بزهکاری نیست. (ماسن، پاول هنری و دیگران،

۱۳۶۸، ص ۶۵)

توصیه:

در اینجا مسائل واقعاً باید دانست که چه باید کرد و چه تدبیری به کار بست؟ در

برنامه اصلاح و تغییر رفتار بزهکاران می توان از شیوه های زیر استفاده کرد: (الف)

مشاوره خانوادگی، روابط خانوادگی در افراد بزهکار غالباً نادرست و ناسازگارانه

است، مشاور خانوادگی می تواند به تصحیح روابط افراد خانواده بیانجامد و مشاور

خانوادگی هر کدام از افراد خانواده به رفتار یکنواخت خود که همراه با پیشداوری

و برداشت نادرست است پی می برنند. و والدین در مشاور خانوادگی رفتار مناسب

برای برخورد با نوجوان بزهکار افراد خواهند گرفت. و از انواع روش‌های تقلید رفتار و به کار بردن تقویت آگاه می‌شوند.

ب) مشاوره گروهی: نظر به اینکه بزهکاران اغلب به صورت گروهی عمل می‌کنند و تحت تاثیر دوستان قرار دارند مشاوره گروهی می‌تواند در شناختی روابط گروهی و کمک به آن برای تبادل بهتر و تصمیم‌گیری مناسب تر مفید باشد.

ج) کاردرمانی: بسیاری از بزهکاران خود را فاقد مهارت لازم برای شروع به کار می‌دانند. کار درمانی می‌تواند به کسب مهارت‌ها در بزهکاران بیانجامد.

د) بازتوانی: گاهی بزهکار چنان آلوده است که ارزش خود را از دست می‌رفته می‌داند و در کفايت تردید دارد به طور کلی به اصلاح خويش اميداوار نمی‌باشد.

پروفسور هويدا از مدت‌ها پيش تاثير نامطلوب اختلال عاطفي را در زمينه بزهکاران نوجوان خاطر نشان كرده و ميزان تاثير کلي هر يك از عوامل عاطفي را در بروز جرم به اين شرح اعلام داشته است: کمبود محبت ۲۳ درصد، نفترت ۲۰/۲ درصد، افراط در محبت و ضعف ۱۳ درصد، پستي و خواری ۳/۹ درصد، حسادت ۱/۸ درصد.

### نقش خانواده در پيشگيری از انحراف و جرائم

يکی از مهمترین راههای پيشگيری افراد از انحراف، درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای پذيرفته شده است. يك جامعه پذيرفته شده يك جامعه پذيرفته شده يك جامعه است به طوري که جامعه شناسان ميزان فرهنگ پذيری و كاهش ميزان انحراف و جرم در يك جامعه، رابطه وجود دارد و يکی از علل افزایش نرخ انحراف، فرهنگ پذيری ناقص افراد است.

از اين رو جامعه شناسان شكل گيری و ساخت شخصیت فرد را متأثر از فرهنگ پذيری و جامعه پذيری می‌کنند که از مهم ترین نتایج جامعه پذيری ايجاد

شخصیت فردی و الگوهای نسبتاً فرد امتاثر از فرهنگ پذیری و جامعه پذیری می کنند. که از مهم ترین راههایی است که می تواند در جهت پیشگیری، نقش مهمی داشته باشد.

از این رو تعلیم و تربیت افراد نقش اصلی و اولی را به عهده دارد. لذا اولین مراحل فرهنگ پذیری افراد از نهاد خانواده شروع می شود. اسلام برای نهاد خانواده در امور تربیت فرزندان خصوصاً در مراحل اولیه زندگی، نقش بسزایی قابل است.

براین اساس گفته می شود آنان که در دوران کودکی نادرست تربیت شده اند، در جوانی و بزرگسالی روش درست زندگی را نمی شناسند و با این خلقيات زشت، قادر نیستند خود را با جامعه انطباق دهند. اينان در معاشرت اغلب با ناکامی و شکست مواجه می شوند، زира به طور ناخودآگاه داشته و تجارب غلط ایام کودکی خویش را الگو قرار می دهند. لذا نقش تربیتی موثر خانواده در پیشگیری از انحرافات و جرایم فرزندان ضرورتی انکار ناپذیر است که باید مورد تعلیم والدین قرار گیرد.

من به طور مستقیم و غیر مستقیم در نوع و ازدياد و یا تقليل بزهکاري موثر است. در سال ۱۸۳۱ برای اولین بار با مقاييسه آمار بزهکار و انواع جرائم در فرانسه ازدياد بزهکار را در سنین مختلف و تقليل آن را در پيری ارائه نمود و سپس متخصصين كشورهای مختلف، تاثيری را در وقوع و نوع و جرائم مورد پژوهش قرار دادند که اهم تغذیه های آنان به شرح زیر است.

رابطه ای سن با تعداد بزهکاري :

دوران مختلف سن با ازدياد و یا تقليل بزهکاري رابطه مستقیم دارد.  
الف: سن شروع بزهکاران تعیین سن شروع بزهکاری با مطالعه قوانین خاص اطفال و قوانین کیفری مرتبط است در بعضی از کشورها در قوانین کیفری و یا اقدامات تامینی حدود رسمی برای اطفال تعیین شده و اطفال کمتر از حدود مقرر در

قوانين در صورت ارتکاب جرم، غیر مسئول محسوب می شوند و در نتیجه تعداد آنان در آمار ذکر نمی گردد.

با شروع دوره بلوغ و فعالیت اجتماعی بر تعداد بزهکاری اطفال و نوجوانان افزوده می گردد و حدود سنی که تعداد سنی که تعداد جرائم به حداکثر می رسد. در کشورها و حتی مناطق مختلف یک کشور در دو جنس مذکر و موئث متفاوت است.

ب : سن حداکثر. در مورد تعیین سنی که در ارتکاب جرائم به حداکثر می رسد متخصصین عقاید مختلفی را بیان کرده اند. از جمله گتله، معتقد است که تعداد بزهکاری در ۲۵ سالگی به حداکثر می رسد در صورتی که دکتر دوگریف ۲۵ تا ۳۰ سالگی و زیکید بین ۲۰ تا ۲۵ سالگی رانی حداکثر تعیین کرده اند.

ج : سن تقلیل و خاتمه بزهکاری : معمولاً بعد از ۵۰ سالگی از تعداد بزهکاری کاسته می گردد. به طور کلی اوضاع اجتماعی ، اقتصادی در کشورهای مختلف در سن حداکثر و حداقل و ازدیاد و یا تقلیل بزهکاری موثر است. (دکتر تاج زمان دانش ۱۳۶۸).

توصیه های تربیتی به والدین در رابطه با فرزندان) نقش والدین در کاهش جرم به والدین توصیه می شود که باید از حالت اقتدار گونه و سخت گیری تغییر یافته و به سمت حمایت از جوانان تحول یابند. این روش تربیتی مورد قبول جوانان بوده و جزئی از فرهنگ جوانان دنیای معاصر است. این در حالی است که والدین به سختی می توانند در کوتاه مدت روشهای تربیتی معاصر است.

مجموعه این تحولات، مشکلات شکاف نسل را برای جوانان فراهم می سازد که به نافرمانی، اعتراض و طغيان در مقابل والدین منتهی گردید و آنان را در ارتکاب رفتار بزهکارانه آسیب پذير می سازد. در چنین قحطی خانوادگی اين پيش فرض

تایید می شود. که جوانان بیش از آنکه تحت کنترل ارزشها و هنجارهای والدین قرار گیرند تحت کنترل احساسات و آرزوهای خودشان هستند که این نگرش را در آنها تقویت می کند که معنای زندگی لذت جویی و تعلقات مادی است.

در بسیاری از موارد والدین عمدتاً وقت خود را در خارج از خانه و در محیط کار سپری می کنند و خلاً حضور پدر در خانواده، جوانان پسر را از نظر حمایتی در دریافتمن هویت مردانه محروم می سازد ، مواجه شدن پسران با بحران هویت جنسی که ناشی از غیبت طولانی پدران در خانه است آنان را به سوی رفتار بزهکارانه می کشاند، زیرا این جوانان با انجام چنین رفتاری نقش خود را عنوان یک پسر از نقش زنان و دختران متمایز کرده و به استقلال هویت می رسانند.

رفتار بزهکارانه با حمایت گروههای همسال نوعی تلاش برای ایجاد هویت است اگر چه این هویت منفی باشد. روابط والدین با یکدیگر و با فرزندان در پرورش عاطفی و اجتماعی جوانان نقش موثری داشته و ناسازگاری زناشویی والدین می تواند موجب گرایش فرزندان به بزهکار شود. از طرف دیگر سازگاری والدین و روابط منطقی و محبت آمیز بین والدین و فرزندان که به وحدت خانوادگی می انجامد ارتباط جوانان را با گروههای همسال بزهکار محدود ساخته و از گرایش آنان به رفتار بزهکارانه می کاهد. در درک ارتباط بین بزهکاری جوانان و روابط خانوادگی که با شاخصهایی نظیر میزان گذران اوقات فراغت فرزندان با والدین و دیگر اعضای خانواده در مقایسه با گذرادن اوقات فراغت با دوستانشان، در میان گذاشتمن مسائل شخصی خود با والدین و میزان ارتباط بین والدین و فرزندان اندازه گیری می شود.

در محیطهای خانوادگی که جوانان رفتار خشونت والدین با آنها و سطوح بالایی از تضاد والدینی را تجربه می کنند و در نتیجه کیفیت روابط فرزند - والدین پایین

است گرایش جوانان به رفتار بزهکارانه بیشتر خواهد بود. (حبیب احمدی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۶-۱۳۸)

### انواع کنترل رفتار در خانواده :

کنترل رفتار انعطاف ناپذیر: نقش ها و وظایف روزمره در چنین خانواده های قابل پیش بینی و مشخص است از قبیل خانواده هایی که قدرت سازگاری با تغییرات را ندارند و چه بسا قادر نباشند با تغییرات ناشی از تغییر مراحل چرخه زندگی را بیابند.

کنترل رفتار انعطاف پذیر : رفتار این خانواده ها هم قابل پیش بینی و هم سازنده است آنها می توانند به شکل مناسبی خود را با شرایط جدید انطباق دهند، اعضا به وظایف خود بهتر عمل می کنند زیرا شیوه آموزشی و حمایت گرانه خانواده مشوق آنها در فعالیت و انطباق با مقررات خانواده است.

کنترل رفتار آزاد منشانه: این شیوه تا حدودی قابل پیش بینی است اما قدرت سازنده کمی دارد در چنین خانواده هایی هر اتفاقی محتمل است. سستی و تنبلی در این خانواده ها جایگزین سازماندهی و عمل شده است. اعضا به وظایف خود به خوبی عمل نمی کنند، و در ارتباط با یکدیگر و تشخیص تنشها دچار مشکل هستند. ( بهروز مهرام، ۱۳۸۶، پایان نامه )

انتظارات نوجوانان از والدین  
نوجوانان از بزرگسالان والدین می خواهند به آنان احترام بگذارند واقعاً به حرف آنان گوش دهند نظریات آنان را درک کنند از ویژگی هایشان تقدیر کنند

آنان را با عشق و مهربانی حمایت کنند سطوح جدید مسئولیت را ترویج دهند به استقلال رسیدنشان را پرورش دهند.

### نقش والدین به عنوان مربی

به عنوان انسان ارزشها یش را کشف و اثبات کند احترام و قدرانی را منعکس کند با نزاكت و تواضع به حرف دیگران گوش کند اشتیاق به تعامل را پرورش دهد ترکیب ارزشها و عقاید را در نظر بگیرد یاد بگیرد چه زمانی و چطور مذاکره و توافق کند در ارتباط با دیگران به گونه ای مهربانانه و دلسوزانه رفتار کند احساس کند بخش مکمل جامعه است مشتاقانه چالشهای زندگی اش را بپذیرد ( دایاناهای سکیننر، مترجمین ، الهام آرام نیا و شمس الدین حسینی ۱۳۸۱ )

### - احترام به آزادی فرزندان

غلب از دید پدران و مادران، فرزندان شایسته تلقی می شوند که مطیع محض والدین خود باشند و پدر و مادر در همه امور برای آنها تعیین تکلیف کنند و آنها نیز بی آنکه کوچکترین مخالفتی یا رای و نظری داشته باشند. اطاعت محض در صورتی که عملی شود، از فرزندان ما انسانهایی خواهد ساخت که به رشد و بلوغ فکری و روحی نرسیده اند، علاوه بر این، چنین برداشتی از موضوع موجب پیدایش توقعات و انتظاراتی در ما می شود که چون معمولاً برآورده نمی شوند. در این میان اگر فرزندان اشتباهاتی داشته باشند، این اشتباهات را برای رشد طبیعی آنها لازم می شمرند و خود بعنوان راهنمای در کنارشان قرار می گیرند. در انتقاد زیاده روی نکنیم:

تذکرات و یادآوریهای زیاد و پی در پی از نظر تربیتی شیوه درستی نیست و منتهی به پیدایش لجاجت و مقاومت منفی در کودک و نوجوان میشود. در تربیت

لازم است نصحيت و انتقاد را به حداقل رسانيد. و از خطاهای جزئی و کم اهمیت صرف نظر کنید بلکه با بلند نظری و بزرگواری از کفار آنها گذشت تا بتوان موارد مهمتر را با قاطعیت جلوگیری کرد. از این روش در تعلیم و تربیت اسلامی «  
تغافل» تعبیر می شود.

«**تغافل**» یعنی اینکه خطاهای کسی را نادیده بگیریم و دانسته چنین و انمود کنیم که این اشتباهات را ندیده ایم، این روش نسبت می شود که احساسات فرزند با تذکرهای پی در پی جریحه دار نشده و لجاجت و گستاخی در او پدید نماید.

در برابر هر خطابه تذکر و سرزنش پرداختن ارزش سخن را نیز از بین می برد و سبب می شود فرزند به اینگونه سرزنشها و انتقادها خو بگیرد.

و دیگر از آنها متاثر نشود. در بعضی از خانواده ها می بینیم که فرزندان با داشتن آزادی بی قید و شرط به خطاهایی دست می زنند و والدین در برابر این خطاهای سکوت و خونسردی بیش از حد نشان می دهند. چنین روشی اغلب به انجطاط فرزندان منتهی می شود و ازان افرادی لاقید خیره سر، لوس، غیر منبهظ و سرکش بار می آورد. ( سادات ، ۷۲ ، ۵۰ )

گرامی داشتن شخصیت فرزند:

اگر با فرزندان خود رفتاری تحقیر آمیز و آمیخته به طعن و ملامت داشته باشیم یا پیوسته آنها را سرزنش کنیم و در حضور دیگران به آنها بهانه ندهیم این روش ماست می شود که آنها به تدریج خود را به عنوان موجودی بی ارزش و بی مقدار بپذیرند و احساس کرامت و شخصیت را از دست بدهند.

آنها نمی دانند که با بکار بردن این گونه الفاظ و نسبت دادن آنها به فرزند خود موجودات بی مقداری می سازند که آمادگی همه گونه پستی و انحراف را دارند.

برای آموزش و اصلاح عیبها فرزندان، بهتر است در درجه اول از روشهای غیر مستقیم استفاده کنیم و آنها را به طور مستقیم مورد خطاب قرار ندهیم و اگر لازم شد که به طور مستقیم با آنها درباره خطأ و لغزشان صحبت کنیم، بهتر است این کار علنی و آشکار نباشد تا شخصیت او در نزد دیگران خرد نشود.

این روش علاوه بر این که او را در حفظ عزت و کرامت شخصیتش یاری می کند بر اعتماد او نسبت به ما نیز افزوده می شود. (سادات ، ۷۲ ، ۵۱)

### مشورت با فرزندان

یکی از عواملی که با فرزندان بويژه در دوره نوجوانی شخصیت می دهد، مشورت کرده و آنها درامور خانواده است. این کار سبب می شود که آنها احساس کنند که در خانواده به حساب می آیند و به نظر آنها توجه می شود. به این ترتیب آنچه را در دل دارند با والدین خود در میان می گذارند.

و این در پیدایش صمیمت و همدلی در خانواده موثر است. لازم است والدین از پیشنهادهای صحیح نوجوانان استقبال کنند و در صورتی که در پیشنهادهای آنها خطایی می بینند با دلیل و منطق آنها را به اشتباه خود متوجه سازند.

این امر حس همکاری آنها را در خانواده رشد می دهد نتیجه دیگر مشورت با فرزندان این است که والدین به تدریج راه و روش فکر کردن و تصمیم گرفتن را به فرزندان خود می آموزند.

(سادات ، ۷۲ ، ۵۲)

بنابراین والدین سخت گیر و خشن مانع می شوند تا فرزندان از روابط مشبّت و سازنده ، همسالان خویش که برای استقلال آنها بسیار موثر است بهره بگیرند. این والدین هستند که اولین قدم پذیرش امور دینی فرهنگی و به تبع آن جامعه پذیری را بر می دارند. نوجوانان کمتر به انحراف کشیده می شوند و بر عکس در

خانواده های شکسته، به خصوص با وجود ناپدری و نیز دعوا و مشاجره بین والدین دین پذیری و گرایش به امور دینی مورد بی توجهی قرار میگیرد (اعزاری، ۷۶، ۴۶) بی توجهی خانواده و ضعف هایی که در امر تعلیم و تربیت نوجوان وجود دارد از قبیل نبود کنترل عدم اعتقاد والدین و یا ندانستن راه صحیح آموزش دینی امور دینی نیز باعث دین زدگی فرزند می شود.

روانشناسان تربیتی معتقدند که خانواده هایی که بر اعمال فرزندان خود نظارت ندارند و کمتر مقررات و استانداردهای مشخصی در قبال رفتارهای غیر قابل قبول آنها وضع و از برخورد قاطعانه در مقابل رفتارهای خلاف فرزندان پرهیز می کنند. زمینه های کجروی و انحراف را مساعد می کنند. در واقع آنها، نابهنجاری رفتاری را که نوعی اختلال شخصیتی در نظام روانی افراد است را ایجاد می کند این افراد احساس مسئولیت نمی کنند و اختیار رفتار خود را ندارند. ( مجله جامعه شناسی ایران، ۱۳۸۱، ۷۳)

اصول انضباطی که والدین به کار می بردند از نظر همسانی و ناهمسانی نیز با یکدیگر متفاوت هستند و منظور از همسانی یعنی اینکه همواره سعی شود در خانواده یک رفتار مشخص به پیامدی ثابت برسد. این ناهمسانی ممکن است بدین طریق بروز کند که یکی از والدین رفتاری را تایید و دیگری با عدم تایید و یا با تنبیه پاسخ دهد. یا اینکه یک والد گاهی رفتاری را تقویت کند و در زمانی دیگر آن را تنبیه نماید.

اما همین تنبیه مورد استفاده نیز به صورت ناهمسانی به کار برد می شود. زمانی که ارتباط بین آنچه که برخانواده حاکم است و اطلاعات داده شده هماهنگی وجود نداشته باشد بچه ها دچار سردرگمی می شوند و چون جو حاکم بر خانواده خارج از ظرفیت و توان آنهاست لذا تعادل در این خانواده ها به هم می خورد.

بنابراین خانواده به عنوان مهم ترین عامل در پذیرش یا عدم پذیرش امور دینی تاثیر دارند.

بی سامانی در خانواده و تغییرات غیرمنتظره، در آن موجب بروز بسیاری از انحرافات فردی و کجروی در افراد می شود.

### الف) دین پذیری در چارچوب خانواده

نوزاد آدمی در بدو تولد ناقص و محتاج توجه و مواظبت از طرف دیگران است.

خانواده با محیط گرم و صمیمانه ای که دارد به نوزاد آدمی اجازه رشد و پرورش

می دهد. کودک در خانه الگوهای کرداری و رفتاری را می آموزد که برای ادامه

حیات او و در محیط ضروری هستند کودک می آموزد که چگونه به صورت

اجتماعی زندگی کند. بنابراین کودک می آموزد که تا چگونه باکنش ها و

کوششهای زندگی با دیگران روبرو شود چگونه بر خشم و غصب خود غالبه کند و

بر تمایلات آنچه شود و آنها را به تعویق اندازد (اعزازی، ۱۳۷۶، ۲۳)

در خانواده بچه متوجه موسسات اجتماعی می شود و در اثر تماس با والدین و

مشاهده رفتار آنها در زمینه های مختلف زندگی، متوجه راه زندگی و فلسفه

اجتماعی جامعه می گردد. معمولاً تمایلات والدین، افکار و عقایدشان طرز برخورد

با دیگران و افراد خارجی، آرزوها و هدفهای زندگی آنها مورد قبول آنها و دین

پذیری آنان در کودکان تاثیر مستقیم دارد (اعزازی، ۱۳۷۶، ۱۳۱)

از آنجا که خانواده پایه و اساس محبت، حمایت، علاقه است مادامی که لطف

صفا و محبت در خانواده متاخر کر باشد اعضای خانواده در کنار یکدیگر به رشد و

شکوفایی اخلاقی و دینی دست می یابند. اما به هر دلیل که این پایه متزلزل شده

و اعضای خانواده در معرض آسیب قرار گیرند این دلایل ممکن است اختلاف و

ناسازگاری والدین، بزهکاری و اعتیاد یکی از والدین، طلاق و فوت و سختگیری ها

و خشونت های بیش از حد والدین، طرد شدن از سوی والدین مسائل اقتصادی و  
بی سودای والدین باشد.

بنابراین والدین سخت گیر و خشن مانع می شوند تا فرزندان از روابط مشبت و  
سازنده همسالان خویش که برای استقلال بسیار موثر است بهره بگیرند. (نوابی

نژاد ۱۳۶۳ ، ۱۳۷)

این والدین هستند که اولین قدم پذیرش امور دینی فرهنگی و به تبع آن جامعه  
پذیری را بر می دارند. بی تردید فرزندان را جذب خانواده می کنند آنها یی که  
پدر و مادرشان زنده هستند با هم اختلاف ندارند و به فرزندان توجه می کنند.

کودکان و نوجوانانی که در خانه هایی مملو از سوء ظن و عیب جویی و پراز تنش  
بزرگ می شوند در دریافتمن هویت خویش و واقعیت جهان پیرامون دچار مشکل  
خواهند بود. و هیچ وقت سعی نمی کند که در هیچ زمینه ای از پدر و مادر تقلید  
کند پس نمی تواند فرد موثری در جامعه باشد.

### بررسی جمعیت شناسی

#### کاهش سن جرم افزایش سن ازدواج

کارشناسان معتقدند که با افزایش متوسط سن ازدواج جوانان، سن جرائمی مانند  
فحشاء ، نزاع های خیابانی ، سرقت ، فرار از خانه، و سایر اسیبهای اجتماعی و نیز  
تعداد و سابقه مجرمین کم سن و سال نیز افزایش می یابد.

آنها بر این باورند که در میان عوامل تاثیرگذار بر کاهش سن جرم، مشکلات  
روانی ناشی از عدم ارضای نیازهای عاطفی، هیجانی و جنسی به طور جدی مطرح  
می شود. گزارش ایسنا در آمارهای مرکز ایران نشان می دهد که سن ازدواج برای

مردان از ۲۴ سال در سال ۶۵ به ۶۶/۷ سال در سال ۸۳ و برای زنان از ۲۰ سال به ۲۳/۹ سال در این مدت رسیده است.

در سال ۱۳۴۵ سن ازدواج مردان ۲۶/۵ بوده و این میزان سپس با کمی کاهش روبرو شده و بیشترین کاهش را در سال ۱۳۶۵ یعنی دهه اول انقلاب داشته و پس از آن افزایش حدود نیم سال است و سپس سن ازدواج مردان از ۲۶/۵ به ۲۷ سال تغییر یافت.

سن ازدواج در سال ۱۳۴۵ برای زنان شهری ۱۹ سال و برای زنان روستایی ۱۷ سال بوده است. این آمارها در حالی نشان از افزایش سن ازدواج می دهد که فرهنگ ما هنوز توانایی یافتن همسمر مناسب و ازدواج موفق را مهمترین ملاک خوبیخواستی به خصوص برای دختران می داند، و بیشتر فعالیت های زندگی مثل تحصیلات بالاتر، موفقیت شغلی بهتر، ارتقای پایگاه اجتماعی و اقتصادی معطوف به یافتن همسری مناسب است که معلوم نیست مردانی که خود از چنین امتیازاتی برخوردارند تا چه حد علاقمند به ازدواج کردن با دخترانی در سطح اجتماعی و حرفة ای خویش هستند.

براساس نتایج تحقیق یاد شده اثر افزایش سن ازدواج می تواند برای دختران و پسران متفاوت باشد، ولی آنچه در هر دو جنس مشترک خواهد بود احساس ناکامی است.

بر همین اساس روانشناسان تاکید می کنند که ناکامی ناشی از وجود موانع متعدد بر سر راه ازدواج جوانان می تواند شماری از آنها را به سوی ارتکاب برخی جرایم بکشاند. موارد نزاع های دسته جمعی ، فرار از خانه، اعتیاد، خودکشی، خانه های فساد و فحشا پدیده مردان خیابانی و ... همه بیانگر این است که اگر به فکر چاره اندیشی نباشیم آینده این تعداد جوانان تیره و تار خواهد بود.

البته این تاکید روانشناسان را نیز نماید فراموش کرد که وجود چنین آسیب های ناشی از افزایش سن ازدواج نباید به هیچ وجه منجر به انتخاب راهکار ازدواج به هر شکل و با هر شرایطی باشد. دکتر بیرشک، روانشناس در مورد علل افزایش سن ازدواج در کشور به اینسانا می گوید: عوامل مختلف اقتصادی، جامعه شناسی و روانشناسی را می توان در این زمینه مطرح کرد. از جمله عوامل اقتصادی این است که جوانان احساس می کنند امکان تامین هزینه های زندگی و روزمره را ندارند و کسانی که وارد بازار کار می شوند ممکن است درآمد لازم را نداشته باشند.

وی درباره ابعاد مثبت و منفی افزایش سن ازدواج می افراید: تمها جنیه مثبت تحت این شرایط می توان آن باشد که افراد به بلوغ سنی و جسمی رسیده اند و در نتیجه در انتخاب همسر تنها تابع احساس نیستند.

تصمیم گیری برای این افراد مشکل است چون آنها فکر می کنند که قبل از معیارهایی برای ازدواج داشته اند. چون در سن بالا پذیرفتن هر نوع همسری برای آنها کار آسانی نخواهد بود به خصوص که الان دختران ما بیشتر وارد جامعه می شوند و تجربه درس و دانشگاه را به دست آورده اند در نتیجه در انتخاب همسر بیشتر دچار تردید می شوند و زمان بیشتری را صرف می کنند.

دکتر بیرشک نقش دوستان را در جذب جوانان به کارهای خلاف بسیار مهم می داند و به اینسانا می گوید در سالین جوانی و نوجوانی دوستان نقش عمده ای ایفا می کنند. به طور یکه جوانان تحت تاثیر دوستان و خواسته هایشان یا به خاطر احساس تعلق به یک گروه و نگرانی از طرد شدن توسط انها حاضرند هر کاری بکنند.

وی نقش خانواده را بسیار مهم ارزیابی می کند و می گوید: اگر اعضای خانواده ای ارتباط خوبی با یکدیگر داشته باشند می توانند بسیاری از مسائل را با فرزندانشان مطرح کنند. اما اگر شاهد گستاخی در روابط خانوادگی باشیم نقش دوستان و همسالان به جای خانواده خود افزایش می یابد و دوستان هم بیشتر تابع جمهیه احساس هستند.

دکتر حسین فرجاد آسیب شناس نیز در مورد علل کاهش جرم متعدد است. مشکلات نوجوانان و جوانان زیاد است. پس جرم از گروه سنی بالا به سمت گروه سنی پایین تر می اید و چون قدرت ریسک و مخاطره پذیری آنها بیشتر است متأهلین کمتر مرتکب جرم می شوند.

در کشوری که روزبه روز بر تعداد جمعیت جوان آن افزوده می شود و راههای حل مسائل پیش رو روز به روز پیچیده تر می شود اگر اکنون که می توانیم اقدام نکنیم معلوم نیست که گره کور پیامدهای ناشی از آن در آینده چه کسی خواهد گشود.

www.kanau-

www.kandoocn.com

### روش تحقیق

تحقیق منبع بسیار غنی و پارزشی از اطلاعات است و به پژوهشگران در درک آخرین اکتشافات علمی کمک می کند. نیازمندیهای علمی ما ممکن است آنقدر جدید باشد که سالها طول بکشد تا در کتابهای علمی منتشر شود.

روش تحقیق: به صورت کتابخانه ای انجام شده است که در این تحقیق ما از کتابهای، مقاله های، پایان نامه ها و اینترنت استفاده کردیم.

پاسخ سوالات:

۱- دوستان باید اثر مفید و تصحیح کننده ای بر یکدیگر داشته باشند. باید به یک بچه این موقعیت داده شود که با شخصیت هایی مقاومت، اما مکمل شخصیت خود، معاشرت کند. هدف ما این است که روابط تصحیح کننده را تشویق کنیم و کودک را با شخصیتهایی که مخالف شخصیت خودش است مواجه نماییم.

۲- بله، در صورتی که نوجوان از حمایت خانواده برخوردار باشد، برای مشورت کردن و در برخورد با مشکلات یک پشتونه محاکم دارد که او را از کشیده شدن بر هر سمت و سوی دیگری باز می دارد.

۳- بله ، بین حمایت خانواده و دوستان از نوجوان تفاوت معنی داری وجود دارد، به طوری که خانواده در نقش خود تمام حمایتهای مادی، مالی، معنوی و عاطفی و... را بر عهده دارد ولی حمایتهای دوستان از نوجوان بسیار محدود است.

۴- بین خانواده و توجه به نیازهای شخصی نوجوان رابطه ای معنی دار وجود دارد، چون تنها خانواده است که می تواند برآورد نیازهای شخصی نوجوان باشد.

۵- بله، اعضای خانواده برای حل مشکلات با یکدیگر مشورت می کنند و از یکدیگر کمک و یاری می طلبند.

اگر مشکل در خانواده حل نشود در بیرون از خانه ممکن است به شکل دیگری حل شود که می تواند نامناسب هم باشد.

۶- شکست تحصیلی باعث فرار از منزل و مدرسه می شود. و این فرار اسیبها اجتماعی زیادی را به ذغال دارد. باعث به دام افتادن نوجوان و بسیاری از مفاسد اجتماعی می شود.

نظریه های روان شناختی در باب نقش پدر:

برای فهم و درک معنای پدر برای کودک، بایستی بیشنیم حضور پدر در خانواده با چه نقش هایی همراه است. در مورد کودکان امروزی باید متذکر شد که اغلب در زندگی آنان پدر نقش زیادی بر عهده ندارد، زیرا پدران به دلایل مختلف بیشتر اوقات خود را به کار در خارج از خانه مشغول هستند، بنابراین عموماً کودکان از نعمت برخورداری از پدر محروم هستند و این زنگ خطری است برای خانواده مخصوصاً کودکان.

بسیاری از محققین، در مورد نقش پدر به این نتیجه دست یافته اند که حضور پدر در خانواده بر پیشرفت تحصیلی و رشد شناختی کودک، تحول اخلاقی یا وجودان، تحول نقش جنسی، فقدان آسیب های روانی، تاثیر مثبت داشته و عدم حضور او با اختلالی در هر یک از این ابعاد همراه است.

بایستی متذکر شد که هم تغییر و تحول کودک و هم نقش پدر، هر دو ماهیتی چند وجهی است تاثیراتی به صورت مستقیم و غیر مستقیم از طریق مادر یا از طریق نظام کلی خانواده بر کودک داشته باشد.

برخی دیگر از محققین پس از فروید، بر نقش پدر در کنار مادر در سالهای نخستین تاکید کرده اند. اما از نظر آنان علاوه بر نقش معمول خود یعنی حمایت از مادر، نقش ویژه ای بر عهده دارد که عبارتست از تکوین پایه های اساسی بخشی از شخصیت کودک که متوجه به واقعیت می باشد.

نقش پدر در خانواده های سنتی در سالهای پس از نوزادی مستقیم تر و موثر تر می شود. کودکان عادی، در حدود سال ورود به مدرسه ابتدایی می کوشند خود را به پدر نزدیک کنند.

کودکان در خانواده های سنتی، پدران خود را افرادی بسیار دانا، یا بسیار ماهر و کارآمد می دانند. پدران به سادگی می توانند هم‌دلمی خود را نسبت به کودکان در این دوره اظهار کنند. (نجاتی ۷۱، ۶۷)

### روش های سازندگی و الگویی پدر :

کودک تقلیدگر بسیار ماهری است و به آسانی از طریق تقلید چیزی می آموزد او می بیند، می شنود، خیره می گردد و بی سرو صدا پس از مدتی تقلید و تکرار می کند. آنچه در تربیت از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است.

این است که با استفاده از زمینه ای اینچنانین آماده و بکر، کودک را جهت داده و با تدابیر و شیوه های مختلف او را به جهتی هدایت کرد که مورد نظر می باشد. وجود حالت تقلید در کودکان باعث می شود که آنان با بزرگترها، مخصوصاً پدر - همانند سازی کنند و برخی از مشکلات و مسائل خود را از این طریق حل کنند. فرزندان بسیاری از الگوهای رفتاری ، خصوصیات اخلاقی، انگیزه ها و نگرش ها و ارزش های والدین خود را از طریق فرایندهای تقلید و « همانند سازی » کسب می کنند.

این فرایندها ، بخصوص از لحاظ اجتماعی کرده اهمیت دارند. زیرا بدون آموزش عمدی والدین ایجاد می شود. کودکان می کوشند معیارهای اخلاقی و خصایص دیگر والدین را به گونه ای که می بینند و می یابند تعقیب کنند. و آنها را به همان صورت مورد توجه خویش قرار دهند. کودک در مسیر این رشد از افراد بسیاری تاثیر می پذیرد.

## انواع کجرفتاری از دیدگاه دورکیم:

### ۱- کجرفتاری بیولوژیکی :

منظور کسی است که دارای نقایص جسمانی، مغزی، عقب افتادگی باشد. حتی در جامعه اورگانیک با تقسیم کار نرمال به عنوان یک پدیده طبیعی می تواند وجود داشته باشد . یعنی افرادی که توانایی انطباق با جامعه را ندارند و برخلاف روح جمعی رفتار می کنند. (ممتأز ، ۱۳۸۱ ، ۶۰)

### ۲- کجرو انقلابی :

این نوع کجرفتاری شامل افرادی می شود که علیه تقسیم کار اجباری و زابرایی که هیچ ربطی به امتیازات و تواناییهای افراد ندارند. قیام می کنند.

این نوع کجرفتاری که معايب وضع موجود را زیر سوال می برد، دارای کارکرد است زیرا باعث ایجاد تغییر و تحول در جامعه می شود. این کجرفتاری در شرایطی واقع می شود که روح جمعی همگام با توسعه اجتماعی نبوده، شکافی بین این دو وجود داشته باشد (ممتأز ، ۱۳۸۱ ، ۶۰)

### ۳- کجرو منحرف:

فردی است که به طور نامناسب جامعه پذیر شده است. در جامعه ای که تقسیم کار اجباری باشد و منبع برای این امر وجود دارد آنومی و خردگرایی همان طور که قبل اشاره شد اولی مربوط به ضعف روح جمعی می شود و دومی مربوط به نهادی شدن فردگرایی، که هر دو باعث حرکت آزاد امیال فردی می گردد.

در چنین شرایطی افراد کوشش خواهند کرد تا خواسته های خود را به شکلی که با نظم اجتماعی در تناقض است و یا با تواناییهای ذاتی آنها مطابقت ندارد بدست آورند.

دورکیم جامعه مدرن را دارای تقسیم کار اجباری در نظر می گیرد و از این جهت آن را مورد انتقاد قرار می دهد. ( ممتاز، ۸۱، ۶۱ ) برای روشن کردن اصول آدمیت و اخلاق که در این روزگار باید راهنمای کوشش تربیتی ما باشد، والدین باید همواره برای حفظ و سلامت روحی فرزندانشان آنها را با ایمان بار بیاورند و مبدعا خلقت یعنی حضور خداوند را واقعاً ناظر و حاضر در زندگیشان بدانند و او را مهربان و بخشنده بشناسند.

بنابراین فرزندانشان هم همین تصور را خواهند داشت و به همین دلیل والدین می توانند از وجود او به عنوان نیروبخش فلسفه ای که در زمینه اanzibat و اصول اخلاقی دارند، بهره مند شوند و همچنین وجود او را به فرزندان خویش به سادگی هر چه تمامتر بشناسانند.

اصلأً دین انسان دوستی را در کودک استحکام می بخشد و معنویت و آرمان گرایی را در وجودش بارور می سازد. هدف مذهب شکستن حصار منیت یعنی خودخواهی و پاک کردن و پاک نگه داشتن انسانهایست و هیچ مذهبی نیست که بر عشق و محبت و همدردی تاکید نکرده باشد. ( مهدیخان، ۸۲ ، ۵۳ ) به اعتقاد دورکیم: جوامع انسانی از ماهیتی نسبی ساده و غیب مرگب جوامعی پیچیده تبدیل شده اند. همچنان که جوامع گسترش می یابند جمیعتهای نیز متراکم گردیده و با پیشرفت های اقتصادی و فناوری روابط اجتماعی نیز تغییر می یابد. در این موقعیت جامعه از طریق نظام وابستگی دوجانبه افراد با یکدیگر به لحاظ نظام مالی، شغلی و غیره به بقای خود ادامه می دهد.

براساس دیدگاه دورکیم، ۱- چون جرم و بزهکاری یک پدیده عادی است بنابراین نمی توان برای آنها عمل استثنایی و اتفاقی جستجو کرد.

۲ - برای شناخت عمل وقوع جرم و بزهکاری باید ساختار اقتصادی و اجتماعی جامعه را مطالعه کرد.

۳ - چون جرم و بزهکاری پیامد بحرانهای اقتصادی و اجتماعی است بنابراین رابطه جرم و بزهکاری یا ساختار اجتماعی و اقتصادی جامعه امری دایمی است.

۴ - یک رفتار اجتماعی به این دلیل که جامعه را جریمه دار نمود و احساسات جمعی را در حد لازم خود نگه دارند و جراحاتی را که به احساسات جمعی وارد آمده درمان کنند بنابراین نقش مجازاتهای این نیست که جرم و بزهکاری را در جامعه از بین ببرند و مجازاتهای قابل نیستند که چنین نقشی را ایفا کنند.

۵ - انسجام اجتماعی مبین ارتباط و پیوند میان بخش‌های مختلف نظام اجتماعی است و بیانگر حدودی است که فرد احساس می کند به نوعی با نظام اجتماعی رابطه داشته و به آن علاقمند است بنابراین منحرفان با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه بیگانه هستند (ساقار، ۱۹۷۸)

نظریه کوهن: کوهن (۱۹۵۵) با بررسی پسران بزهکار، نظریه خردۀ فرهنگی رفتار انحرافی جوانان از انحرافات اجتماعی بزرگسالان و تاکید بزهکاری پسران طبقات پایین تدوین کرد. او نظریه های آنومی دورکیم و مرتن را مورد انتقاد قرار داده و کاستیهای آنان را بر می شمارد.

نظریه کوهن به این سوال اساسی که چرا خردۀ فرهنگ بزهکارانه وجود دارد و به جوانان منتقل می شود پاسخ می دهد. در پاسخ به این سوال کوهن نظریه کلی درباره چگونگی پیدایش خردۀ فرهنگ بزهکار ارائه می دهد. ساخت نظام اجتماعی و فرهنگ و سازمان اجتماعی آن برای افرادی که هر یک موفقیتهای خاص را در نظام اجتماعی اشتغال کرده اند مسائلی از نظر همسایه با شرایط اجتماعی به وجود می آورد و آنها را به طور موثر یا غیر موثر به وسائلی مجهوز

می کند مشکلاتی همساز با محیط را حل کنند. مشکلات همسازی با محیط را حل کنند.

کوهن ویژگیهای بزهکاری جوانان را به شرح زیر بیان کرده است: ۱- بزهکاری

بدون انگیزه مادی، برای مثال دزدی کالا. صرفاً به منظور تخریب آن

۲- کینه جویی، بدخواهی یا سوء نیت، خرابکاری و بی انضباطی

۳- منفی بافی ۴- لذت گرایی کوتاه مدت با ورود به دارو دسته های

۵- تقصیر پذیری ۶- خودمختاری و استقلال گروهی

به اعتقاد میلر: پدران در خانواده های طبقات پایین به علت عدم توانایی کافی

در ارضای نیازهای فرزندانشان از منزلت اجتماعی بالایی برخوردار نبوده و

خانواده های حول محور مادران سازمان دهی می شود. جایگاه مردان در

خانواده برای فرزندان ممکن است به شکل تشبيت مبنی بر ازدواج به گونه ای

که طبقات متوسط و بالا مصرفی می شوند، به رسمیت شناخته نشود.

مردان طبقه پایین به طور کامل در پرورش فرزندان و در حمایت اقتصادی از

خانواده به اندازه مردان سایر طبقات مشارکت ندارند. میلر همچنین اظهار می

دارد که پسرها در خانواده های طبقات پایین از پسرهای سایر طبقات اجتماعی

از آزادی و استقلال برای ترک خانه برخوردارند. آنان همچنین نسبت به بچه

های طبقه متوسط برای انجام دادن برخی از بزهکاریها نظیر خوردن مشروبات

الکلی و کشیدن سیگار که منسوب به بزرگسالان است مستعد ترند زیرا

خودمختاری از ویژگیهای منحصر به خرد بچه های طبقه پایین است که میلر به

آن اشاره کرده است. ( حبیب احمدی، ۱۳۸۴، ص ۷۴-۴۴)

نمی توان بزهکاری را فقط به طبقات پایین جامعه محدود نمود و چنین پیش فرضی توسط بسیاری از تحقیقات تجربی مردود شناخته شده است. ( نی

۱۹۵۸، اریکسون و امپی ۱۹۶۵، هیرشی ۱۹۶۹ )

برخی از نظریه پردازان کنترل رفتار را براساس تعلقات و تقیدات جوانان نسبت به نهادها و سازمانهای اجتماعی مانند خانواده مدرسه و گروه همسالان تبیین

می نمایند ( نی ۱۹۵۸، هیرشی ۱۹۶۹، الیوت ۱۹۸۸ )

به اعتقاد هیرشی: هیرشی معتقد است که احتمال بزهکاری هنگامی که این تقیدات ، تعلقات و تعهدات ضعیف شود بیشتر است. بليان تعلق، منظور هیرشی اين است که فرد نسبت به افرادي که با آنان پيوندهای تزديکي دارد داراي احساسات موجب می شود نسبت به آنچه درباره رفتارش می انديشند مراقب باشد. بنابراین کنترل بزهکاری با تعلقات جوانان نسبت به والدينشان پيوند می خورد.

نظریه گابریل تارد: گابریل تارد از اندیشمندان نظریه تقلید نظریه های زیست شناختی را که رفتار انحرافی را به ویژگیهای جسمانی افراد نسبت می دهند مردد دانسته و براین باور است که مردم مجرم به دنیا نمی آیند بلکه مجرم می شوند.

تارد بر این باور است که فرایند کسب رفتار بزهکارانه و مجرمانه از طریق تقلید بر تجربه های یادگیری مشاهده است انجام میشود ( حبیب احمدی،

۹۸، ص ۱۳۸۴ )

نظریه لمرت ( ۱۹۵۱ ) : لمرت بر این باور است که فرایند درگیر شدن فرد رد رفتار بزهکارانه و مجرمانه و تبدیل شدن او به منحرف حرفله ای از دو مرحله می گذرد: در مرحله اول هر کسی ممکن است به عملی برای اولین بار مرتکب

رفتار انحرافی شود که این نوع انحراف برای شخص پیامدهای ناچیزی دارد لمرت به این رفتار که فرد مرتکب می شود به خاطر آن برچسب منحرف دریات نمی نماید را انحراف اولیه می گوید، هنگامی که رفتار انحرافی تداوم می یابد و عامل رفتار را تبدیل بزهکار یا مجرم حرفه ای می کند و برچسب منحرف به فرد زده می شود انحراف دومین پدید می آید.

نظریه نی (۱۹۵۸): عوامل خانوادگی که به جامعه پذیری و روابط عاطفی اعضا خانواده کنترل خانوادگی، همانند سازی فرزندان با والدین و گسیختگی خانواده و سایر ویژگیهای خانواده ارجاع داده می شود. نقش موثری در ایجاد رفتار بزهکاران میان جوانان دارد.

نی در پژوهشها یش به این نتیجه رسید که متغیرهای خانوادگی نظیر روابط فرزند، والدین، تقلیدهای خانوادگی، انضباط و سرپرستی و پایگاه اقتصادی، اجتماعی خانواده با بزهکاری جوانان ارتباط معناداری دارد.

مطالعات دیگری که به موضوع خانواده و بزهکاری پرداخته اند تضادهای زناشویی، گسیختگی و سرپرستیهای ضعیف والدین بر فرزندان را به بزهکاری موثر دانسته اند. (وست ۱۹۷۳، خارون ورت، ۱۹۸۴)

سادرلندر (۱۹۴۲) : سادرلندر بزهکاری را در اثر خطای خانواده ها دانسته است که قادر به یاد دادن ارزشها و هنجارها نبوده اند. به نظر سادرلندر نگرانیها و نیازهای ارضاشده برای افراد عادی و بزهکار شبیه به هم است و تنها روش‌های یادگرفته شده واکنش به این نگرانیها و محركهای در آنان متفاوت است و خانواده به عنوان محیط یادگیری اولیه جوانان بر بزهکاری موثر است.

به اعتقاد کروز (۱۹۷۱): جوانان بزهکار مراکز بازپروری شهر سیدنی استرالیا که از خانواده های فاقد پدر، فاقد مادر، فاقد پدر و مادر و دارای ناتنی بودند را

مورد مطالعه قرار داد. مقایسه رفتار بزهکارانه میان جوانان متعلق به بزهکارانه در میان جوانانی که بدون پدر و مادر زندگی می کردند طولانی تر بوده است. نظریه کمپل (۱۹۸۷) : کمپل در پژوهشی نشان داد که فقدان مادر یکی از عوامل موثر در رفتار بزهکارانه در میان دختران است.

نظریه مرتن (۱۹۵۷) کوهن ۱۹۵۵: احساس محرومیت جوانان در خانواده هایی با پیاگاه اقتصادی- اجتماعی پایین، نبود شرایط مناسب زندگی و اراضی نامناسب نیازهای جوانان آنان را به سمت رفتار بزهکارانه سوق می دهد.

نظریه کلووارد و اهلاین ۱۹۶۰، میلر ۱۹۷۵: این نظریه ها همچنین به ناتوانی والدین از ارائه پاداشهای مناسب به رفتارهای بهنجار اشاره می کنند. عدم اراضی نیازهای جوانان و به تأخیر انداختن کامیابیهای آنان در خانواده هایی که فقر اقتصادی و اجتماعی دارند توجیهی است برای جوانانی که تنها به اراضی تمایلات و آرزوهای کوتاه مدت فرد از طریق رفتار بزهکارانه عمل می کنند.

نظریه ترکیب و تعدد عوامل بزهکاری / انگیزه های جرم انریکومزی:

از این دیدگاه بزهکار موجودی است که فعالیت جنایی او ثمره حیری یک رشته از عوامل جرم زا ( عوامل اقتصادی، رفاهی، خانوادگی تربیتی ، اجتماعی و فرهنگی ، سیاسی، حقوقی، مذهبی ، اقتصادی، جسمی و بهداشتی) است اما این عوامل بر حسب بزهکاران به گونه های مختلف با یکدیگر ترکیب می شوند که منجر به طبقه بنده بزهکاران (بنزهکاران نابهنجار روانی، بزهکاران بدعادت، بزهکاران اتفاقی، بزهکاران احساساتی ) می گردد. بنابراین ترکیب و تعدد انگیزه های جرم زا افراد را به نابهنجاری و کج رفتاری های اجتماعی سوق می دهد. (

نظریه قانون حرارتی بزهکاری، آدولف کتله /آ.ام. گری/لاکاسانی:

از این دیدگاه بزهکاری در فصول و مناطق مختلف دارای شدت یا ضعف می باشد و که خود تاثیر مهمی بر روند بزهکاری ها دارد و از آنجا که هر منطقه مختلف دارای شدت یا ضعف می باشد. که خود تاثیر مهمی بر روند بزهکاری ها دارد. و از آنجا که هر منطقه جغرافیایی (شهری، روستایی، کوهانی، جلگه ای، مرزی، دریایی) چرم خاصی را دارد.

با این وجود جرایم علیه اشخاص در مناطق جنوب و هنگام فصول گرم و بهار و تابستان را داراست و جراست علیه اموال در مناطق شمال هنگام فصول سرد پاییز و زمستان بیشتر است. به عبارت دیگر مکانیزم تن و روان فرد با توجه به افزایش یا کاهش حرارت و دمای زیست محیطی در برابر فشارهای وارد بر آن از خود واکنشی نشان داد و محبت دفاع یا تطابق با آن اقدام به یک تغییر رفتار می نماید که خود به نوعی انحراف از ارزشخا و معیارهای خاص می باشد. (تاج زمان دانش ، ۱۳۶۸)

نقش دین در کاهش انحرافات اجتماعی نوجوانان و جوانان  
مطالعه رفتار انحرافی یکی از اصلی ترین رفتار جامعه شناسی است. در این تحقیق از بین علل و عوامل گوناگون موثر یا کاهش گرایشات نوجوانان و جوانان به انحرافات او بزهکاری عامل مذهب و احساس های مذهبی و دینی به طور کلی مورد پژوهش قرار خواهد گرفت.

قصد پژوهشی حاصل بازنگری نسبت به این پدیده مهم و اثرگذار و اثرات آن می باشد علت مطالعه پژوهش آن است که درصد مشترکی از بزهکاری و انحرافات اخلاقی و اجتماعی ریشه در کمبود ایمان و تفکر مذهبی و دینی دارد.

نظریه های مرتبط به بزهکاری

### ۱- نظریه سلسله مراتب نیازها / آبراهام مازلو

از این دیدگاه نیازهای بشری به پنج دسته اصلی از نیازهای فیزیولوژیکی ، نیاز به ایمنی ، نیاز به روابط اجتماعی ، نیاز به احترام و حرمت، و نیاز به خودشکوفایی تقسیم می شوند که به صورت سلسله مراتب وجود دارند.

هر یک از این نیازها تا ارضاء شده اند پنهان بیشتری از انگیزه را برای کسب آن در نزد فرد بوجود می آورند. و پس از ارضاء مرتبه بالاتری از نیازهای غالب شده و ارزشهای جدید را نمایان می سازند که به نوعی انحراف از رفتار بهنگار قبلی محسوب می شود. به عبارت دیگر به واسطه اشباع ناپذیری نیازهای فردی در پی کسب کمالهای مشابه یا جانشین از رفتار بهنگار در جامعه قراردادی به طور هشیار یا ناهشیار، منحرف و دچار کجرفتاری های اجتماعی می گردد.(مازلو به نقل از رضوانی ۱۳۷۶)

### ۲- نظریه نابرابری اجتماعی کارل مارکس / کارل تارد (رفیع پور، ۱۳۶۲)

از این دیدگاه بزهکاری و گرفتاری اجتماعی یک پدیده اجتماعی است و ریشه های آن در نابرابری انسان یافته می شود و آن تمرکز ثروت ها در دست عددی محدود در برابر بینوایی و بردگی دیگران است.

به این طریق انجراف اجتماعی بیانی ویژه از مبارزه طبقاتی است. خشونت زهادی روابط اجتماعی به واسطه عدم ستادی در توزیع امکانات و بی عدالتی اجتماعی می باشد. لذا افراد در مقایسه با دیگران ، عادت به تقلید می کنند و از آنجا که تقلید امری اجتماعی و حاکم بر روابط اجتماعی بین افراد است و هر کسی بر طبق عادات و رسوم مورد قبول محیط خود رفتار می کند، بنابراین اگر

کسی مرتکب بزه می گردد در واقع پاسخی به کاری بر تقلید از یکی دیگر نمی کنند.

۳- نظریه شهرنشینی مهاجرت /فردین ند تونیس / جرج زیمل / رابرт پارک از دیدگاه شهرنشینی هیچ عارضه روانی و اجتماعی محسوسی ایجاد نمی کند. چرا گه گروههای اجتماعی صمیمه ای در محیط شهری به حیات خود ادامه می دهند و شهرنشینان با یکدیگر تماس های پایداری برقرار می کنند و شبکه های مختلف اجتماعی از ایشان حمایت می نمایند.

و تاثیرات قابل توجهی از لحاظ اقتصادی، اجتماعی، روانی ، و نظایر آن بر شهرنشینان بر جان گذارده است. و در نتیجه موجب بروز نابهنجاری های اجتماعی و نابسامانی های اجتماعی و افزایش انحراف ها و بدرفتاری های اجتماعی در مراجع شهری می گردد( ادبی -حسین ۱۳۳۵ ) ( ادبی -حسین ۱۳۳۵ ) مقدمه ای بر جامعه شناسی شهری ، تهران شپکسپیر)

۴- نظریه نهادی ( سیستمی خانواده ، اనولد کهن هملوت / رند کونیگ از این دیدگاه نهادها به منزله سازمان ها و منابعیات بسیار مستمر و نابرجایی اند که صیانت ما را به عهده دارند و به قیمت از خود بیگانگی به ما القاء و اطمینان ارزانی می دارند لذا هر کسی نهاد را به عنوان عینیتی مستقل و تعیین کننده هنچارهای رفتاری تجربه کرده است.

بنابراین خانواده به عنوان اصلی ترین نهاد ( گروه نخستین ) به منطله تنها باقی مانده ثبات اجتماعی محسوب می شود لذا در تشکیل خانواده و هنگام ازدواج اعضاء که براسا خصوصیات فردی و ظاهری، بلکه به عنوان حاملین کارکردهای معین در گروه ( تقسیم ) انجام وظیفه می کند. از این رو اگر خانواده کارکردهای

خود را از دست دهد وحدت و جامعیت خانواده از بین خواهد رفت و یا اصطلاحاً  
دچار نابسامانی یا ناهمانگی می گردد (سارو خانی ۱۳۷۰)

#### ۵- نظریه از خودبیگانگی اجتماعی / رابرت بلانر

از این دیدگاه از خودبیگانگی فرهنگی وضعی است که فرد با گروه خود را در آن  
می یابد و آن براثر شکست اجتماعی شدن عدم توفیق در همانند سازی خود با  
الگوهای معتبر اجتماعی و بخصوص والدین و خویشاوندان نزدیک و عدم  
ارزشهای فرهنگی عمومی گروه در خود است. بینسان از خودبیگانگی اجتماعی،  
فرد با گروه را در وضع انزواجی و فقدان صحبت و درستی روانی، احساس بی  
قدرتی و پوچی و از خود بیگانگی و گرایش به بی هنجاری و کچ رفتاری  
اجتماعی است. ( تقلید از ازکیا ، ۱۳۶۶ )

#### ۶- نظریه معاشرت های ترجیحی انتقال فرهنگ، کرس / ادوین ساترن

از این دیدگاه رفتار بر هکارانه از تماس با اشخاص دیگر در اثر فرایند ارتباط  
یاد گرفته می شود. مخصوصاً از روابط شخصی در داخل یک گروه محدود،  
خانواده ، مدرسه، کوچه، محله تعلیم گرفته می شود. بنابراین فرد هنگامی  
بزهکار می شود. که تفسیرهای نامساعد درباره اعتیاد و قانون بر تغییرهای  
مساعد قائق آید ( وجود تعارض فرهنگی در جامعه) لذا ترجیم از همینجا پیدا  
می شود و اصل معاشرت ترجیهی بر همین نکته استوار است. در واقع معاشرت  
های هر فرد در حد بسیار وسیعی به وسیله سازمان تامین می شود و در صورت  
وجود الگوهای تعارض فرهنگ محیط، فرد بد رفتار بزهکار سوق می دهد ( نقل از  
نجفی، ۱۳۷ )

جهت خرید فایل word به سایت [www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com) مراجعه کنید و یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۰۳۵۲۲۸۸۶ تماس حاصل نمایید

www.kanau-

www.kandooch.com

www.kandooch.com

جامعه آماری :

جامعه آماری شامل کلیه افراد خانواده است.

آمار نشان می دهد جوانان ما به خصوص دانشجویان و دانش آموزاند بیرونی  
دست کم یکبار جوانا کشیده اند اما همگی کارشان به اعتیاد نکشیده مسئله

اینجاست که چگونه می توانیم فرزندانمان را از گرفتار شدن در دام این هیولای جسمی و روانی محافظت کنیم.

به نظر من بزرگترین عامل توقف آن را باید در تجدید راه و هدف زندگی پیدا کرد جوانی که محیط خانوادگی مناسبی ندارند، یعنی با والدینش از هم جدا شده اند یا اگر در کنا هم هستند، بیشتر سرگرم رسیدگی یا والدینش از هم جدا شده اند یا اگر در کنا هم هستند، بیشتر سرگرم رسیدگی به سایر مسائل زندگی بخصوص مسائل اقتصادی می باشد، در ورطه ای از تنها یی و بی محبتی دست و پا می زند و تنها وسیله ای که برای نجات خود پیدامیکند، پناه بردن به اعتیاد الکل است. (مهديخان ، ۸۲ ، ۱۰۵ )

زندانها دلیل بی مسئولیتی و ناآگاهی ها والدین پر است.

جامعه ایده آل آن است که مرامش آن قدر از مشاغل و روابط انسانی و احساسات عاطفی خویش سرمیست لذت می شوند که برای کیف و لذتی زودگذر و برفرجام نیازی به داروهای خطرناک و مواد زهرآگین نداشته باشند.

ولی متاسفانه از واقعیت تا آرمان راهی دراز و تقریباً محال است و از آنجایی که ما دارای جامعه سالمی نیستیم، پس نقش ما والدین بسیار حساس تر و مهمتر و سنگین تر است و تنها راهی که می توانیم بوسیله آن فرزندانی دو را در این سرزمین از خطرها معبد داریم، آگاه کردن خود به مسائل تربیتی صحیح و دادن عشق، توجه، محبت و احترام به فرزندانمان است.

طبق آمار بدست آمده از افراد زندانی و بخصوص نسل جوان که در زندانها به سر می برند، نشان داده شده که وقتی به درد دل آنها گوش می کنید و دلیل زندانی شد نشان را می پرسید، بدون استثناء متوجه می شوید که ریشه

مشکلاتشان مشترک است. همه آنها در بی خانمانی دارند، درد بی عشقی، بی محبتی، بی توجهی.

بدین معنی که اینکه والدینشان از هم جدا شده اند، یعنی اکثرآ پدرها در زندگی شان نقشی نداشته اند و محیط دلگرم کننده ای نبوده برای رهایی از آن تنگنا به محیط نامحدود و نامن خارج پناه برده اند و به تدریج راه جناحت و بزهکاری را پیش گرفته اند. (مهدیخان، ۸۲، ۱۰۹)

در تحقیقات انجام شده توسط حسن احمدی و نیک چهر محسنی نشان می دهد که ۵۲/۴ درصد دانش آموزان بزهکار اوقات فراغت خود را به بطالت گذرانده اند در صورتی که این رقم برای گروه ، مقایسه ۵/۸ درصد بوده است. بنابراین با ۹۹٪ اطمینان می توان نتیجه گرفت که چگونه گذراندن اوقات فراغت با بزهکاری دانش آموزان در به انحراف کشیده شدن آنان تاثیر دارد.

(دشتی، ۷۸، ۹) آمارها نیز حکایت از این دارد که بیشتر بزهکاریهای کودکان و نوجوانان ریشه در مسائل و مشکلات خانوادگی طلاق را از هم پاشیدگی کانون گرم خانواده دارد.

طبق تحقیقات انجام شده، ۷۰ درصد افرادی که دچار آسیبهای اجتماعی می شوند، فرزندان طلاق اند. از این رو توجه به مقوله پیشگیری از طلاق اهمیت خاصی دارد. (ستوده، ۸۴، ۲۱۲)

تجزیه و تحلیل

یکی از عوامل موثر در رفتار فرد خانواده است. محیط و ساختار خانواده نخستین و با دوام ترین عاملی است که در رشد شخصیت افراد تاثیر می نماید. پدر و مادر، برداران و خواهران در آشنایی فرد به زندگی و فرهنگ جامعه نقش موثری را بر عهده دارند. موقعیت خانواده شرایط اقتصادی آن، افکار و عقاید، ایده‌آلها و آرزوهای والدین و سطح تربیت آنان در طرز رفتار کودکان، نفوذ بسیار دارد.

در بررسی تاثیر محیط خانوادگی باید چگونگی وضع خانواده، روابط افراد خانواده با یکدیگر و نیز موقعیت کودک در بین افراد خانواده، مورد توجه قرار گیرد. ( ستوده ۱۳۸۴ ، ۲۱۶ )

سالهاست که اعتیاد به مواد مخدر به صورت تهدیدی جدی، جامعه بشری و بویژه نسل جوان آن را در معرض خطر قرار داده است. بازارگانی پرسور مواد افیونی با پدید آوردن کهکشانی از تباہی و مرگ که از کشتگاههای تریاک تایلند تا هزار توی مافیا در نیویورک دامن کشیده است. هر سال به شمارتر بازیان خود می افزاید. به دام افتادگان بیشتر جوانانی هستند که در گردنۀ بلوغ و گذر از هفتاخوان پر رمز و راز شباب، به صحرای افسونگر پر می گشند. وقتی نظارت گروههای نخستین چون " خانواده " کاهش می یابد و بستگیهای اجتماعی سست می گردد، فرهنگ خرد و اندوه به جای آن حاکم می شود و زمینه به دام افتادن را فراهم می آورد. ( ستوده ۱۳۸۴ ، ۱۹۶ )

راهکارهایی برای خشکاندن جرم

بی توجهی خانواده به هنجارهای مذهبی، اخلاقی و اجتماعی همواره بستر ساز وقوع بسیاری از جرایم بوده است. در اینجا وقتی از جرم و مجرم صحبت می شود منظور مجرمان حرفه ای و سابقه دار نیستند که تکلیف آنها از ابتدا با جامعه و پلیس روشن است بلکه جوانان و نوجوانانی مورد نظر هستند که برای نخستین بار مرتکب جرم می شوند. متاسفانه آمار پلیس آگاهی نشان می دهد درصد عمدۀ ای از افرادی که در طول سال وارد زندان می شوند، برای نخستین بار مرتکب جرم شده اند.

جامعه ایرانی و به خصوص جامعه شهری باید این سوال را از خود پیپرسد که علت و زمینه های پیدایی چنین آماری چیست. در نگاه کلان و شاید سطحی بتوان پاسخهای متعددی برای این سوال ارائه داد که به نوعی الزامات جامعه در حال گذار را مطرح می کنند. از جمله گسترش شهرنشینی، پدیده کلانشهرها، مشکلات اقتصادی، پیشرفت فناوری و انفجار اطلاعات گاهی موقع ممکن است در گفت و گوهای روزمره گفته شود که این مشکل طبیعی است.

اما باید توجه داشت که هیچ گونه ناهنجاری طبیعی نیست. و باید به مقابله به آن برخاست. طرز زندگی جمعیت های مختلف ساکن ایران نشان می دهد که چگونه مردم در اقلیم های مختلف، خشونت های طبیعی را مهار کرده اند و حتی در برخی موارد آن را به نفع خود تغییر داده اند. مشکل اصلی در بین جوانان و نوجوانانی که برای نخستین بار مرتکب جرم می شوند بی توجهی خانواده ها به مسائل روحی و روانی آنها است و این که خانواده ها به دست خود زمینه ها و بستر های ارتکاب جرم را برای فرزندان پاک نهاد و بیگناهشان را فراهم می کنند.

چرا که اگر اجازه دهیم فاصله ما و فرزندانمان روز به روز بیشتر و بیشتر شود، به نقطه ای خواهیم رسید که فرزندانمان به اندازه یک مجرم پیشتر میله های زندان از ما فاصله می گیرند. بنابراین پر واضح است که از هر فرصت به دست آمده باید برای گرم کردن کانون خانواده بهره جست و ایجاد روابط عاطفی با فرزندان را سر لوحه امور زندگی قرار داد.

شاید پدر و مادری که مشکلات و سختی های زیادی را در محیط خانه و کار تحمل می کنند به محض مشاهده یک رفتار خاص فقط به یک جمله هشدار دهنده یا آمرانه بسند کنند و این گونه سخن ها و گفتارها مورد پسند جوانان هم نباشد. اما فرزندان باید بدانند که هیچ کس دلسوزتر و امین تر از والدینشان نیست. در عین حال فرزندان نیز باید توجه داشته باشند که پدر و مادر نیز به احترام و ابراز دوستی آنان نیاز دارند.

این رابطه دوچاریه به استحکام و قوام هر چه بیشتر خانواده ها می انجامد و در پرتو آن است که تامین نیازهای مادی فرزندان معنا می یابد. همه والدین برای جلوگیری از انحرافات به خواسته های مشروع فرزندانشان توجه و در حد مقدورات و شرایط اقتصادی آنها را اجابت می کنند. اما در صورتی که امکانات لازم رفع نیازمندی های مادی فرزندان مهیا نبود، احترام به والدین و دوست داشتن آنها همچنان مانع ایجاد عقده و انحراف در بچه ها می شود.

به هر حال در محیط خانواده همانند محیط اجتماعی مسئولیت ها برای حفظ و انسجام اعضای آن به عهده والدین نیست. وجود فضای صمیمی و امکان گفت و گو بین والدین و فرزندان و میان تمامی اعضای خانواده بهترین راه پیشگیری از جرائم و انحرافات است. اگر بخواهیم همواره بهاری باشیم و سیز زندگی کنیم

باید نشاط و دوستی را در محفل خانواده به وجود بیاوریم تا کجی ها و پلشتهای ها به کانون های خانواده ما راه نداشته باشند.

مطابق تحقیقات گیز مادوود (۱۹۸۶) بر روی ۶۵۴ دختر و پسر بزهکار معلوم شد که فقط ۱/۳ درصد خانواده های (۲۱۰) نفر نوجوانان بزهکار به ظاهر دارای روابط سالمی بوده اند و بقیه یعنی ۴۴۴ نفر دیگر در خانواده های غیر طبیعی و نابسامان زندگی کرده اند. دکتر هویر پس از بررسی های آماری ۱۰ کشور اروپایی مدعی است که ۸۸ درصد اطفالی که مرتکب جرائم می شوند از خانواده های گسسته هستند در مطالعه ای اشنایدر و پاترسون (۱۹۸۷) نتیجه گرفتند که خانواده های افراد بزهکار راهبردهای صمیمی را در حل مسائل بکار نمی گیرند. و راهنمایی کردن و آموزش این خانواده ها موجب شد که رفتارهای بزهکاران تا حد زیادی کاهش یابد.

کودک رفتارهای اخلاقی را خواهد گرفت و از رفتارهای غیر اخلاقی به علت تداعی شدن آنها با تنبیه یا سرزنش اجتناب خواهد کرد. حال اگر جامعه با خانواده هماهنگ بود و رفتارهای اخلاقی یکسانی را تشویق کند در مجموع افراد آن جامعه به سوی رفتارها گرایش خواهند داشت. (معصومه اسماعیلی، ۱۳۷۸، پایان نامه)

تجربیات گوناگون ثابت کرده است که کودک تربیت خانوادگی خود را تعقیب می کند و به آن دل می بندد. در بررسی آمار گسیختگی خانواده که به طور کلی بین ۰٪ تا ۹۰٪ از جوانان مجرم در خانواده های گسیخته، ۲۴٪ در خانواده ای که پدر و مادر از هم جدا شده اند، ۱۱٪ بعلت کمبود یکی از والدین و ۱۱٪ به علت فساد اخلاق والدین بوده اند. (دکتر محمدحسین فرجاد (۱۳۷۲

طبق تحقیقات بدست آمده اکثر مجرمین یا قربانیان طلاق بوده اند یا در خانواده ای ستیزه جو رشد یافته اند.

اغلب مطالعات اولیه درباره تاریخچه خانواده در تلاش برای یافتن ارتباط میان وراثت و ارتکاب جرم و همچنین رابطه بین عوامل وراثتی و اشکال مختلف رفتار انحرافی انجام شده است. زیست شناسان اولیه به مطالعه درباره تاریخچه خانواده و ارتباط آن با رفتار انحرافی پرداخته و به نتایج قابل توجهی رسیده اند. ولی به دلیل عدم آشنایی کافی با اصول روش شناسی علمی یافته های آنان از اعتبار لازم برخوردار نیست برای مثال چارلز کورنیگ (۱۹۱۹) در مطالعه ای درباره خانواده هایی که جرم و بزهکاری در آنها مشاهده شده نشان داد که همبستگی به عملت عامل وراثت بوده است، او با تایید ادعای خود درباره نقش وراثت مدارکی را ارائه نشان می داد در خانواده هایی که مشکل وراثتی داشتند پسروانی که در ابتدای زندگی بیرون از خانواده بوده اند به همان اندازه آنها ای که مدت طولانی تری در خانه با پدرانشان بودند بزهکار شده اند.

او همچنین دریافت که همبستگی ها برای جرایم جنسی (در مواردی که پدران سهمی در نگه داشتن فعالیتهاشان داشتند) به همان اندازه بالا بود که برای دزدی (در مواردی که پدران ممکن بود بوته ای برای پسرانشان باشند) دکتر

حبيب احمدی (۱۳۸۴، ص ۲۷)

ناهنجریهای کروموزومی و امکان ارتباط آن با رفتار جنایی موضوعی است که در سالهای اخیر مورد پژوهش قرار گرفته است. بیشترین تحقیقاتی که در این زمینه انجام گرفته بر روی افرادی بوده که کروموزومهای آنها به شکل  $xyy$  بود که نوعی ناهنجری کروموزومی است. کروموزوم X مخصوص زنان و کروموزوم

y مخصوص مردان است. مردانی که اختلال کروموزومی ندارند کروموزومهای آنها XY و زنان بدون اختلال کروموزومی شکل کروموزوم آنها XX خواهد بود.

کروموزوم XY مربوط به مردی است که کروموزوم y اضافی دارد. این نوع ناهنجاری کروموزومی در سال ۱۹۶۱ کشف شد و در میان این دهه پژوهشگران اسکاتلندي ۱۹۷ زندانی را مورد مطالعه قرار دادند و یافتند که تعداد قابل توجهی از آنها ناهنجاریهای کروموزومی YY دارند.

فروید شکل گیری شخصیت انسان را در دوران کودکی جستجو می کند که از یک تا شش سالگی طول می کشد که او چند مرحله نظیر مرحله دهانی، مقعدی، آلتی و جنسی می گذرد و اگر هر مرحله نیازهای کودک ارضاء نشود کودک به مرحله بعدی رشد شخصیت نمیرساند و تمام انرژی روانی او صرف مراحل پیشین تر رشد می شود فرآخود که نمایندگی بازدارندگیهای اجتماعی است در طور تجربه در گروههای اجتماعی و به ویژه خانواده کسب شده و به صورت وجودان یا شعور فرد درونی شده و مجموعه ای از احکام و ارزشهای است. (احمدی ، ۱۳۸۲ ، ص ۱۱)

تبیینهای روان شناختی این موضوع را مورد بحث قرار داده اند که هوش پایین علت موضوع جرم و بزهکاری است. بحث هوش و رفتار انحرافی ریشه های تاریخی طولانی دارد. مطالعات اولیه که به بررسی تاریخچه های خانوادگی پرداخته دریافته اند که بسیاری از مردمی که هوش پایین در نسلهای گذشته و حال خانواده های مشاهده شده رفتار انحرافی شده اند از این یافته ها نتیجه گرفته اند که رفتار جنایی از تولید مرتكب رفتار انحرافی شده اند از منقب وراثت و محیط در مورد اینکه رفتار تا چه حد باز تولید عوامل زیستی - روانی است و تا چه حد باز تولید عوامل اجتماعی و محیطی است به تلفیق عدم

اجتماعی و زیستی و روانی انجام میده و جرم و بزهکاری را پدیده می ای زیستی – روانی و اجتماعی دانسته اند.

اگر چه تحقیقات تجربی بازدارنده های شخصی و درونی را در رفتار انحرافی، به ویژه در بزهکاری جوانان موثر می داند ولی در شرایطی که عوامل اجتماعی و محیطی نظیر خانواده، مدرسه و گروههای همسالان فعال هستند و عوامل درونی و شخصی به تنها یی قادر به کنترل رفتار فرد نیستند. ( حبیب احمدی، ۱۳۸۴، ص ۸۹)

تحقیقات انجام شده در ایران در دهه های اخیر بیانگر رابطه ای معنادار بین گسیختگی خانوادگی و بزهکاران جوان است. پژوهش انجام شده بر روی جوانان بزهکار اردوی کار شهر تهران نشان می دهد که متلاشی شدن خانواده ها یا فاقد والدین بودن بر بزهکاری جوانان موثر است. از میان افراد مورد مطالعه تنها ۳۲ درصد پدر و مادر و خانواده ای نسبتاً با ثبات داشته اند، ۷ درصد از جوانان بزهکار از والدین فوت شده، ۲۲ درصد فقط پدر و مادر داشته و بقیه با ناپدری یا نامادری می زیسته اند. ( راسخ ۱۳۴۲)

خارقیان ( ۱۳۵۳ ) در تحقیقی با عنوان نگرشی بر بزهکاری نوجوان پسر و دختر ۱۵-۱۸ ساله محبوس در یکی از زندانهای شهر تهران که وابسته به کانون اصلاح و تربیت جوانان بوده است نشان داد که بی ثباتی و تزلزل خانوادگی عامل مهی در بزهکاری جوانان است.....

مطالعات نشان دهنده اهمیت نقش پدر و مادر در پرورش عاطفی و اجتماعی جوانان است و بی ثباتی از هم پاشیدگی خانوادگی در اثر فقدان پدر یا مادر یا هر دو به علت مرگ، طلاق و غیره زمینه ساز بزهکاری جوانان است.

تحقیقاتی در زمینه پیش آگهی اجتماعی بزهکاری به عمل آمده تا معلوم گردد افرادی که به عنوان بزهکار محاکوم شده اند چه سرنوشتی در آینده خواهند داشت ( محمد حسین فرجاد، ۱۳۶۳ ) محققان خانواده های ناتنی متوجه شده اند که بیشتر بچه ها از دلبستگی عشقی تازه پدر و مادرشان دل آزرده شده و غالباً نارضایتی شان را با رفتار خود نشان می دهند، گاهی واقعیت رابطه ای جدید پدر یا مادر رؤیای بچه را مبنی بر اینکه پدر و مادر واقعی اش یک روزی دوباره به هم می پیوندند نقش بر آن می کند. ( جودیت پی سیگل، مترجمین : مرتضی صفوی زاده ، محمد فرجیان ، ۱۳۸۳ )

نتیجه گیری :

اگر فرزندانمان احساس امنیت عاطفی کنند و عشقمن را داشته باشند هرگز به انحراف کشیده نمی شوند.

( مهدیخان ، ۸۲ ، ۲۶ )

برای داشتن یک زندگی خوب و سالم سه عامل در زندگی افراد ضروری است؛ خانواده ، مذهب و تحصیلات. زیرا با داشتن خانواده هدفمند می شوند و با پذیرش و داشتن ایمان به گرد کارهای بد نهی گردد و با داشتن تحصیلات می

توانند در حل مشکلاتشان از راههای اصولی و صحیح استفاده کنند و به تجزیه و تحلیل مسایلشان بپردازند.

( مهدیخان ، ۸۲ ، ۵۴ )

می توان نتیجه گرفت که چگونه گذراندن اوقات فراغت با بزهکاری دانش آموزان در به انحراف کشیده شدن آنان تاثیر دارد. ( دشتی ، ۷۸ ، ۹ )

یکی از اصول مهم و اصلی روابط عاطفی بین کودک و پدر و مادر یا حتی بزرگسالان که هر کدام به نوبه خود نقش بزرگی در سازندگی شخصیت کودک دارند بوجود آوردن احساسات عاطفی و اخلاقی در آنهاست.

آنچه کودک از پدر و مادر خود کسب می کند یا بعبارتی تقلید می کند، بعدها قسمتی از شخصیت او می شود. و از آنجایی که امروزه بسیاری از والدین به دلیل فشارهای مختلف زندگی اصولاً افرادی خسته و عصبی هستند بدون در نظر گرفتن اینکه کودک دارای شخصیت مستقلی است، به جای اینکه بر کارهای فرزندانشان نظارت داشته باشند، هر چیزی را که می خواهند انجام دهند به فرزندان خود دستور می دهند و آنها اکثراً از روی ترس، اجبار، فرمانهای داده شده را اطاعت می کنند. و چون اجبار وجود دارد پایه های اخلاقی کودک استوار نخواهد شد.

رفته رفته در اثر عدم حضور والدین مخصوصاً مادران که به دلیل مشغله کاری و گرفتاریها و مسئولیت‌های دیگر وقت لازم و کافی را در اختیار فرزندانشان قرار نمی دهند، بچه ها رو به فساد اخلاقی می روند و محیط مناسبی برای گرایش به مواد مخدر و هرگونه اعتیادی پیدا می کنند ( مهدیخان ، ۸۲ ، ۱۰۳ )

۱- پس نتیجه می گیریم که نحوه صحیح رفتار والدین با فرزندان و تربیت صحیح آنها می تواند در کاهش بروز بزهکاری و دچار شدن آنها در راههای افراد بزهکار کمک فراوانی نماید.

۲- تربیت فرآورده ساده ای نیست که بر نتایج حاصل از تحول فردی که به صورت فطری تنظیم شده یا تنها به کمک خانواده انجام یافته است افزوده شود. از بد و تولد تا پایان نوجوانی تربیت در حکم یک واحد و یکی از دو عامل اساسی و لازم آماده سازی فکری و اخلاقی است.

به قسمتی که مدرسه سهم مهمی از مسئولیت نهایی یاشکست فردی در زمینه تحقق بخشیدن به امکانات و در زمینه سازی وی با اجتماع به عهده دارد. پس حق بهره گیری از تربیت بدون کم و بیش حقی است که فرد بر حسب امکانات خود درباره تحول، بهنجار خویش دارد، و وظیفه اخلاقی اجتماعی است که این امکانات را به فعل در آورد و بر آنها جامعه عمل بپوشاند ( متصور ) (۱۳۷۱)

۱- برای گرایش نوجوانان و جوانان هیچگاه نبایستی از سختگیری و تعصب شدید استفاده کردند زیرا نتیجه معکوس خواهد داشت.

۲- باید به خواسته ها و نظرات نوجوانان و جوانان ارزش داده شود زیرا با عنایت به این خواسته ها بسیاری از مسائل انحراف آمیز حل خواهند شد.

۳- خانواده و پایبندی آن به اصول و موازین مذهبی نقش غیر قابل انکار در گرایشات فرزندان به اصول و موازین مذهبی دارد پس خانواده باید در این امر کوشای بشنند.

۴- برای پیشگیری از وقوع بزهکاری و رشد و توسعه آن لازم است به بحران بلوغ و روابط خانواده با نوجوانان و تحول ارزش‌های دوران دوره توجه نمود.

برخی از رفتارهای را علامت بلوغ است و متناسب با آن عکس العمل نشان داد روابط خانوادگی را تصحیح کرد. موسسات آموزشی ایجاد نمود و مشکلات احتمالی را که مشاور بزهکاری می شوند از میان برداشت و زمینه را برای رشد متناسب استعداد آماده کرد.

برای پیشگیری از بزهکاری باید سعی کنیم کلیه خصوصیات محیطی و اجتماعی را که گمان می دود و عامل بزهکاری باشند. مورد توجه قرارداد و آن را اصلاح کنیم به گونه ای که جامعه جرم خیز و بزهکار پرور نباشد.

۱- ارائه آموزش های صحیح و سازنده و برنامه هایی در سطح گستره جهت جلوگیری از هر گونه انحراف.

۲- از آنجایی که بیشتر نوجوان را بزهکار از خانواده هایی بی سرپرست می باشند در حالت دلگرمی بسر می برنند. لذا عازم است مراکزی برای نگهداری و پرورش این افراد بی سرپرست داشته باشیم.

۳- به کار گیری نوجوانان در کانون و اصلاح تربیت و پرداخت دستمزد به آنان. اگر خانواده به نحوی موثر در پرورش فرزندان خود همت گمارد. و از پلیس و دادگاه استمداد بجوید موجبی برای بزهکاری وسیله روزی آنان در آینده باقی نخواهد ماند. متسفانه بسیاری از خانواده ها پرورش کودک معرفتی نیندوخته

اندو یا اگر تحصیلاتی دارند از آن سود نمی برنند و مصدق عالمان بی عمل می باشند. پیشنهاد می شود افراد زیر سن قانونی تحت قوانین کیفری بزرگسالان قرار نگیرند و به جای طبقه بندهی کردن دادگاه ها براساس ماهیت انحراف، آنها را براساس سن منحرفان طبقه بندهی نمایند.

برایین اساس در بیشتر کشورهای دیگر نظام قضایی و نظام کنترل جوانان از بزرگسالان متمایز شده و بیشتر جنبه بازپروری، توان بخشی، حمایتی و ارشادی دارد.

اگر خانواده به نحو موثری در تربیت نیکوی فرزندان خود همت گمارد موجبی برای بزهکاری و سیه روزی آنان در آینده باقی نخواهند ماند. برای مشکل نداشتن تعلیم و تربیت صحیح خانواده در پرورش ارشاد فرزندان خود و عدم آشنایی کافی آنان در تحلیل مسائلی که برای فرزندان پیش می آید با سایر اوضاع نامطلوب و نابسامانیهای خانواده را نیز مطرح نمود مخصوصاً ثباتی و مختل بودن وضع خانواده که زندگی ماشینی و کارگری و اقتصاد صنعتی به دنبال خود می آورد نزاع و کشمکشها یی که دائماً بین والدین با افراد خانواده جریان دارد معتقد بودن والدین به نوشابه های الکلی، نراحتی عصی و اختلال روانی که هر یک از والدین گرفتار آن میباشند.

انجام مساله طلاق و تجدید فراش بزرگترین ضربتها و عوامل هستند که اطفال را به بزهکاری سوق می دهند و راه ناصحیح و انحرافات را در برابر آنان می گشایند. و یا آنان را دچار عدم تعارض روانی می سازند. عواقب بی مهری و مخاطرات بی تفاوتی عاطفی، اشخاص بی عاطفه از کودکی محبت نچشیده اند از عطوفت پدر و مادر خاصه مادر، بی بهره بودند یا دلبستگی ما بین آنها وجود نداشت، به ابراز احساسات نسبت به دیگران، عشق و احترام در نظر اشخاص بی عاطفه بی معنی است تا آخرین سرحد بی رحمی و شقاوت پیش می روند به اطرافیان خود وابستگی پیدا نمی کنند و از تنها یی خود نیز رنج نمی برند. بی تفاوتی عاطفی را باید مولفه و شکل گیری شخصیت جنایی دانست که با ظهور جریان تحول و تکوین شخصیت جنائی تمام است.

توصیه من این است که زن و شوهر حرفه‌ای غیر محترمانه و آزار دهنده کم بزنند درست همان طور که پدر و مادر می دانند که گفتن اینکه بچه کار بدی کرده تا اینکه به او فهمانده شود و او آدم بدی است مفید می باشد. زن و شوهرهای با روابط توأم با ناراحتی که دارند تاثیر خانمان سوز تعمیم دادن و نتیجه گیری های کلی است. پدر و مادر برای بهداشت روانی و خوشبختی بچه هایشان باید بخواهند با آنها محترمانه رفتار شود عزت و احترام خواستن به معنی امتناع از گوش دادن به شکایت یا انتقاد نیست، بلکه قطعاً به معنی آغاز روشی است که توهین آمیز یا خفت بار نباشد.

۱- ایجاد واحدهای مددکاری و اجتماعی و واحدهای تخصصی و روانشناسی

برای پذیرا شدن نوجوانان بزهکار

۲- استفاده از روانشناس و روان پزشک برای بزهکاران تازه وارد.

۳- روان درمانی بزهکاران از طریق رسیدگی به پیشینه خانوادگی ، عیوب جسمانی یا روانی والدین.

۴- به کارگیری نوجوانان در کانون اصلاح و تربیت و پرداخت دستمزد به آنان.

- دانه کار ، ماهرخ - ۱۳۷۲ - زمینه بزهکاری - نشریه ماهنامه پیوند ۱۳۷۲

- شامبیاتی - هوشیگ، ۱۳۷۱، بزهکاری اطفال و نوجوان، انتشارات پاژنگ

- دانش، تاج زمان ، ۱۳۶۸ ، مجرم کیست، جرم شناسی چیست، انتشارات کیهان

- احمدی ، سید احمد، ۱۳۷۵ ، روانشناسی نوجوانان، جوانان، انتشارات مشعل

لطف آبادی ، حسین، ۱۳۷۸، ص ۱۸۴، روانشناسی رشد نوجوانی، جوانی و

بزرگسالی : تهران، انتشارات سمت

- اسماعیلی ، معصومه ، ۱۳۷۸ پاییز، مقایسه رشد قضایت اخلاقی و رشد شناختی در نوجوانان عادی و بزهکار ۱۷-۱۲ سال مشهد ، پایان نامه
- فرجاد ، محمد حسین ، ۱۳۷۲ ، آسیب شناسی اجتماعی، خانواده و طلاق، انتشارات منصوری، ص ۱۲۶ تا ۴۳
- فوروارد ، سوزان ، ۱۳۷۸ ، ص ۱۹ تا ۶۲. (مترجم مینو کسائیان) ، ویراستار پریوش رسیدی، انتشارات مانی ، بحث پیرامون روابط والدین و فرزندان
- احمدی ، حبیب ، ۱۳۸۴ ، ص ۸-۱۳۶ جامعه شناسی اوقات فراغت، سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی ( سمت )
- مهرام ، بهروز، تاثیر کارکرد خانواده بر اختلافات درون ریزی دختران نوجوان و مقایسه کارکرد خانواده های آسیب دیده و عادی پایان نامه
- کریمی ، یوسف ، ۱۳۷۵ روانشناسی اجتماعی ، نظریه ها ، مفاهیم و کاربردها انتشارات ارسپاران
- مولف : کمانیا، مهدی ، نهران ۱۳۷۳ ، مبانی جرم شناسی اجتماعی ( جلد دوم ) جامعه شناسی جنائی ، ناشر : موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه
- مجموعه طرحهای پژوهشی دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۶۴ مشهد، دفتر معاونات پژوهشی دانشگاه فردوسی مشهد.
- فرجاد ، محمد حسین ، ۱۳۶۳ ، آسیب شناسی اجتماعی و جامعه شناسی انحرافات، ویرایش دوم، انتشارات بدر
- هنری ، پاول و دیگران ، ۱۳۶۸، ( مترجم، مهشید یاسایی ) رشد و شخصیت کودک. انتشارات نشر مرکز. ص ۶۱۵
- احمدی، سید احمد، ۱۳۷۵، ص ۱۴۲، روانشناسی نوجوانان و جوانان، انتشارات مشعل

- مینوچین، ۱۳۷۵، ص ۲۳۲، خانواده و خانواده درمانی، چاپ دوم، ( مترجم،

باقرنیایی ذاکر، تهران: انتشارات امیرکبیر، تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۱۹۷۴

- گنجی، جمزه، ۱۳۷۶، بهداشت روانی ( چاپ دوم) بی جا، نشر اسپاران

- اکرمی - ناهید، ۱۳۷۱ - بررسی رشد قضایت اخلاقی در پسران عادی و

بزهکار، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم تهران

- اعزازی ، شهلا، ۱۳۷۶، «جامعه شناسی خانواده» تهران، نشر روشنگران و

#### مطالعات

- ساعی ، ایرج، ۱۳۸۲، « درآمدی بر جامعه شناسی و آسیب شناسی خانواده

نابسامان » تهران، کار ، مهرانگیز، ۱۳۷۸ ، - رفع تبعیض از زنان تهران، پروین.

- کی نیا ، مهری، ۱۳۷۳، « مبانی جرم شناسی تهران، انتشارات دانشگاه

تهران»

گات برز، ۱۳۷۴، « جرم شناسی نظری » ترجمه مهری کی نیا، انتشارات مجد،

چاپ اول.

- مجله جامعه شناسی ایران تابستان ۱۳۸۱، دوره چهارم شماره ۲، انجمن

جامعه شناسی ایران ، روزنامه ایران

- خامنه ای ، سید محمد، زن خانواده و اسلام، سایت گوگل

- عسگری ، سید غزاله ، ۱۳۸۷، « پایان نامه کارشناسی ، دانشکده علوم تربیتی

و روانشناسی ، دانشگاه فردوسی مشهد.

- نجفی گل ، پریسا، پایان نامه ، مطالعه رابطه میان تعارض والدین با سطح

سازگاری در دختران نوجوان

- بهفر، زهرا، پایان نامه کارشناسی ارشد

( تاثیر کارکرد خانواده بر اختلالات درون ریزی دختران نوجوان و مقایسه کارکرد خانواده های آسیب دیده و عادی )

- ساروخانی ، باقر ، ۱۳۷۰ ، مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، انتشارات

سروش

- دکتر تاج زمان دانش ، ۱۳۶۸ ، مجرم کیست جرم شناس چیست

- رفیع پور ، فرامرزی ، ۱۳۶۲ ، جامعه روستایی نیازهای آن ، انتشارات دانشگاه تهران.

- سرهنگ یوسفیان ، فرمانده انتظامی شهرستان ذایین ، سایت گوگل

- سربازی ( ناصر ، نقش خانواده در بزهکاری کودکان و نوجوانان ، سایت وکالت

- ستوده ، هدایت الله ، ۱۳۸۴ ، ص ۳۵ ، انتشارات آوای نور ( ویرایش سوم )

اجتماعی ، جامعه شناسی انحرافات

- سادات ، محمدعلی ، ۱۳۷۲ ، اسفند ، ص ۴۹. چاپ دوم. رفتار والدین با فرزندان

چاپ حسام

- صارمی ، نوزدramین ، ۱۳۸۰ ، ص ۶۱ ، انحرافات اجتماعی و خرد فرهنگهای

معارض. ( چاپ اول ) انتشارات دانشگاه علوم انتظامی

- نجاتی ، حسین ، ۱۳۷۱ ، ص ۱۶ ، نقش تربیتی پدر در خانواده ( چاپ اول ) چاپ

فرزانگان.

- آزادارمکی ، تقی ، پهار ، مهری ، ۱۳۷۷ ، ص ۱۸۹ ، بررسی مسائل اجتماعی ( چاپ

اول ) انتشارات موسسه نشر جهاد وابسته به جهاد دانشگاهی

- کنستان ، در جمع علوم جنائی سال ۱۹۶۷ ، تیهکاری در مجموعه های بزرگ ،

ص ۱۰۰ تا ۹۱.

- ممتاز، فریده، ۱۳۸۱، ص ۱۹، انحرافات اجتماعی نظریه ها و دیدگاهها (چاپ اول) ناشر، شرکت سهامی انتشار.
- علیزاده مهدی، ۱۳۸۲، ص ۱۲۳، نقش اسلام در پیشگیری و کاهش بزهکاری(چاپ اول) ناشر، دانشگاه علوم اسلامی رضوی مهدیخان، زهراء، ۱۳۸۲، ص ۱۱، والدین خودخواه، فرزندان رها شده، انتشارات پیکان تهران
- گنات، حمیم، ( مترجم: علی مشکی) ۱۳۷۴، رابطه والدین و فرزند( چاپ دوم) انتشارات آبتيين پيکان تهران.
- قندهاريزاده، افسانه، ۱۳۷۸، پایبند، بررسی رابطه بین حمایت اجتماعی (خانواده - دوستان) و سلامت روانی نوجوان.
- ثناei، ب، ۱۳۷۰، ص ۱۶، آسیب شناسی خانواده، مجله پژوهش‌های تربیتی شماره ۲
- بیابانگرد، ۱۳۷۷، ص ۱۶ روانشناسی نوجوان، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی سیتر، و ۱۳۷۳، ص ۱۷ ( مترجم ب: بیرونی) تهران، رشد، آدم سازی هنریخگتون، ا.م ۱۳۷۳، ص ۲۲ ( مترجم: ظهوریان و همکاران)، روانشناسی کودک از دیدگاه معاصر، انتشارات آستان قدس رضوی
- دلاور، علی، ۱۳۷۵، ص ۵۸، روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی
- نعیم آبادی، البهام، حاتمی، زهره، ۱۳۸۵ مهر، ص ۲۱، مقایسه شیوه های حل تعارض والدینی در دختران عادی و فراری.
- قائمی، علی، ۱۳۶۶، ص ۲۲، نقش مادر در تربیت، انتشارات امیری
- شفیع آبادی، عبدالله، ۱۳۶۷، ص ۲۲، فنون تربیت کودک، راهنمای والدین انتشارات سپهر

جهت خرید فایل word به سایت [www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com) مراجعه کنید و یا با شماره های ۰۹۳۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۰۲۵۲۲۸۸۶ تماس حاصل نمایید

- دوسون، ( مترجم، عبدالرضا صرافان) والدین و فرزندان ( کودکی ، نوجوانی،  
جوانی) انتشارات دوستان.